

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه علمی

مطالعات فقه و حقوق رسانه

دانشکده رفاه

سال اول - بهار و تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۱

کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری به دو فصلنامه مطالعات فقه و حقوق رسانه درجه علمی (با شماره مجوز ۸۴۹۵۸) اعطا کرده است. دو فصلنامه حقوق در پایگاه زیر نمایه می‌شود:
الف: گوگل اسکالر
scholar.google.com

با توجه به راهاندازی سامانه ویژه دو فصلنامه فقه حقوق به نشانی www.journal.refah.ac.ir ضروری است که علاقه‌مندان جهت هر گونه ارتباط با این مجله صرفاً از طریق سامانه مزبور اقدام کرده، موارد مربوط را پیگیری نمایند. مقالاتی که به روش دیگر ارسال شود، قابل پیگیری نخواهد بود.

تهران - بهارستان، ضلع شرقی مجلس شورای اسلامی، ابتدای خیابان مردم، کوچه شهید ندایی پور، پلاک ۱

تلفن ۰۲۱۳۰۰۷۴۲۳۰ - نمابر ۰۲۱۳۳۰۲۱۷۷۶ - صندوق پستی ۱۱۰۷۵/۱۳۸

Email: info@refah.ac.ir
Website: www.refah.ac.ir

دوفصلنامه علمی مطالعات فقه و حقوق رسانه

شماره یکم/ سال اول / بهار و تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: دانشکده رفاه

مدیر مسئول: دکتر ناصر باهنر

سر دبیر: دکتر زهرا طاهری پور

هیئت تحریریه (به ترتیب رتبه علمی و حروف الفبا)

دکتر زهرا لامع / استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده غیرانتفاعی رفاه

دکتر فاطمه سادات حسینی ابراهیم آبادی / استادیار گروه حقوق دانشکده غیرانتفاعی رفاه

دکتر مهزاد صفاری نیا / استادیار گروه حقوق دانشکده غیرانتفاعی رفاه

دکتر زهرا طاهری پور / استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده غیرانتفاعی رفاه

دکتر میثم فرخی / استادیار گروه ارتباطات و مطالعات فرهنگی دانشکده غیرانتفاعی رفاه

دکتر عطیه مقدم فر / استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده غیرانتفاعی رفاه

منتخب هیئت داوران (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر مریم احمدی نژاد

دکتر باقر انصاری

دکتر فاطمه سادات حسینی ابراهیم آبادی

دکتر مریم رضایی

دکتر مهزاد صفاری نیا

دکتر زهرا طاهری پور

دکتر ماهرو غدیری

دکتر هدی غفاری

دکتر زهرا لامع

دکتر مریم مهاجری

مدیر اجرایی: دکتر فاطمه سادات حسینی ابراهیم آبادی

ویراستار ادبی: رضا دبیا

چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

مسئولیت صحت و سقم مطالب بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

دوفصلنامه حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد.

دریافت نسخ چاپی منوط به پرداخت وجه از سوی نویسندگان می‌باشد.

Email: jjlms@refah.ac.ir

Website: www.journal.ac.ir

راهنمای نگارش مقالات

- ۱- مقالات در بردارنده پژوهش‌های مسئله‌محور، مقایسه‌ای و میان‌رشته‌ای در زمینه فقه و حقوق رسانه و در پاسخ‌گویی به شبهات، چالش‌ها و نیازهای موجود در این گستره باشد.
- ۲- مطالب به صورت ابتکاری، مستدل، به روز و با استفاده از منابع اصیل و معتبر و با رعایت اصول نگارشی تألیف گردد.
- ۳- زبان نشریه فارسی است و نقل‌قول‌های داخل متن باید به زبان فارسی بیاید؛ مگر آن‌که صورت یک عبارت در زبان دیگر موضوعیت داشته باشد.
- ۴- چکیده‌های فارسی و انگلیسی ۲۵۰ تا ۳۰۰ واژه شامل بیان مسأله و مهم‌ترین یافته‌های پژوهش و همراه با واژگان کلیدی (حداکثر ۷ واژه) حداکثر در یک صفحه A4 باشد.
- ۵- عناوین اصلی و فرعی مقاله مرتبط با موضوع و دارای ارتباط منطقی با یکدیگر باشد.
- ۶- ارجاعات مقاله پس از نقل قول یا مطلب استفاده شده، درون متن و داخل پرانتز به صورت زیر بیاید:

(نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، شماره جلد، صفحه)
- ۷- توضیحات تکمیلی در صورت لزوم در پاورقی بیاید.
- ۸- فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب زیر تنظیم گردد:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده، **عنوان کتاب**، سال نشر، مترجم، محل نشر، ناشر، نوبت چاپ
مقاله مندرج در مجلات، **مجموعه مقالات و دایره‌المعارف‌ها**: نام خانوادگی، نام نویسنده، **«عنوان مقاله»**، سال نشر، نام نشریه، صاحب امتیاز، شماره چاپ
- ۹- ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و واژگان کلیدی همراه مقاله ارسال شود (در صورت عدم ارسال هزینه ترجمه دریافت خواهد شد).
- ۱۰- حجم مقاله با احتساب تمامی بخش‌های آن حداقل ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای باشد و در محیط WORD 2010، با قلم ۱۲ BYAGUT حروف‌چینی گردد (اطلاعات تکمیلی در سامانه نشریه، راهنمای نویسندگان قابل دسترسی است).
- ۱۱- ارسال آخرین مدرک تحصیلی، خلاصه‌ای از سوابق علمی، پژوهشی، حکم استخدامی، نشانی و شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان مقاله نیز الزامی است.
- ۱۲- مقاله ارسالی نباید همزمان به نشریات دیگر فرستاده شده باشد.
- ۱۳- مقالات دانشجویان دوره دکتری با همراهی استاد دارای رتبه علمی درج خواهد شد.
- ۱۴- ترتیب نام نویسندگان مقاله به ترتیب رتبه علمی در مقالات پذیرفته شده درج خواهد شد.

فهرست

- ❖ تحلیل فیلم سینمایی خانه پدری و تعارض‌های فرهنگی آن در آیین حقوق خانواده.....۷
میلاذ جعفری جوزانی / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان
مینا رحیمی / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان
- ❖ تحلیل مضمون حقوق زوجین در استفاده از فضای مجازی.....۲۱
فاطمه گرجی / کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق - حقوق خانواده دانشگاه ارومیه
صفیه گرجی
- ❖ اعتبار اسناد الکترونیک به‌عنوان ادله اثبات دعوا در دعاوی زوجین.....۵۱
زهرا رحیمی / کارشناس ارشد رشته حقوق خانواده
زهرا طاهری‌پور / استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده رفاه
- ❖ مسئولیت‌های حقوقی در جرم‌زایی جرایم جنسی کودکان در فضای مجازی در نظام حقوقی
ایران.....۷۵
محمدهادی رحیمی / کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه مفید قم
- ❖ حقوق زنان و رسانه.....۹۵
علیرضا عزیزی / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
- ❖ جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در حقوق کیفری ایران.....۱۰۷
علی اصغر میرعربی / دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان
- ❖ ترجمه چکیده مقالات به زبان انگلیسی.....۷

تحلیل فیلم سینمایی خانه پدری و تعارض‌های فرهنگی آن در آیین حقوق خانواده

میلاذ جعفری جوزانی^۱

مینا رحیمی^۲

چکیده

این مقاله با توجه به مضمون فیلم سینمایی خانه پدری با تمرکز به بررسی تعارض‌های فرهنگی نشئت‌گرفته از آداب و رسوم قومی و قبیله‌ای بر فرهنگی که، عنصر اصلی آن پنهان‌کاری را پرورش و با خشونت، خود را قاضی و مجری این دیدگاه معرفی می‌نماید را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی روش‌ها و نحوه مطالعه فرهنگ‌های مختلف در مواجهه با رفتارهای مجرمانه و خشن که توسط اعضای خانواده در قتل‌های ناموسی در بستر جامعه و پرده سینما ارتکاب می‌یابد و موجب جریحه‌دار شدن احساسات و وجدان عمومی می‌شود، با تعریف، نقش و اهمیت این رفتار مجرمانه و ارائه راهکارهای فرهنگی و روان‌شناسی جنایی در راستای امنیت روانی و نظم جامعه موضوع را بررسی نموده‌ایم.

واژگان کلیدی

خانه پدری، تعارض‌های فرهنگی، قتل ناموسی، حقوق خانواده، نظم اجتماعی.

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، وکیل دادگستری، همدان، ایران
Milad.jozani@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه بوعلی‌سینا/ وکیل دادگستری، همدان، ایران

مقدمه

بررسی فیلم سینمایی خانه پدری و تعارض‌های فرهنگی آن در آیین حقوق خانواده با هدف علت‌یابی پدیده مجرمانه قتل ناموسی با ترسیم مختصات، تعاریف و دلایل آن و ارائه راهکاری برای کاهش و حذف این رفتار مجرمانه با طرح سؤال‌هایی مبنی بر اینکه دلیل و اشاعه خشونت در حجمی خشن و بی‌رحمانه نسبت به ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی و حد اعلی این‌گونه جرایم که همانا ازهاق النفس می‌باشد در قلمرو خانواده چیست و آیا الگوهای رفتاری و فرهنگی بدون ضمانت اجرا (کنشی) و قانون‌های لازم الاجرا (واکنشی) در تحقق یا تنزل میزان ارتکاب این پدیده مجرمانه سهمی دارند یا خیر و با استفاده از حذف یا تعدیل دلایل آن در جهت ارائه مدلی مناسب برای مقابله با این پدیده مجرمانه، اقدام‌هایی انجام داد. در هنر هفتم ایران در فیلم‌های سینمایی مختلفی به موضوع قتل ناموسی یا به اشکال تصویری به ترسیم این‌گونه رفتار حتی به صورت قتل‌های ناموسی نافرجام مختلف پرداخته است که می‌توان از این جمله آثار به فیلم‌های مشابه عروس آتش، زندگی با چشمان بسته، شنای پروانه، مغزهای کوچک زنگ‌زده، اعتراض و... اشاره نمود. فیلم خانه پدری، فیلمی به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی کیانوش عیاری، محصول سال ۱۳۸۹ که موضوع این پژوهش است به دلیل وجود یک صحنه خشن با مشکلاتی در اکران روبرو و در روز اول اکران عمومی از پرده پایین کشیده شد. قتل‌های ناموسی از زمره قتل‌های سنتی از دیرباز در جوامع و دوره‌های مختلف در نگاه جرم‌شناسان مورد توجه بوده است. در سیاست تقنینی ایران نیز موادی از قانون مجازات ۱۳۰۴ با عنوان قتل در فراش و یا ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسبت به همسر و در ماده ۳۰۱ قتل فرزند توسط پدر و در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نسبت به اطرافیان اعم از برادر یا فرد ثالثی نیز گسترش یافته است.

۱- گفتار اول

در این گفتار به تعاریف و تمایز الفاظ مورد تلفظ برای روشن شدن هرچه بیشتر در جهت قابل ادراک کردن نتیجه پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱- مبحث اول گفتار نخست: تعاریف

جنایت ایراد هرگونه صدمه دارای کیفر شرعی (مانند قصاص، دیات، ارش یا کفاره) به تمامیت جسمی انسانی یا حیوانی تعریف شده است. البته واژه جنایت در لغت لسان‌العرب و مجمع‌البحرین واژه جنی و نیز متون دینی معادل واژه ذنب و معصیت یعنی ارتکاب گناه آمده است.

در کلمات فقها جنایت به معنای ارتکاب حرام در حال احرام حج یا کارهای ممنوع در محدوده حرم جراحت و یا شکستگی و مانند اینها است؛ اما معنای خاص فقهی آن وارد کردن صدمه بدنی به دیگری است؛ اعم از کشتن ایراد به کار رفته است.

گستره جنایت بر حیوان و حتی جنایت توسط حیوان را دربرمی‌گیرد؛ البته برخی قدما آن را در مفهومی فراتر از صدمه زدن به تمامیت جسمی انسان و حیوان به کار برده و بر خساراتی که حیوانات به اموال دیگران وارد می‌کنند نیز عنوان جنایت اطلاق می‌شود.

برخی قدما ارتکاب گناهان موجب حد را نیز از موارد جنایات برشمردند و عده‌ای دیگر گستره جنایت را به نوشیدنی‌های حرام و ارتکاب کارهای خلاف عفت مانند زنا و جنایت بر دیگری تعمیم داده‌اند؛ جنایت بر دیگری را اعم از جنایت بر نفس و مال و عرض دانسته و جنایت بر نفس را به جنایت بر انسان و حیوان؛ به کشتن و وارد کردن آسیب بدنی و جنایت بر مال را به دزدی و آنچه در حکم دزدی است؛ مانند نبش قبر و برداشتن کفن، و جنایت به عرض را، قذف و گفتن سخنان آزاردهنده تقسیم کرده‌اند؛ اما معروف و مشهور در معنای جنایت همان ایراد صدمه به تمامیت جسمی انسان یا حیوان است و برای اتلاف مال و وارد کردن زیان‌های مالی بیشتر از واژگانی چون غصب «سرقت» و «تلاف» استفاده شده است. موضوع سخن در این گفتار همین معنا از جنایت است که در باب قصاص و دیات مطرح شده است. البته در برخی از منابع فقهی عنوان «کتاب جنایات»

جایگزین عنوان کتاب دیات و قصاص شده است؛ اما بعضی دیگر در کتاب جنایات قصاص و دیات در دو بخش جداگانه مطرح شده است و تعدادی نیز قصاص را ذیل عنوان جنایات و دیات را به عنوان مستقل تحت عنوان «کتاب دیات» بررسی نموده اند.

انواع جنایات جنایت به لحاظ ماهیت به قتل و ضرب و جرح به لحاظ متعلق به جنایت بر انسان و حیوان و به لحاظ داشتن و نداشتن قصد آسیب‌رسانی به عمد شبه عمد و خطایی تقسیم می‌گردد. جنایت عمدی عبارت است از جنایت شخص عاقل بالغی که قصد انجام دادن فعل و نیز آسیبی را که به سبب آن ایجاد شده، داشته باشد. جنایت شبه‌عمد عبارت است از جنایت شخص عاقل بالغی که قصد ارتکاب فعل منجر به آسیب را داشته، اما قصد آسیب زدن را نداشته باشد. جنایت خطایی نیز عبارت است از جنایت شخص عاقل بالغی که قصد ارتکاب فعل و نیز آسیب ایجادشده توسط آن را نداشته باشد یا جنایت توسط نابالغ یا دیوانه صورت گرفته باشد. ماده ۲۸۹ که جنایت بر نفس را مترادف قتل و جنایت بر عضو را در ماده ۳۸۷ هرآسیب کمتر از قتل تلفظ کرده است.

جنایت عمدی بر انسان موجب ثبوت قصاص است و دیه بنا بر قول مشهور جز در صورت مصالح توافق جانی با آسیب‌دیده یا با اولیای مقتول ثابت نمی‌شود. جنایت شبه‌عمد بر انسان موجب ثبوت دیه در مال جانی و جنایت خطایی محض بر انسان موجب ثبوت دیه بر عاقله است.

۱-۱-۱- تعریف جنایت در قانون

قانون مجازات اسلامی ایران تعریف مستقلی از واژه جنایت ارائه نداده و در مواد متعددی که از این واژه رفتار ارتكابی نگاه مقنن به خود معطوف داشته و به عبارت روشن‌تر جنایت مترادف نتیجه به که نامبرده شده، معانی متفاوتی قابل استنتاج است. در برخی مواد منظور از جنایت آسیب حاصله بوده و جدای از رفتار ارتكابی نگاه مقنن به خود معطوف داشته و به عبارت روشن‌تر جنایت مترادف نتیجه به‌کار برده شده است.

۱-۱-۲- جنایت به معنای نتیجه

ماده ۲۹۰ ق.م. جنایت در مواد زیر عمدی محسوب می‌شود: الف. هرگاه مرتکب با انجام

کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین داشته باشد. ب. هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام می‌دهد که نوع آن جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد. ماده ۲۹۱ جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود: الف. هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته باشد لیکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد. ماده ۲۹۲ جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود. ب. جنابیتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را... همچنین ماده ۲۸۷ ق.م. با وضوح بیشتری بر مترادف بودن آسیب با جنایت تأکید دارد. جنایت بر عضو عبارت است از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارده بر منافع است. ماده ۵۲۵ این قانون نیز بر همین اساس تدوین شده است. هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد، ضامن جنایتهایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند (جعفری جوزانی، ۱۴۰۰، ص ۶۷).

۳-۱-۱- جنایت به معنای رفتار

در بعضی مواد دیگر جنایت در معنای رفتار منتهی به آسیب قابل تفسیر است؛ به‌عنوان مثال، ماده ۱۷ ف ما مقرر می‌دارد قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس اعضاء و منافع است. واژه جنایت در ماده ۲۸۹ نیز مفید همین معناست (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۷) که به این موضوع اشاره دارد که جنایت بر نفس و عضو منفعت بر سه قسم عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض است.

در مجموع به نظر می‌رسد منظور مقنن از جنایت، صدماتی است که در اثر رفتار یک انسان به دیگری اعم از انسان زنده، جنین یا مرده وارد می‌شود.

واژه «قتل» نیز در لغت به معنی ازاله روح از بدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۵) و از بین رفتن زندگی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۹۳).

قتل یا جنایات موجب قصاص را از هاق‌الانفس و پایان دادن به حیات انسان زنده دیگری غیر از خود که محقون‌الدم باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، صص ۶۵-۶۶). تعریف و جنایات نسبت به مردگان، اشیا و حیوانات، خودکشی توسط خود و مهدورالدم از این تعریف استثناء می‌شود. ناموس نیز در فرهنگ عمید (اسم) (معرّب، مأخوذ از یونانی) جمع:

نوامیس. عصمت و عفت؛ خواهر یا مادر یا همسر مرد که وظیفه حفظ حرمت آن‌ها بر عهده اوست تلفظ لفظ شده است. عنصر اساسی در تعریف نهان قتل‌های ناموسی واژه خشنونت است که در واقع به شکل افراطی تهاجم ترسیم می‌شود (هاشم‌بیگی و نجفی /برندآبادی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۰) و می‌توان قتل ناموسی را رفتارهای خشنونت‌آمیزی که غالباً کشنده که مردان خانواده علیه زنان خانواده به دلیل مخدوش نمودن دایره عفت و عبور از خط قرمزهای عصمت که با قتل دختر و پسر توسط اعضای خانواده، فامیل یا جامعه اطلاق می‌شود که اعمال و رفتارهای آنها بر حسب عرف و هنجار جامعه غیراخلاقی تلقی شده و تهدیدی بر آبرو و شرف تلقی نمود. البته این‌گونه رفتار مجرمانه لزوماً به صورت مستقیم و مباشرتاً صورت نمی‌گیرد و گاه با فراهم آوردن وضعیتی غیرقابل تحمل و به تسبیب و غیرمستقیم ارتکاب می‌یابد که اجبار به خودکشی مصداق بارز این رفتار می‌باشد. البته بزهکاران قتل‌های ناموسی با قتل‌های احساسی و بزهکاران آن که افرادی بدون تفکر و فاقد سبق تصمیم و آمادگی قبلی و آشکارا مرتکب جرم می‌شوند متمایز هستند، زیرا که بزهکاران قتل‌های ناموسی غالباً با سوءنیت و برنامه‌ریزی قبلی می‌باشند. باتوجه به جایگاه انکارناپذیر ناموس به‌خصوص در میان طوایف، این امر عمدتاً به دستاویزی برای اعمال خشنونت علیه زنان به‌کار برده می‌شود.

مرکز توجه حقوق، انسان و اطراف اوست. سینما هم برآمده انسان و درباره انسان و اطراف اوست. فیلم‌های حقوقی نشان می‌دهند که مفاهیم و پدیده‌های حقوقی در بستر تاریخ و اجتماع، حضوری لازم و جاودانی دارند و از خصوصیات ذاتی و طبیعی زندگی بشری هستند. تنوع فیلم‌های حقوقی بر ما می‌نمایاند که دشواری‌های زندگی انسانی و تشکل‌های بشری، بی‌پایان است و از چنبره اختلاف‌نظرها و تناقض‌گویی‌ها خلاصی نمی‌توان یافت. این فیلم‌ها آمیختگی دادرسی‌ها را با سیاست، قدرت، ثروت، شهرت و شهوت، به‌خوبی نشان می‌دهند و نظر بیننده را نسبت به کارکرد عینی و عملی حقوق و قانون، دقت و وسعت می‌بخشند (ماچورا و رابسون، ۱۳۸۶، ص. ۵). خانواده نظام ارتباطی منحصر به فردی است که با روابط دوستی و کاری متفاوت است. ورود به چنین نظام ارتباطی سازمان‌یافته‌ای، صرفاً از طریق تولد یا ازدواج صورت می‌گیرد. ارزش اصلی

خانواده، حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۲: ص. ۱۰). ارتباطات در میان اعضای خانواده همواره به عنوان جنبه‌ای از روابط اصلی بین فردی برای تحقق بخشیدن به پویایی روابط خانوادگی در نظر گرفته می‌شود به طوری که می‌توان گفت: ارتباط مؤثر سنگ زیربنای خانواده کارآمد است (اسدی، ۱۳۸۸: ۳۷).

۲- گفتار دوم

در این گفتار به بررسی فیلم سینمایی خانه پدری و با علت‌شناسی پدیده مجرمانه و دلایل مختلف آن با نگاه تطبیقی به واکاوی موضوع می‌پردازیم.

۲-۱- مبحث نخست: فیلم خانه پدری

کیانوش عیاری یکی از معدود کارگردانان ایرانی است که علت‌شناسی پدیده و رفتار اعم از فعل یا ترک فعل را در بستر بومی سرلوحه هنر خود قرار داده است. سینما را جایی برای گفتن حرف‌هایی که تنها قشری که زبان اختصاصی با او دارند انتخاب نکرده و از اشتراک درک و دردهایش از جامعه با عموم مردم سخن به میان آورده است.

عیاری به عنوان کارگردانی که دغدغه اجتماعی دارد و همواره روایتی متفاوت با هنجارها ارائه می‌دهد به سراغ مسئله حقوق زنان رفته است. با سبک واقع‌گرایانه‌ای که انتخاب نموده به موسیقی اندکی که بی‌نظر است بسان حس انتقام می‌نگرد که شاید در لحظه‌ای منتقم را ارضا کند، ولی خیلی زود و اندازه عمر موسیقی فیلم از تصمیم خود پشیمان می‌شود.

در این فیلم با روایتی فرسایشی و تلخ از دوران قاجار تا معاصر به قتل دختر یک خانواده توسط برادر و پدرش پرده برداشته می‌شود که به عنوان قتل فامیلی یا خانوادگی، خواهری که احتمال ارتکاب یک اشتباه شده؛ اما اجتماع او، اشتباه او را نمی‌پذیرد، می‌توان تعبیر نمود خانه پدری که استعاره‌ای از جغرافیا و تاریخ سرزمین ایران می‌باشد که در کنار زیبایی‌های تصویری موجود در فیلم، به ترسیم تنها قربانیان این‌گونه جرایم که همانا زنان سرزمین خود که در صورت احتمال و نه حتی خود خطا،

جایگاهی در خانه پدری برایشان متصور نیست و آن خانه تبدیل به زندان و نقش قاضی و مجری حکم را یک فرد با تصمیماتش امضا و با رفتارش بازی می‌کند.

هرچند همان‌طور که اشاره شد قربانیان قتل‌های ناموسی زنان هستند؛ ولی در خانه پدری، کارگردان جان دختر را در ترازویی و حس بی‌آبرویی مردان خانه را در کفه دیگر تراز و هم‌سنگ هم قرار داده و گویی باهم قربانی فرهنگ مخفی‌گرا و آبروپرست می‌شوند. این اثر سینمایی به دلیل بکربودن موضوع و توقف اکران و سانسورهای متعدد که خود گویای دغدگمنندی صاحب اثر می‌باشد، شایسته تحلیل و بررسی است.

خانه پدری درباره فرهنگ مردسالاری و تضییع حقوق زنان که مبتنی بر واقع‌گرایی برگرفته از حوادث روزنامه‌ها و اتفاقات جامعه مردسالار ایران را با گریز به سال ۱۳۰۸ به تصویر می‌کشد. در اواخر دوره قاجار، پدری سنتی با همدستی پسرش اقدام به قتل دخترش که صرفاً مورد شک خانواده و فامیل قرار گرفته می‌کند و او را در زیرزمین خانه خاک می‌کند. ملوک، دختر جوانی است که به دلایل ناموسی، پدرش خواهان مرگ او است و برای اینکار به پسر کوچکش به نام محتشم گفته تا قبری در زیرزمین حفر کند تا ملوک را کشته و در آنجا دفن کنند.

در اینجا دیگر بی‌گناهی یا مجرم بودن دختر ملاک نیست، بلکه تعصب کورکورانه محکوم است که نمی‌تواند راه‌حلی برای چنین چالشی بیابد و با دستمایه قرار دادن غیرت و آبرو راه‌حلی جز کشتن و پاک کردن صورت مسئله نمی‌یابد.

زن‌ها همه مدعی خون دختر، اما مردان با تلفظ لفظ غیرت مانع اساسی اثبات ادعای زنان می‌شوند، ولی با تغییر زن سنتی نسبت به زن مدرن که زنان فرش‌بافت با کمک فناوری به دکترهای آینده تغییر سبک داده‌اند و مردان داستان با ساکن بودن و زنان اثر با حاکم شدن بر این بدعت که در نهایت موازنه قدرت در این خانواده به یک تعادل می‌رسد، حرکت و این عادت را به بدعت مبدل می‌کنند.

در پایان هم قاتل نه در دادسرا و دادگاه، بلکه با قرار گرفتن در محکمه واقعی وجدان خود در خلوت به محاکمه خود می‌پردازد و خود را مستحق قصاص می‌داند و دچار سگته مغزی می‌شود، مرگی در درون تاریخ و عادلانه هر چند که می‌توان واقعیت را زیرخاک

کرد و درب آن را با توحش تمام بست، ولی ندای عدالت و عذاب وجدان را در کفه‌ای از ترازو سنگین‌تر از پنهان‌کاری و فرار از حقیقت در خلوت خود و گذشت زمان دید.

۲-۲- مبحث دوم: تعارض فرهنگی

پیشرفت در فناوری یا به اصطلاح مدرنیته بودن سبب گذار از جهل و تعصب به درک و تعامل در موضوع نمی‌شود که بتواند راهگشایی برای تغییر سبک زندگی شود، چراکه تغییرات بنیادی نیاز به تعریف صحیح از موضوع و نهادینه‌سازی آن فرهنگ دارد. هر فرهنگی دارای هنجارهایی است که با همدیگر انسجام و یکپارچگی دارند و نیز دارای ارزش‌هایی است که یکسری قواعد و مقررات منع‌کننده دارد. ارزش‌هایی که به برخی رفتارها و عملکردها ارزش می‌دهند؛ به‌طورمثال، در ابتدای فیلم سینمایی اعتراض در تقدیس بزهکار قتل ناموسی یکی از همفکرانش در زندان به ستایش وی می‌پردازد و او را مردی که برای شرف و ناموسش ۱۰ سال حبس‌کشیده، قدیس می‌داند و گاهی نیز دیگران این نوع رفتار را نکوهش می‌کنند که در فیلم اعتراض برادر مجرم با نگاهی متفاوت به موضوع، تصمیم برادر خود را ابلیسانه و از روی خشم و با گفتارش به تنبیه و تنبه او با توجه به نگاهش به زندگی دعوت می‌کند. فرهنگ، رفتار و گرایش اشخاص را جهت‌دهی کرده و به شخصیت افراد شکل می‌دهد. گاهی اوقات فرهنگ با مجاز شمردن و یا بدتر از آن دستور دادن به ارتکاب عملکردهای خشنونت‌آمیزی که توسط قوانین داخلی کشور منع شده است، یک گروه خاص را ترغیب می‌کند و تعارض فرهنگ‌ها که همان تضاد موجود قوانین یک کشور و هنجارهای خاص یک گروه است ایجاد می‌شود و هنگامی که تعارض فرهنگ‌ها شکل بگیرد اطاعت از هنجارهای خرده‌فرهنگی می‌توانند به‌عنوان عملکرد مجرمانه خود را نشان دهد (کسن، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

نمونه مقایسه این‌گونه خرده‌فرهنگ‌ها را در عقاید مردسالارانه صرف یا آداب و رسوم قبیله‌ای عشیره که در حتی آیین دادرسی و حل‌وفصل منازعات را با قانون و نگاه خود فصل و مختومه می‌کنند، ولی خطرناکترین حالت این است طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ماده ۳۸۱، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و سایر شرایط

قصاص و... ولی طبق نظر بزرگان یا صاحب‌نظران در خرده‌فرهنگ به دلیل اینکه خود را مستقل می‌دانند، قتل ناموسی را با کلمات تحریک‌آمیز، به‌طورمثال با تلفظ لفظ بی‌غیرت یا در ستایش این‌گونه رفتار که فاعلین این‌گونه پدیده‌های مجرمانه را قهرمان یا انجام تکلیف مثل رسم اجرای قتل ناموسی که در میان قبایل خوزستانی به نهوه کردن که نخست برادران، عموزاده‌ها، عموها و پدر و سپس سایر افراد ذکور خانواده در اولویت قرار دارند و چنانچه شخص انتخاب‌شده از انجام این عمل سرباز زند، از طایفه طرد خواهد شد.

۳-۲- مبحث سوم: نگاه تطبیقی

اخلاق عمومی موضوع فصل هجدهم قانون تعزیرات می‌باشند، لیکن هرگاه جرایم به عنف و اکراه ارتکاب یابند، هم جرمی علیه عفت و اخلاق عمومی محسوب می‌شوند و هم با عنایت به بی‌توجهی مرتکب نسبت به اختیار قربانی در مورد جسم و تن خود و با توجه به آثار سوء جسمانی، روانی و حیثیتی که این جرایم می‌تواند برای قربانی به دنبال داشته باشد، جرم علیه اشخاص نیز تلقی می‌گردند.

تجاوز و تهاجم جنسی در برخی از کشورها جزء جرایم کثیرالوقوع با مجازات‌های نسبتاً سنگین می‌باشد؛ برای مثال طبق آمار موجود در انگلستان و ولز، همه‌ساله پانصد هزار زن قربانی تهاجم جنسی می‌شوند. تفاوت عمده بین فقه اسلامی و حقوق کشورهای غربی در مورد جرایم جنسی آن است که در نظام‌های حقوقی مغرب زمین، اعمال جنسی جز در موارد خاصی مثل زنا با محارم یا وطی بهائم یا در اختیار داشتن عکس‌های مستهجن کودکان تنها در صورت به عنف و اکراه بودن جرم است و مشمول مجازات می‌شود. لیکن منظور از عنف و اکراه در اینجا تنها خشونت‌آمیز بودن عمل نیست، بلکه در موارد مختلفی طرف مقابل از نظر قانون ناراضی محسوب و در نتیجه ارتکاب عمل جنسی با وی جرم می‌باشد؛ برای مثال از نظر حقوق، انگلستان بنا به یک فرض قانونی غیرقابل رد، کودکان کمتر از شانزده سال را هیچ‌گاه نمی‌توان راضی به ارتکاب عمل جنسی با افراد بالای هجده سال دانست و کودکان کمتر از سیزده سال به ارتکاب عمل

جنسی با هیچ کس راضی فرض نمی‌شوند و بنابراین رضایت ظاهری آنها فاقد ارزش می‌باشد. همین‌طور ارتکاب عمل جنسی؛ مثلاً تجاوز علیه شخص خواب مست بیهوش عقباتاده ذهنی یا تحت بازداشت در حکم ارتکاب به عنف و اکراه است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. تحصیل رضایت با خدعه و فریب نیز در حکم عدم رضایت است؛ مثل موردی که کسی به زنی وانمود کرده بود که منظور وی از رابطه جنسی انجام یک معاینه پزشکی بر روی زن است یا پرونده دیگری که در آن مردی با فریب دادن سه زن، نسبت به اینکه دارای تحصیلات پزشکی است و قصد انجام تحقیقاتی را در مورد سرطان سینه دارد به معاینه سینه‌های آنها پرداخته بود و از سوی محاکم انگلستان علی‌رغم رضایت ظاهری زنان و با توجه به فریب خوردن آنها، به ارتکاب جرم تهاجم و قیحانه و منافی عفت محکوم شد یا مثل وقتی که مردی به زنی وانمود می‌کند که شوهر یا دوست پسر اوست، و بدین‌شکل، رضایت وی را به برقراری رابطه جنسی جلب می‌نماید. در مورد اخیر، علامه حلی نیز در تبصره المتعلمین آورده است: «اگر زن بیگانه خود را در آغوش مردی افکند و چنان به او وانماید که زن اوست حد زنا بر زن جاری می‌شود نه بر مرد. لیکن، صرف اینکه مرد خود را مجرد یا مبری از بیماری‌های مقاربتی و ایدز جا زده و بدین‌وسیله رضایت زن را به برقراری رابطه جنسی جلب کند، یا با دادن وعده‌ای؛ مثلاً دادن پول یا شغل یا ازدواج کردن زن را راضی کرده، ولی بعد به وعده خود عمل نکند، موجب نخواهد شد که عمل ارتكابی از نظر حقوق انگلستان تجاوز جنسی محسوب شود. محاکم هندوستان نیز صرف برقراری رابطه با وعده دروغ ازدواج را موجب تجاوز محسوب شدن عمل نزدیکی جنسی ندانسته‌اند. به‌علاوه، تا سال ۱۹۸۴ در حقوق انگلستان رضایت اولیه زن به دخول کفایت می‌کرد. لیکن در این سال در پرونده کایتامای مقرر شد که آمیزش جنسی یک عمل مستمر است و هرگاه زن در هر لحظه از آن عدم رضایت خود را ابراز کند، ادامه رابطه از سوی مرد می‌تواند تجاوز جنسی محسوب شود. این موضع در «قانون جرایم جنسی، مصوب سال ۲۰۰۳ به‌صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است. نکته قابل توجه دیگر در حقوق انگلستان این است که از سال ۱۹۹۲، پیرو تصمیم اتخاذ نیست.

رابطه جنسی شوهر با وی در هر شرایطی اعلام کرده است دیگر فرض مقبولی جرم تجاوز جنسی در حقوق انگلستان تنها ازسوی مرد علیه مرد یا زن دیگر قابل ارتکاب است و برای تحقق آن باید آلت تناسلی مرد وارد قبل یا دیر زن یا دیر مرد دیگر شود. تحولات بعدی وارد کردن آلت تناسلی به دهان دیگری را نیز تحت شمول همین تعریف قرار داده‌اند. نکته جالب در مقایسه با فقه اسلامی این است که همان‌طور که فقها ادخال آلت تناسلی اصلی را شرط تحقق زنا دانسته و داخل کردن آلت تناسلی غیراصلی فرد خنثی را موجب تحقق زنا ندانسته‌اند، در حقوق انگلستان نیز بنا به تصریح قانون منظور از «مرد» که می‌تواند مرتکب جرم تجاوز جنسی شود، کسی است که به شکل جنس مذکر متولد شده است و شامل افراد دو جنسیتی، که با عمل جراحی تغییر وضعیت داده‌اند نمی‌شود. به‌علاوه، از سال ۱۹۹۳، این فرض قانونی که پسر بچه‌های زیر چهارده سال نمی‌توانند مرتکب تجاوز جنسی شوند به‌موجب قانون لغو شده است.

داخل کردن سایر اعضای بدن یا اشیای دیگر به قبل یا دبر دیگری موجب تحقق جرم تهاجم به‌وسیله دخول در حقوق انگلستان می‌شود. علی‌رغم اینکه مجازات این جرم نیز مثل جرم تجاوز جنسی حداکثر حبس دائم است، دادگاه‌ها معمولاً این جرم را سبکتر از تجاوز جنسی می‌دانند و مجازات کمتری را برای آن تعیین می‌کنند. جرم سبکتری نیز تحت عنوان «تهاجم جنسی» وجود دارد که شامل بسیاری از اعمال منافی عفت علیه دیگران؛ مثلاً لمس کردن اعضای بدن دیگری می‌شود و حداکثر مجازات آن ده سال حبس است. سایر جرایم منافی عفت مشتمل بر نقض حریم خصوصی دیگران هم قابل مجازات می‌باشد. تحقق عنصر روانی جرایم جنسی در حقوق انگلستان منوط به آن است که مرتکب به‌طور معقولی اعتقاد به اینکه طرف مقابل از عمل جنسی راضی است، نداشته باشد. عنف و اکراه و عدم رضایت می‌تواند دامنه گسترده‌ای داشته باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص. ۵۷۳ و ۵۷۵). امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید عنف همان عدم رضایت است، یعنی عنف همان کراهت است. کراهت یعنی اینکه مجنی علیه میلی نداشته باشد. باتوجه به نظریه‌های فوق و دیدگاه‌های مختلف به بررسی تطبیقی موضوع پرداختیم.

نتیجه‌گیری

کیانوش عیاری با ظرافت و هوشمندی مضامین جهان‌شمولی چون تعصبات، پنهان کاری، عواقب اعمال انسان در زندگی، سرکوب‌های جامعه و... را در فیلم خود مطرح می‌کند. در تحلیل علل وقوع قتل‌های ناموسی، علل فرهنگی و اجتماعی متعددی دخالت دارند که مهمترین آنها باتوجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی، حاکمیت مردسالاری و بزرگسالاری در خانواده، فقر شدید فرهنگی، تعصب شدید و بی‌جا به آیین‌های قومی و تبعیض بین زنان و مردان و وجود آیین‌های فرهنگی برای ازدواج اجباری از جمله، خون‌بس و ناف بریدن و اعتقاد غیرقابل انکار به این آیین‌ها حتی از سوی ذکور تحصیل‌کرده خانواده‌ها و طوایف می‌باشند. وجود مراکزی برای ملجاء بزه‌دیدگان آینده این نوع جرایم برای حفظ جان و روان‌شناسی شخصیت این افراد در مقابل آسیب‌های ناشی از رفتارهای نابه‌هنجار واقع‌شده، ارتباط این نوع مراکز با آموزش و پرورش با ارائه مدلی مناسب جهت الگوسازی افراد کمتر در معرض خطر و همکاری با قوه قضائیه برای ارائه تعریفی مناسب و نقادانه در جهت مقابله با مجموعه رفتارهایی که موجب بروز خشونت‌هایی که ریشه در تعصبات و بدعت قتل‌های ناموسی دارد. نمایش علل این‌گونه رفتار در رسانه‌های تصویری و در معرض قضاوت قرار دادن افراد جامعه برای مقابله با قتل‌های خانوادگی، از مواردی است که برای مبارزه با خشونت‌های خانوادگی می‌توان پیشنهاد داد.

منابع

- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۴)، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان.
- اسدی، مسعود (۱۳۸۸)، *بررسی تأثیر گروه‌درمانی کوتاه‌مدت ستیر بر الگوهای ارتباطی زوج‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- جعفری جوزانی، میلاد (۱۴۰۰)، *جنایات اکراهی در نظام فقهی - تقنینی ایران*، همدان: روزاندیش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.
- کسن، موریس (۱۳۹۴)، *اصول جرم‌شناسی*؛ ترجمه میرروح‌الله صدیق، تهران: دادگستر.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۹۲)، *خانواده‌درمانی*؛ ترجمه حمیدرضا حسن‌شاهی براواتی، سیامک نقشبند و الهام ارجمند. تهران: نشر روان.
- ماچورا، استفان و رابسون، پیتر (۱۳۸۶)، *حقوق و سینما*؛ ترجمه عباس ایمانی. تهران: نامه هستی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، *جنایات علیه اشخاص*، تهران: میزان.
- هاشم‌بیگی، حمید و نجفی ابرندآبادی، حسین (۱۳۹۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: گنج دانش.

تحلیل مضمون حقوق زوجین در استفاده از فضای مجازی

فاطمه گرجی^۱

صفیه گرجی^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف تحلیل مضمون حقوق زوجین در استفاده از فضای مجازی به نگارش درآمده است. این پژوهش با توجه به هدف، کاربردی و کیفی بوده و از روش‌های داده‌بنیاد و تحلیل مضمون در آن استفاده شده است. بدین‌منظور با ۱۷ نفر از خبرگان حوزه فقه، حقوق، خانواده و کارشناسان ارتباطات رسانه به روش نمونه‌گیری نظری هدفمند با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مصاحبه انجام شد. گردآوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای ۲۰۱۸ تحلیل و نتایج حاصل از تحلیل مضمون به شناسایی این موارد منجر شد: الف. حقوق زوج در استفاده از فضای مجازی شامل ۳ مقوله از قبیل: نفقه، تأمین امنیت خانواده و گسترش خانواده؛ ب. حقوق زوج بر زوجه در استفاده از فضای مجازی شامل ۵ از قبیل: تمکین عام، تمکین خاص، نگهداری مال شوهر، نگهداری از خود، مدیریت مرد بر خانواده؛ ج. حقوق متقابل زوجین در استفاده از فضای مجازی نیز شامل ۱۰ مقوله شامل: ضرورت خانواده برای جامعه، دنیای مجازی مزایا و معایب، هدایت خانواده به سوی کمال، حسن معاشرت، حق وفاداری، خیانت و جنایت، سوءمعاشرت، رازداری، حفظ حیثیت خانوادگی، حفظ حریم شخصی در زندگی.

واژگان کلیدی

حقوق، زوجین، فضای مجازی.

۱- کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق - حقوق خانواده، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)
fatemegorji@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد قرآن و حدیث، دانشگاه پردیس قم

مقدمه

اسلام خانواده را مهم‌ترین بنیان جامعه می‌داند؛ از این رو برای حفظ و ثبات آن قوانینی را وضع کرده است. نکته حائز اهمیت این است که نمی‌توان حقوق زوجین را صرفاً از جهت قانونی بررسی کرد. بسیاری از حدود روابط بین زوجین در قلمرو اخلاق معنی پیدا می‌کنند. خانواده بستری برای بالندگی است که می‌بایست از خط‌مشی پیروی کند تا به رشد و تعالی برسد. قانون، اخلاق و شرع مقدس، قوانین و رهنمودهایی را برای زن و شوهر معین کرده‌اند تا هرچه بهتر بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. یکی از مسائلی که می‌تواند زندگی زوجین را به چالش بکشد فضای مجازی است. امروزه با پیشرفت فناوری، اینترنت و فضای مجازی به سهولت در اختیار افراد قرار گرفته که در کنار محاسن این امکانات گسترده، معایبی نیز وجود دارد که می‌تواند زندگی زوجین را به ورطه نابودی بکشاند. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال‌ها است: حقوق زوج بر وجه در استفاده از فضای مجازی چیست؟ و حقوق متقابل زوجین در استفاده از فضای مجازی چیست؟

بحث در خصوص حقوق زوجین و خانواده بحثی است که از دیرباز مورد بررسی و مطالعه بوده است. فضای مجازی نیز یکی از دغدغه‌هایی که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده است. در این خصوص مقاله‌های زیادی به قلم تحریر درآمده است که از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

احمدی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز» به صورت پیمایشی و در بین ۳۰۰ دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی (۹۴-۹۳) انجام شده است. محققان به این مطلب دست یافتند که شبکه اجتماعی فیس‌بوک از جنبه‌های مختلف می‌تواند بر ارزش‌های خانوادگی تأثیر بگذارد.

خدامرادی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان

آموزش و پرورش استان ایلام)». به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های خانوادگی در میان افرادی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند و افرادی که استفاده نمی‌کنند، متفاوت است. روش پژوهش آنان توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن ۳۲۰ نفر از دبیران مدارس متوسطه استان ایلام بوده است.

حاج‌محمدی، فرشته و سمیرا (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده» به این نتیجه رسیده‌اند که میان استفاده از فضای مجازی و آسیب ارزش‌های خانوادگی رابطه مستقیم وجود دارد، به‌گونه‌ای که افرادی که از فضایی مجازی استفاده می‌کنند، گفتار، اخلاق و رفتارشان با بقیه متفاوت است.

یافته‌های نگارنده این مقاله نشان می‌دهد، مقاله‌ای که به روش تحلیل مضمون، حقوق زوجین را در فضای مجازی مورد بررسی قرار دهد تاکنون به نگارش درنیامده است. بر همین اساس در این پژوهش به‌منظور درک بهتر از چالش‌های فقهی و حقوقی ناباروری و تأثیر آن بر روابط زوجین از رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای (داده‌بنیاد) به روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحقیق کیفی به سبب ماهیت اکتشافی‌اش زمانی بسیار مفید است که داده‌های مکتوب اندکی درباره موضوع موردنظر وجود داشته باشد. در این نوع تحقیق تأکید بیشتر بر تجربه آزمودنی و رابطه مستقیمی است که محقق با جامعه و محیط تحقیق برقرار می‌کند (استراس، ۱۳۹۳، ص ۴۳). روش کیفی مورد استفاده داده‌بنیاد بر اساس مراحل زیر اجرا شد: تدوین پرسش‌های پژوهش، گردآوری داده‌ها، کدگذاری داده‌ها در سه مرحله (کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی) نوشتن یادداشت تحلیلی، ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از داده‌ها و درنهایت نگارش و تدوین نظریه.

بنابر ضرورت و فرایند تحقیق، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ابزار جمع‌آوری اطلاعات است. روش مقدماتی اتخاذشده برای انجام مصاحبه، استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سؤال‌های باز است. بعد از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های اولیه، برای تعیین اینکه چه کسی نمونه بعدی باشد، از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. سپس متن مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای (Maxqda 18) با استفاده از روش

کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی تحلیل شده است.

۱- حقوق زوجه بر زوج در استفاده از فضای مجازی

۱-۱- نفقه

مطابق قانون مدنی (ماده ۱۱۰۷) نفقه زوجه بر عهده زوج است. در این ماده قانون همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض را نفقه در نظر گرفته است؛ اما آنچه امروزه فضای مجازی به مخاطب القاء می‌کند مصرف‌گرایی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند کسانی که از رسانه‌ها استفاده می‌کنند بیشتر از دیگران مصرف‌گرا هستند (رضوی‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۹).

فضای مجازی پر از عناصر مادی‌گرایی است. تصاویری که در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی به نمایش درمی‌آید، مصرف‌گرایی را تأیید می‌کند. رسانه‌ها سبک زندگی و کالاهای مصرفی را در سطحی بالاتر از هنجار واقعی یا متوسط موجود در جامعه به نمایش می‌گذارند. انسان‌ها کیفیت زندگی خودشان با رسانه‌ها را ارزیابی و آن را قضاوت می‌کنند (طالبی دلیر، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۲)؛ همین مسئله باعث می‌شود زن در خانه خود احساس کمبود کرده و سر ناسازگاری بگذارد؛ مرد هم که نمی‌تواند با این شرایط سخت اقتصادی تمام حوایج همسر خود را تأمین کند، دست به خشونت می‌زند، در خود احساس حقارت و خودکم‌بینی می‌کند.

یافته‌های تحقیق میدانی آقای جهرمی و همکارانش، نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد زنان که تمایل انجام به تاتو، برنزه کردن، لیفتینگ، تزریق بوتاکس، لمینت و کامپوزیت دارند از تبلیغات شبکه‌های مجازی و رفتار سیلبریتی‌ها الگو گرفته‌اند. این محققان مدعی هستند که بین فعالیت‌های شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و تغییر چارچوب‌های ارزشی زنان ایرانی در حوزه بدن، ارتباط محکمی وجود دارد. با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی، تمایل جدید افراد در مدیریت بدن افزایش می‌یابد (جهرمی، ۱۳۹۸، ص. ۷۹).

اگرچه فضای مجازی روابط بین افراد را تسهیل کرده است و به‌نحوی فاصله بین

افراد جهان را کم کرده است، اما به موازات آن نیز جرایمی در آن به وقوع می‌پیوندد. بر اثر این سوءاستفاده افراد از بستر فضای مجازی، آسیب‌هایی فراوانی به پیکره خانواده وارد می‌شود که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: انواع انحراف‌ها و ناهنجاری‌های دنیای واقعی و مجازی؛ سرقت؛ روسپی‌گری؛ اعتیاد به اینترنت؛ طلاق و کاهش اعتماد به نفس بین افراد؛ کاهش شعاع ارتباط؛ افزایش ترس‌های مبهم در افراد؛ بدبینی به افراد به‌ویژه دینداران؛ بی‌اعتنایی و کاهش التزام به دین.

۱-۲- تأمین امنیت خانواده

یکی از اهداف زن و مرد از ازدواج رسیدن به آرامش و حس امنیت است. ازدواج به انسان امنیت عاطفی و اقتصادی می‌دهد و این وعده خداوند است که بین زن و شوهر آرامش و مودت قرار داده است.

۱-۳- گسترش خانواده

مرد وظیفه تأمین معاش خانواده را برعهده دارد و گسترش سطح رفاه خانواده و در آسایش بودن خانواده یکی از تکالیف مرد نسبت به همسرش است.

۲- حقوق زوج بر زوجه در استفاده از فضای مجازی

بین زوجین دو نوع حق وجود دارد. الف. حقوق مالی؛ ب. حقوق غیرمالی. آنچه تکلیف زن در برابر شوهر است شامل حقوق مالی نمی‌شود؛ چراکه خداوند مرد را مسئول فراهم کردن زندگی و امرار معاش زن قرار داد، از آن سو زن را مکلف به تمکین از مرد نموده است. زن در مقابل شوهر وظیفه تمکین دارد که شامل تمکین عام و خاص می‌شود. تمکین عام به معنی آن است که زن بدون رضایت و اجازه شوهر خود از خانه بیرون نرود و تمکین خاص صرف مسائل جنسی است که زن مکلف است نیاز شوهر خود را برآورده سازد و بدون عذر شرعی از نزدیکی با او اجتناب نرزد.

۳- حقوق متقابل زوجین

برخی حقوق وجود دارد که زن و شوهر در قبال یکدیگر دارند و باید هم در فضای حقیقی و هم مجازی آنها را رعایت کنند تا پایه‌های خانواده پابرجا بماند. برخی از آنها عبارت‌اند از: امر به معروف و نهی از منکر، وفاداری نسبت به هم و حسن معاشرت.

۳-۱- هدایت خانواده به سوی کمال

مطابق آیات قرآن اعضای خانواده در برابر ثواب و عقاب هم مسئولند. فرد باید خانواده‌اش را از آتش جهنم حفظ کند (تحریم: آیه ۶). به عبارتی آنچه که خداوند دوست دارد فرا بخواند و از آنچه خداوند دوست ندارد، نهی‌شان کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۲). اگر زوجین در فضای مجازی مرتکب عمل حرامی شود؛ مانند انتشار عکس‌های خانوادگی و شخصی، گفتگو با نامحرم، گرفتن لایف، شرکت در شرط‌بندی‌های مجازی و غیره؛ زن و شوهر موظفند یکدیگر را از این کار باز دارند و ایشان را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

قانون‌گذار نیز از این مهم غفلت نکرده است و برای آن مجازاتی در نظر گرفته است. مطابق ماده ۷۴۵ قانون جرایم رایانه‌ای، هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، صوت، تصویر، فیلم خصوصی یا خانوادگی و اسرار دیگری را بدون رضایت او، جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات، محکوم خواهد شد.

۳-۲- حسن معاشرت

حسن معاشرت، وقت گذاشتن زوجین برای هم و وفاداری (که یکی از مصادیق حسن معاشرت است و نقطه مقابل خیانت است) از وظایفی است که زن و مرد در قبال یکدیگر دارند. در آموزه‌های دینی و تربیتی به این وظایف، توجه زیادی شده و به نقش آنها در

پایداری و سلامت خانواده، تأکید شده است و قرآن از آن به «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: آیه ۱۹) یاد می‌کند.

زمانی که هر یک از زوجین در فضای مجازی بدون توجه به یکدیگر، وقت خود را صرف گشت‌وگذار در فضای مجای می‌کنند و همین امر باعث می‌شود که روابط عاطفی آنان کمرنگ شده و گاهی مشاهده می‌شود که هیچ توجهی به یکدیگر نمی‌کنند. این سردی باعث می‌شود که شناختی از هم نداشته و از رفتار هم دچار سوءتفاهم شوند. برخی از زوجین در فضای مجازی به یکدیگر خیانت می‌کنند به گونه‌ای که مشکلات و مسائل عاطفی همسرشان را با افراد غریبه در میان می‌گذارند. این خیانت می‌تواند به روش‌هایی مثل: ارتباط تلفنی، اینترنتی و ارتباط در محیط‌های کاری (مؤمنی جاوید و شعاع کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷) ایجاد شود.

قانون‌گذار (ماده ۱۱۰۳) قانون مدنی درباره حسن معاشرت چنین می‌گوید: زن و شوهر به حسن معاشرت با یکدیگر مکلف هستند. حسن معاشرت بدین معناست که با یکدیگر در حدود عرف و عادت زمان و مکان رفتار کنند تا محیطی آرام در منزل برقرار شود. اگرچه تصور می‌شود که این ماده، جنبه ارشادی و اخلاقی دارد. با توجه به اینکه تکالیف زوجین ضمانت اجرا دارد، می‌توان گفت از قواعد حقوقی است.

۳-۳- حفظ حریم شخصی

حریم شخصی را می‌توان با توجه به ماده یک، بند دو لایحه حریم خصوصی چنین تعریف کرد: حریم خصوصی قلمروی زندگی هر کسی است که فرد عرفاً یا قبلاً اعلام کرده و در چارچوب آن انتظار دارد که دیگران بدون رضایت او، وارد آن نشوند و اطلاعاتی درخصوص آن جمع نکنند. این قلمرو شامل: جسم، لباس، اشیاء همراه اشخاص، مکان‌های خصوصی، محل کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران محسوب می‌شود.

حفظ حریم خصوصی یکی از مصداق‌های حقوق بشر و از حقوق بنیادین شهروندان است که با حفظ کرامت، شخصیت، استقلال فرد، ایجاد صمیمیت و امنیت روانی و دیگر

ارزش‌های انسانی ارتباط دارد. هیچ‌کس بدون اجازه، حق ورود به آن را ندارد.

حریم شخصی در بین زوجین در ذیل دو عنوان بررسی می‌شود. حریم شخصی بین زوجین و حریم شخصی زندگی زوجین، به عبارتی هر فردی به‌عنوان یک انسان آزاد دارای حریم خصوص است. با توجه به تعریفی که در خصوص حریم خصوصی گفته شد؛ در این مقاله بحث ما حریم خصوصی در ارتباطات است. همان‌طور که می‌دانید با پیشرفت فناوری ارتباطات از حالت حضوری صرف، هم به‌صورت حضوری و مجازی در این عصر هم میسر شده است؛ این ارتباط با توجه به بند هفت ماده یک لایحه حریم خصوصی، هرگونه ارتباط مجازی و الکترونیک شامل: پست‌ها، چت‌ها و مکالمه‌ها اعم از اینکه مستقیم یا غیرمستقیم باشد، محسوب می‌شود.

حریم خصوص حق فرد بر پنهان داشتن یک سری اطلاعات از دیگران است. حال سؤال این است که با توجه به قوامیت مردان بر زنان، آیا مردان می‌توانند گوشی همسر خود را چک کنند؟ یا حریم شخصی زن است و مرد نمی‌تواند به آن تجاوز کند؟ می‌توان گفت، داشتن ارتباط با توجه به مدنی‌الطبع بودن انسان‌ها و اینکه ارتباط حق هر فرد است و زوج نیز از این امر مستثنا نیست؛ عقلاً نمی‌توان به‌طور مطلق ریاست شوهر را دلیل بر ممانعت، پایش و جستجو در حریم ارتباطی زوج دانست. از طرف دیگر ریاست مرد، به اموری مربوط می‌شود که به مصالح خانواده است. از آنجایی که ممکن است مصالح خانه و خانواده در فضای مجازی به‌خطر بیفتد، از این رو می‌تواند گوشی همسرش را چک کند؛ ولی در این صورت حریم شخصی زن نقض می‌شود. بنابراین محترم بودن حریم شخصی برای زوجین از موارد حسن معاشرت تلقی شود، در نتیجه ریاست شوهر مجوزی برای نقض حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوج نیست؛ ولی با توجه به اهمیت و پایداری نظام خانواده، اگر در مواردی مصالح خانواده نقض شود، حریم خصوصی دیگر معنایی پیدا نمی‌کند (پورعبدالله و جلیل‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۳۵).

آیت‌الله صافی گلپایگانی، از باب دیگری مثل تصرف در مال وارد می‌شوند. مطابق روایت که می‌فرمایید: حلال نیست که در اموال مسلمانان بدون رضایت آنان تصرف کرد (حرعاملی، بی‌تا، ص. ۵۷۲)؛ چک کردن بدون اجازه گوشی همسر را نوعی تصرف به حساب

می‌آورند و جایز نیست (www.Saafi.Com). به نظر می‌رسد که مرد یا زن نمی‌تواند بدون دلیل حریم شخصی یکدیگر را نقض کنند و در اموال هم بدون اجازه یکدیگر تصرف کنند.

۳-۴- خیانت

فضای مجازی با تمام محاسنی که دارد ممکن است افراد را در این دنیای بیکران غرق نماید و ممکن است به آنان آسیب رساند. یکی از این آسیب‌ها خیانت است که به شدت روابط بین زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براون در کتب خود خیانت زناشویی را چنین تعریف کرده‌اند:

یک رابطه پنهانی عاطفی یا جنسی که به تعهدات فرد نسبت به همسرش لطمه وارد می‌کند. در واقع؛ برخورد و رفتاری که باید با همسر داشته باشد، همچنین احساسی که باید به همسر ابراز کند و نیز افکاری و دغدغه‌هایی که می‌بایست با همسر در میان بگذارد؛ با فرد دیگری آن هم به شکل پنهانی ابراز و انجام می‌دهد، اگر همسرش اطلاع پیدا کند تبعاتی برای وی به همراه دارد و سعی در پنهان داشتن آن دارد (Brown, 2001; p. 34). تعریف گفته شده دارای سه قید است؛ لاف. درگیری فکر- احساس- رفتار؛ ب. به مخاطره انداختن روابط زوجین؛ ج. سعی در پوشاندن آن.

نوع دیگر از خیانت‌های زناشویی، خیانت‌های مجازی یا اینترنتی است، هر چند ممکن است شامل رفتارهای جنسی نیز باشد؛ ولی اشتراک بیشتری با خیانت هیجانی دارد؛ چون از طریق ایجاد می‌شود نه از روی جذابیت‌های جسمانی یا ویژگی‌های جنسی و جسمانی. خیانت‌های اینترنتی دارای سه ویژگی هستند:

الف. دسترسی پذیری، از آنجایی که افراد دسترسی آسان به اینترنت دارند، بیشترین خیانت‌ها به صورت برخط انجام می‌شود؛ ب. توانمندی، در یک فضای مجازی با هزینه کم، می‌توان به تمام اطلاعات دسترسی داشت، خرید کرد و از سایت‌های بی‌شماری بازدید کرد، همچنین نیازهای جنسی متعددی را ارضا کرد؛ ج. گمنامی، در فضای مجازی می‌توان هر گونه هویتی که دلخواه فرد است، داشته باشد. این در حالی است که در دنیای واقعی اشخاص همدیگر را ملاقات می‌کنند؛ ولی فرد در دنیای مجازی می‌تواند هر

شخصیت یا جنسیتی را برای خود ترویج کند (زمانی زارچی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۷).

۳-۵- حفظ مال شوهر

اسلام و قانون مدنی حقوقی را بر ذمه زن گذاشته که باید آن را رعایت کند. یکی از حقوق شوهر بر زن آن است که حفظ خود و مال شوهر کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص. ۹). خداوند در قرآن می‌فرماید: یکی از ویژگی زنان شایسته و درستکار این است که در غیاب همسرشان، عفت خویش و مال او را حفظ و صیانت کنند (نساء: آیه ۳۴). همچنین در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است که از حقوق مرد بر زن این حق است که ... و نیز در اموالش به او خیانت نکند (نوری، بی‌تا، ص. ۲۳۸).

مطابق اسلام زن و مرد استقلال در اموال خود دارند، هرچند مرد مکلف به تأمین نیازهای مالی همسر خود است و حتی این تکلیف بر تمامی تکالیف و دیون مالی او تقدم دارد؛ اما این به این معنا نیست که زن می‌تواند بدون رضایت و اجازه وی در مال همسرش تصاحب کند.

فضای مجازی، محلی برای بازی‌های رایانه‌ای، سایت شرط‌بندی، فال و غیره است؛ به‌عنوان مثال، اگر زنی با درگیری در سایت‌ها پیش‌بینی نتایج مسابقات ورزشی و تمامی یا قسمت مال همسر را تلف کند، ضمن اینکه در صورت برد یا باخت مالی را به‌دست می‌آورد، مصداق شرط‌بندی و قمار است و قانون‌گذار در ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی، قماربازی با هر وسیله‌ای را ممنوع کرده است و مرتکبان آن به یک تا شش ماه حبس یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند. صرف‌نظر از این مجازات چون مال همسر در نزد وی امانت بوده است، می‌تواند مصداقی از خیانت در امانت نیز محسوب شود. این خود عاملی است که ممکن است روابط زن و شوهر را به هم زده و باعث طلاق شود.

۳-۶- مزایا و معایب فضای مجازی

با ورود اینترنت و وسایل ارتباط جمعی، کمتر خانواده‌هایی را می‌توان پیدا کرد که مانند گذشته در کنار یکدیگر بنشینند و در خصوص موضوع‌های مختلف خانوادگی به بحث و

گفتگو بپردازند، نظرات یکدیگر را درباره موضوع‌های مختلف جویا شوندند یا بخواهند برای پرداخت قبوض بیرون از منزل بروند.

در دسترس بودن اینترنت مزایای بسیار زیادی دارد، با وجود تمام امکانات و مزایایی که این فناوری در ارتباطات فراهم کرده است؛ اما استفاده نادرست از آن پیامدهای منفی به همراه دارد که می‌تواند بر روی روابط زوجین تأثیر به‌سزایی بگذارد. از معایب آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. اعتیاد به ارتباط جنسی مجازی، زمانی که هر کدام از زوجین به دائلود، ارسال عکس‌ها، فیلم‌ها و پورنوگرافی می‌کنند، دائماً در شبکه‌های مجازی مشغول هستند؛

ب. اعتیاد به روابط مجازی: استفاده از اینترنت به منظور برقراری روابط مجازی، عضویت در گروه دوستانه و گروه‌های تبادل نظر؛

ج. اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای، قماربازی برخط؛

د. اعتیاد به رایانه و گوشی همراه؛

و. معایب دیگر که هر کدام می‌تواند روابط زوجین را تحت شعاع خود قرار دهد

(رستمی و دیگران، ۱۳۸۹، صص. ۶۰-۶۱).

سؤال یک: حقوق زوج بر زوجه در استفاده از فضای مجازی چیست؟

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱	ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی	۳	وجوب نفقه	نفقه
۲	وجوب نفقه در عقد دائم	۳		
۳	آیه ۳۲ سوره نفقه	۲		
۴	خوراک	۱	مصادیق نفقه	
۵	پوشاک	۱		
۶	مسکن	۱		
۷	اثاث البیت	۱		
۸	هزینه‌های درمانی	۱		
۹	خادم در صورت نیاز	۱		
۱۰	آیه ۷ سوره طلاق	۲		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات	
۱۱	توانگری زوج	۱	ملاک میزان نفقه		
۱۲	تنگدستی زوج	۱			
۱۳	شأن زوجه	۲			
۱۴	عرف محل	۱			
۱۵	نشوز	۳	سقوط نفقه		
۱۶	طلاق	۲			
۱۷	امنیت جانی	۱	انواع امنیت		وظیفه تأمین امنیت خانواده
۱۸	امنیت مالی	۱			
۱۹	امنیت آبرویی	۱			
۲۰	حس امنیت	۱			
۲۱	امنیت اقتصادی	۱			
۲۲	امنیت روانی	۱			
۲۳	نگهداری زن در پرده حجاب	۲	نگهداری مرد از همسرش		
۲۴	نگهداری زن در پرده عفاف	۲			
۲۵	افزایش رفاه	۱	رفاه مادی	گسترش خانواده	
۲۶	آسایش مادی	۱			
۲۷	افزایش امکانات	۱	توسعه وضع زندگی		
۲۸	افزایش دارایی	۱			

- تشویق افراد در رسانه برای مصرف‌گرایی
- به خطر افتادن امنیت عاطفی خانواده در فضای مجازی

سؤال دوم: حقوق زوجه بر زوج در استفاده از فضای مجازی چیست؟

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱	اجازه خروج از خانه	۲	نیاز به اذن شوهر برای خروج زن از خانه	تمکین عام
۲	اشتراک این حق در بین شیعه و سنی	۱		
۳	عدم سخت‌گیری زوج	۲		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۴	اشتغال زن و تضييع حق شوهر	۲		
۵	ممانعت شوهر از اشتغال زن	۲		
۶	فطری بودن حس مادری	۱		
۷	فراموشی زیبایی و زنانگی	۱		
۸	زن حق اشتغال ندارد	۲		
۹	اختلاف نظر فقها در بحث اشتغال	۱		
۱۰	تکلیف مرد برای پرداختن نفقه	۴		
۱۱	عدم وظیفه زن در پرداخت هزینه‌ها	۱		
۱۲	عدم منع کار زن در اسلام	۲		
۱۳	توجه به نیازهای جنسی	۴	روابط جنسی	
۱۴	پدیرش متعارف روابط جنسی	۲		
۱۵	عطر زدن	۱		
۱۶	لباس نیکو پوشیدن	۱		
۱۷	آرایش زن در خانه	۲		
۱۸	زینت کردن	۱		
۱۹	عرضه خود به شوهر	۳		
۲۰	نیاز طبیعی بدن	۲		
۲۱	نظریه فروید در غرایز جنسی	۱		
۲۲	نشوز	۲	ضمانت اجرای عدم تکین خاص درقانون	
۲۳	عدم استحقاق دریافت نفقه	۴		
۲۴	آیه ۲۴ سوره نساء	۳		
۲۵	عدم توصیه قرآن به خشونت	۱		
۲۶	عدم سرخی یا کبودی بدن	۱	ضمانت اجرای عدم تمکین در قرآن	
۲۷	نصیحت زن ناشره در وهله اول	۱		
۲۸	جدا کردن بستر در وهله دوم	۱		
۲۹	مرحله آخر زدن زن	۱		
۳۰	عدم وجوب زدن زن	۱		
۳۱	جرم بودن قمار	۱	سایت قمار	نگهداری مال شوهر

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات	
۳۲	اتلاف مال	۱			
۳۳	از مصادیق قمار	۱	سایت شرط‌بندی		
۳۴	شرط‌بندی در مسابقات	۱			
۳۵	بازی‌های برخط	۱	بازی‌های گران‌قیمت		
۳۶	هزینه در مراحل بازی	۱			
۳۷	حجاب در فضای مجازی	۲	عکس پروفایل	نگهداری از خود	
۳۸	عفاف در فضای مجازی	۲			
۳۹	آرایش	۲	عکس در اینستاگرام		
۴۰	برهنگی	۲			
۴۱	دنبال‌کنندگان نامحرم	۴			
۴۲	مردسالار	۱	نوع مدیریت در خانواده	مدیریت مرد بر خانواده	
۴۳	زن‌سالار	۱			
۴۴	مشارکتی	۱			
۴۵	خودمختار	۱			
۴۶	مسئولیت سنگین‌تر مرد	۱	قوامیت مرد		
۴۷	نیاز هر مجموعه به مدیر	۱			
۴۸	نیاز خانواده به مدیر	۱			
۴۹	مدیریت تعهد بیشتر	۱			
۵۰	مشکلات نبود مدیر	۱			
۵۱	اداره زندگی	۱			
۵۲	ویژگی جسمانی مرد	۱	ویژگی مرد برای مدیریت		
۵۳	توانایی بیشتر مرد	۱			
۵۴	ویژگی روحی مرد	۱			
۵۵	غلبه عقل بر احساس در مرد	۱			
۵۶	آیه ۳۴ سوره نساء	۱	سند قرآنی ریاست مرد بر خانواده		
۵۷	ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی	۱	ریاست مرد در قانون مدنی		

- رفع نیازهای روانی و جنسی. یکی از اهداف ازدواج برآورده شدن نیازهای جنسی و روانی هم است. کارشناسان معتقداند در فضای مجازی هر کس می‌تواند برای خود هویتی بسازد و دوستانی از جنس مخالف پیدا کنند و به شریک جنسی خود خیانت کنند. در مواردی دیده شده است که فقط در این فضا محدود نمی‌شود و زن یا مرد دست به خیانت فیزیکی می‌زنند؛
- پذیرفتن قوامیت مرد. ریاست بر خانواده یکی از موادی است که مورد پذیرش اسلام و قانون است که به‌شدت مورد حمله همین فضای مجازی قرار گرفته است و آن را زیر سؤال برده است. مرد براین اساس می‌تواند همسر خود را در فضای مجازی پیگیری کند؛
- حفظ مال مرد. زن موظف به حفظ مال همسر خود است؛ از این رو زن نمی‌تواند در سایت‌های قمار و شرط‌بندی یا با بی‌مواالاتی اطلاعات حساب همسر خود را افشا و همسرش را متضرر کند.
- حفظ آبروی. با توجه به فرامین زن موظف به حفظ آبروی همسرش است. با توجه به مصاحبه‌ها، کارشناسان این حوزه معتقداند که این حفظ آبرو شامل: عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی، اسرار خانواده، بیان احساسات خود و همسرش نسبت به هم، می‌شود.

سؤال سوم: حقوق متقابل زوجین در استفاده از فضای مجازی چیست؟

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱	پربرکت ترین نهاد اجتماعی	۱	ویژگی‌های خانواده	ضرورت خانواده برای جامعه
۲	بنیادی ترین تشکل در جامعه	۱		
۳	کانون حفظ حرمت	۱		
۴	تأمین سلامت جسمانی	۱		
۵	ازدواج رکن دین	۱		
۶	سلامت معنوی	۱		
۷	محبوبیت زناشویی نزد خداوند	۲		
۸	رشد اخلاقی	۲		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۹	اصلی بودن دو عنصر زن و مرد	۱		
۱۰	هسته اصلی اجتماع	۱	اهمیت خانواده	
۱۱	قوام خانواده	۱		
۱۲	ازدواج سنت پیامبر	۳		
۱۳	انسجام جامعه	۱		
۱۴	آرامش	۳		
۱۵	نیل به کمالات انسانی	۱		
۱۶	تقرب به ذات حق	۱		
۱۷	نیازهای عاطفی	۲	بستر خانواده برای رفع نیاز	
۱۸	نیاز به امنیت	۲		
۱۹	نیازهای جنسی	۳		
۲۰	نیازهای اقتصادی	۲		
۲۱	امنیت روانی	۱		
۲۲	امنیت عاطفی	۱		
۲۳	عدم آشنایی زوجین با و طایف خود	۱	عوامل درونی اختلاف بین زوجین	
۲۴	عدم مهارت لازم	۲		
۲۵	عدم تخصص	۲		
۲۶	نداشتن آمادگی لازم	۲		
۲۷	خودخواهی	۲		
۲۸	رنج‌های درونی	۱		
۲۹	نبود رشد عقلی	۲		
۳۰	عدم بلوغ اجتماعی	۲		
۳۱	وابستگی عاطفی	۲		
۳۲	دخالت اطرافیان	۴	عوامل بیرونی اختلاف بین زوجین	
۳۳	وضعیت اجتماعی	۴		
۳۴	وضعیت اقتصادی	۴		
۳۵	اعتیاد	۵		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات	
۳۶	نبود استقلال مالی	۵			
۳۷	تجمل گرایی	۳			
۳۸	تأثیرگذاری زیاد فضای مجازی بر زندگی افراد	۴	ویژگی فضای مجازی	دنیای مجازی مزایا و معایب	
۳۹	تبدیل شدن به نیاز روزمره	۱			
۴۰	تأثر عمیق فضای مجازی بر زندگی افراد	۲			
۴۱	انعکاس فضای مجازی در زندگی	۲			
۴۲	بی‌مکانی	۱			
۴۳	بی‌زمانی	۱			
۴۴	دهکده جهانی	۱			
۴۵	نزدیک شدن افراد به همدیگر	۱			
۴۶	برداشتن مرزها در فضای مجازی	۱			
۴۷	توان روزافزون انسان برای مبادله	۱			
۴۸	دسترسی آسان	۲			
۴۹	جزو جدایی‌ناپذیر زندگی	۲			
۵۰	یک فضای دیجیتال	۱			تعریف فضای مجازی
۵۱	فضای سایبری	۱			
۵۲	یک مفهوم بین‌المللی	۱			
۵۳	اتصال‌دهنده انسان‌ها با اطلاعات	۱			
۵۴	اتصال‌دهنده انسان‌ها با دیگران	۱			
۵۵	اینترنت وسیله ورود به فضای مجازی	۱			
۵۶	شبکه	۱			

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۵۷	زنجیره‌های از ارتباطات	۱		
۵۸	ایتا	۱	انواع شبکه اجتماعی داخلی	
۵۹	سروش	۱		
۶۰	روبیکا	۱		
۶۱	بله	۱		
۶۲	آیگپ	۱		
۶۳	نزدیکا	۱		
۶۴	باهم	۱		
۶۵	نیوچت	۱		
۶۶	تلگرام	۱		انواع شبکه اجتماعی خارجی
۶۷	واتساپ	۱		
۶۸	وات پد	۱		
۶۹	توئیتر	۱		
۷۰	فیس‌بوک	۱		
۷۱	اینستاگرام	۱		
۷۲	اسنپ چت	۱		
۷۳	ردیت	۱		
۷۴	اسکایپ	۱		
۷۵	وایبر	۱		
۷۶	انزوا	۱	آسیب‌های فضای مجازی	
۷۷	کاهش ارتباط با خانواده	۲		
۷۸	آسیب‌های جسمی	۱		
۷۹	کم‌حرکی	۳		
۸۰	چاقی	۱۲		
۸۱	آسیب‌های روحی	۱		
۸۲	اضطراب	۱		
۸۳	افسردگی	۲		
۸۴	استفاده نادرست	۱		
۸۵	دیدن به جای دیدار	۱		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
	چهره به چهره			
۸۶	دروغ‌گویی	۲		
۸۷	دسترسی آسان به محتوای غیراخلاقی	۶		
۸۸	شایعه‌پراکنی	۳		
۸۹	رواج خرافات	۲		
۹۰	طالع‌بینی	۲		
۹۱	رواج بی‌بندباری اخلاقی	۴		
۹۲	افزایش تماشای پورنوگرافی	۷		
۹۳	تشویق به طلاق	۵		
۹۴	تهاجم فرهنگی	۶		
۹۵	اتلاف وقت	۵		
۹۶	تغییر در سبک زندگی	۵		
۹۷	شب بیداری	۴		
۹۸	وابستگی عاطفی	۲		
۹۹	مشکلات هویتی	۱		
۱۰۰	هزینه‌های مالی اینترنت	۲		
۱۰۱	افزایش دوستان	۱	مزایای فضای مجازی	
۱۰۲	گسترش ارتباطات	۳		
۱۰۳	برخورداري از حمايت دوستان	۲		
۱۰۴	از بین بردن بعد مسافت	۳		
۱۰۵	افزایش اطلاعات	۴		
۱۰۶	دسترسی سریع به پاسخ سؤالات	۵		
۱۰۷	مهارت‌آموزی	۵		
۱۰۸	افزایش خودباوری	۴		
۱۰۹	افزایش اعتماد به نفس	۳		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱۱۰	کاهش کم رویی	۴		
۱۱۱	افزایش حس خودشکوفایی	۳		
۱۱۲	تفریح	۸		
۱۱۳	ایجاد شغل	۹		
۱۱۴	خانواده تجلی گاه شکوه و بالندگی	۱۰	جایگاه خانواده	هدایت خانواده به سوی کمال
۱۱۵	خانواده بستر تعالی	۱		
۱۱۶	مراقبت از خطای همدیگر	۱	امر به معروف و نهی از منکر	
۱۱۷	تذکر لسانی	۱		
۱۱۸	جلوگیری از ولنگراری غلط	۱		
۱۱۹	مراقبت از خطای دینی	۱		
۱۲۰	عدم درشت گویی	۱	خوش زبانی	حسن معاشرت
۱۲۱	انس و الفت	۱		
۱۲۲	نداشتن تندی	۱		
۱۲۳	عدم بدزبانی	۱		
۱۲۴	زبان محبت	۱		
۱۲۵	کلام خوشایند	۱		
۱۲۶	ملاطفت	۱		
۱۲۷	مهربانی	۱		
۱۲۸	عشق	۱		
۱۲۹	شفقت	۱		
۱۳۰	آمیختن	۱		
۱۳۱	تکریم	۱		
۱۳۲	تأمین نیازهای روحی	۱		
۱۳۳	آیه ۵ سوره نساء	۱	مصاحبت	
۱۳۴	آیه ۵۱ سوره نساء	۱		
۱۳۵	ارتباط پوستی	۱		
۱۳۶	نوازش	۱		
۱۳۷	در کنار یکدیگر بودن	۱		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱۳۸	نداشتن شک	۱	اعتماد	
۱۳۹	دروغی از شک	۱		
۱۴۰	خوشگمانی	۱		
۱۴۱	اعتمادسازی	۱		
۱۴۲	خیانت عامل تزلزل خانواده	۱	خیانت جنسی	
۱۴۳	تهدیدکننده سلامت خانواده	۱		
۱۴۴	تضعیف روابط بین همسر	۱		
۱۴۵	روابط جنسی خارج از چارچوب	۴		
۱۴۶	صرف روابط جنسی	۲		
۱۴۷	بیشتر در افراد زن باره	۱		
۱۴۸	رابطه‌های یک شبه	۱		
۱۴۹	افراد با دلبستگی اجتنابی	۱		
۱۵۰	افراد مبتلا به پارافیلیا	۱		
۱۵۱	آمیزش جنسی با غیرهمسر	۷		
۱۵۲	صمیمیت فیزیکی با غیرهمسر	۴		
۱۵۳	نداشتن قصد جدایی از همسر	۳		
۱۵۴	همراه با دروغ بودن خیانت	۴		
۱۵۵	معطوف شدن تمایل به غیرهمسر	۷		
۱۵۶	صرف وقت برای دیگری	۶		
۱۵۷	پنهانی بودن	۹		
۱۵۸	مشکل آفرین بودن در صورت فاش شدن	۱		
۱۵۹	روابط خارج از زناشویی	۴	اسامی خیانت جنسی	
۱۶۰	زنا	۸		
۱۶۱	روابط نامشروع	۸		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱۶۲	روابط فرزندناشویی	۷		حق وفاداری
۱۶۳	خیانت	۹		
۱۶۴	بی‌وفایی	۵		
۱۶۵	نقض پیمان	۵		
۱۶۶	بدعهدی	۳		
۱۶۷	تجربه جدید	۲	علت خیانت زناشویی	
۱۶۸	تنوع‌طلبی	۸		
۱۶۹	تنوع جنسی	۵		
۱۷۰	حس صمیمیت جدید	۱		
۱۷۱	تجربه صمیمیت جدید	۱		
۱۷۲	کمال‌گرایی جنسی	۷		
۱۷۳	صمیمیت عاطفی	۴	خیانت عاطفی	
۱۷۴	درخواست محبت از دیگری	۵		
۱۷۵	تأمین نیازهای عاطفی توسط غیر همسر	۸		
۱۷۶	ابراز محبت به شخص بیگانه	۶		
۱۷۷	اندیشیدن به دیگری	۲	خیانت ذهنی	
۱۷۸	مقایسه ذهنی همسر با شخص دیگر	۲		
۱۷۹	خیانت‌های اینترنتی	۴	خیانت کلامی	
۱۸۰	صحبت با بیگانه	۲		
۱۸۱	صمیمیت در گفتگو با بیگانه	۲		
۱۸۲	سخنان عاشقانه با غیرهمسر	۳		
۱۸۳	انحرافات جنسی	۴		
۱۸۴	خیانت عاطفی و جنسی باهم	۱	خیانت توأمان	
۱۸۵	خیانت ترکیبی	۱		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۱۸۶	فقدان وابستگی در ارتباط یک‌شبه	۱	نمودار بی‌وفایی	
۱۸۷	وابستگی متوسط	۱		
۱۸۸	وابستگی شدید	۱		
۱۸۹	درد و دل در فضای مجازی	۷	تسهیل‌کننده خیانت زناشویی	
۱۹۰	نارضایتی از زندگی زناشویی	۶		
۱۹۱	یکنواختی در زندگی	۷		
۱۹۲	کاهش جدابیت زوجین	۹		
۱۹۳	تعارضات حل‌نشده	۸		
۱۹۴	عدم مهارت حل تعارض	۸		
۱۹۵	مشکلات شخصیتی	۴		
۱۹۶	افسردگی	۵		
۱۹۷	بی‌توجهی به نیازهای یکدیگر	۹		
۱۹۸	بی‌وفایی بعد خفیف خیانت	۱		
۱۹۹	خیانت جنبه جنسی است	۴		
۲۰۰	بی‌وفایی ارتباط عاطفی	۱		
۲۰۱	عقاید مذهبی	۲	عوامل مؤثر بر کاهش خیانت	
۲۰۲	شخصیت سالم	۱		
۲۰۳	عدم روان‌رنجوری	۱		
۲۰۴	نداشتن شخصیت ضداجتماعی	۱		
۲۰۵	هیجان‌خواهی پایین	۱		
۲۰۶	طول مدت رابطه زناشویی	۱		
۲۰۷	صمیمیت زناشویی	۶		
۲۰۸	رضایت زناشویی	۸		
۲۰۹	رضایت از رابطه جنسی بین زوجین	۸		
۲۱۰	تحصیلات پایین	۲		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات	
۲۱۱	موقعیت اجتماعی پایین	۲		خیانت و جنایت	
۲۱۲	ارزش‌ها	۴			
۲۱۳	مخدوش اعتماد	۳	ثمره خیانت زناشویی		
۲۱۴	طلاق قانونی	۸			
۲۱۵	طلاق عاطفی	۷			
۲۱۶	ننگین شدن شرافت خانواده	۴			
۲۱۷	به خطر افتادن آبروی خانواده	۶			
۲۱۸	چت کردن با فرد غیرهم جنس	۱	طرق خیانت عاطفی		
۲۱۹	تماس تلفی	۱			
۲۲۰	تماس تصویری	۱			
۲۲۱	گفتگوی حضوری	۱			
۲۲۲	سکس چت	۱	طرق خیانت جنسی		
۲۲۳	رابطه فیزیکی	۱			
۲۲۴	قتل زنان	۹	قتل		
۲۲۵	قتل مردان	۶			
۲۲۶	ضربه فیزیکی	۲	خشونت		
۲۲۷	حمله ناگهانی	۲			
۲۲۸	تهدید	۴			
۲۲۹	توهین	۵			
۲۳۰	سرگرمی زیاد فضای مجازی	۴	عدم مدیریت زمان		سو معاشرت
۲۳۱	اتلاف وقت در فضای مجازی	۴			
۲۳۲	بازی‌های مجازی	۱			
۲۳۳	چت‌های طولانی	۱			
۲۳۴	مدل‌های جدید	۱		چشم و هم‌چشمی	
۲۳۵	فخرفروشی	۱			

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۲۳۶	به اشتراک‌گذاری عکس غذا	۱		
۲۳۷	به اشتراک‌گذاری مسافرت‌ها	۱		
۲۳۸	رقابت ناسالم در فضای مجازی	۱		
۲۳۹	به اشتراک‌گذاری عکس ماشین	۱		
۲۴۰	به اشتراک‌گذاری عکس خانه	۱		
۲۴۱	کم‌شدن روابط جنسی	۴	کاهش کیفیت زناشویی	
۲۴۲	مصرف‌گرا شدن	۳		
۲۴۳	فانتزی جنسی	۱		
۲۴۴	دروغ‌گویی	۷	عدم صداقت	
۲۴۵	پنهان‌کاری	۴		
۲۴۶	اعتیاد اینترنتی	۹		
۲۴۷	اعتیاد به پورنوگرافی	۹	اختلالات روانی	
۲۴۸	اختلال خودشیفتگی	۷		
۲۴۹	سخن‌چینی	۲	سندرم خانه شیشه‌ای	راز داری
۲۵۰	اطلاع بقیه از زندگی زوجین	۲		
۲۵۱	صحبت از مسائل شخصی	۱	عدم حفظ اسرار خانه	
۲۵۲	به اشتراک‌گذاری عکس موارد خصوصی	۳		
۲۵۳	وجه اجتماعی	۱		
۲۵۴	ارزش شخص	۱	معنی حیثیت	حفظ حیثیت خانوادگی
۲۵۵	آبرو شخص	۱		
۲۵۶	تقدس خانواده	۱	اهمیت حیثیت خانوادگی	
۲۵۷	اهمیت خانواده	۱		
۲۵۸	چک کردن گوشی زن	۳	قوامیت مرد	حریم شخصی
۲۵۹	مالکیت زن بر گوشی خود	۴		

ردیف	کدباز	فراوانی	کدمحوری	مقولات
۲۶۰	شخصی بودن گوشی	۳	حریم هر فرد	
۲۶۱	نیاز هر شخص به حریم	۴		
۲۶۲	حریم بین زن و شوهر	۲		
۲۶۳	چگ کردن گوشی شوهر	۳		
۲۶۴	کنترل تماس	۲		
۲۶۵	هک کردن گوشی	۴		
۲۶۶	نصب فضای مجازی یکدیگر بر روی گوشی خود	۸		

- امر به معروف و نهی از منکر. اگرچه مسئولیت هدایت و توسعه خانواده بر عهده مرد است؛ اما از باب وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اگر هر یک از زوجین در استفاده از فضای مجازی دچار افراط یا انحراف شود باید به یکدیگر تذکر دهند.
- خوش‌زبانی. وظایف زن و مرد نسبت به هم خوش‌زبانی است؛ مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که یکی از آسیب‌های فضای مجازی گرفتن این فرصت هم‌صحبتی و اینکه آنان درست با هم سخن بگویند؛ اما فضای مجازی نوع گفتار زن و مرد را نسبت به هم عوض کرده است.
- مصاحبت. همان‌طور که در بالا گفته شد فضای مجازی فرصت هم‌صحبتی و لذت بردن از یکدیگر را گرفته است.
- اعتماد. زن و مرد موظف هستند که به‌نحوی برخورد کنند که از هم سلب اعتماد نکنند. کارشناسان معتقدند که این فضا به دلیل نامحدود بودن و توانایی برقراری ارتباط با همه، باعث شده است که زن و مرد اعتمادشان به هم سلب شود، در کوچکترین مورد به هم شک کند و گوشی یکدیگر را بررسی کنند.

نتیجه‌گیری

امروزه ارتباط در فضای مجازی بیش از هر زمان دیگری بین خانواده‌ها رایج شده است. شبکه‌های مجازی با خاصیت مخفی بودن، در دسترس بودن و قابلیت‌های ارتباطی

دیگری که دارد، تمامی ابعاد زندگی خانواده‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده؛ شخصیتی نو برای آنان می‌سازد. در تحقیقاتی که انجام شده نشان می‌دهد که افرادی که از فضای مجازی بیشتر استفاده می‌کنند رفتار و گفتار متمایزی با دیگر افراد دارند.

درست است که این فضا فاصله‌ها را حذف کرده؛ ولی به دلیل نداشتن سواد رسانه در بسیاری از موارد می‌بینیم که زوجین به هم خیانت می‌کنند؛ تمام عشق و علاقه‌ای که باید به پای همسر خود بریزند، نثار کسی می‌کنند که حتی واقعاً نمی‌دانند کیست و گاهی متأسفانه قرار می‌گذارند و به همسر خود خیانت فیزیکی می‌کند که هم قانونگذار و هم فقه اسلامی برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

بی‌اعتمادی زوجین به هم باعث می‌شود که آنان گوشی یکدیگر را بررسی کنند. زوجین با کوچکترین سوءظن اقدام به واریسی و شکستن حریم خصوصی یکدیگر می‌کنند. این کار علاوه بر تعدی به حقوق یکدیگر، حس اعتماد را بین می‌برد. اینکه زن و مرد می‌توانند گوشی همدیگر را بررسی کنند از چند منظر قابل بررسی است: اول اینکه گفته شد مطابق آیه قرآن، مردان بر زنان قیومت دارند. چیزی که از آیه فهمیده می‌شود این است که: زنان قطعاً نمی‌توانند گوشی همسرانشان را بررسی کنند؛ اما اینکه مرد به دلیلی که رئیس خانواده است و اگر مصلحت خانواده به خطر بیفتد می‌تواند گوشی زنش را بررسی کند یا نه؟ با توجه به اینکه حریم خصوصی زن است، زوج بدون رضایت زوجه نمی‌تواند گوشی وی را بررسی کند؛ ولی از باب قوامیت، می‌تواند چنین کند. در تزامم این مورد با توجه به حسن معاشرت و نیز از باب قاعده طیب نفس، نمی‌تواند گوشی زنش را بررسی کند و به طریق اولی زن حق چنین کاری را ندارد.

مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، مدگرایی، چشم و هم‌چشمی‌های بی‌مورد را می‌توان از دیگر آسیب‌های مجای برشمرد. از آنجایی که نقه زن در اسلام و حقوق مشخص شده است؛ اما زیادی خواهی‌های زنان و ازسوی دیگر وضعیت اقتصادی، دست‌به‌دست هم می‌دهند تا کانون خانواده دچار تزلزل شود. با تبلیغات شبکه‌های مجازی و خودنمایی سیلیبرتی‌ها، تمایل به خرید و جراحی‌ها و غیرزوجین (خصوصاً زنان)؛ چرا که زنان تمایل دارند در زیبایی از بقیه بهتر و بیشتر دیده شوند و زوج نمی‌تواند خواسته‌های او

را برآورده کند، در خود احساس شرمساری می‌کنند. گاهی هم زوجین با دیدن این زنان و مردان زیبا و مقایسه آنان با همسرانشان، از زندگی دلسرد می‌شوند و یا دست به اقدام‌های غیراخلاقی مثل سرقت می‌زنند تا بتوانند همانندسازی کنند.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، عزت‌اله؛ عدلی پور، صمد، میرمحمدتبار، سیداحمد و ابوترابی، فاطمه (۱۳۹۴)، تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز، *توسعه اجتماعی*، ۹(۴)، صص. ۱۰۷-۱۳۴.
- استراس، آنسلم (۱۳۹۳)، *اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی)*؛ ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورعبدالله، کبری و جلیل‌زاده، سمانه (۱۳۹۳)، حل تراحم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، شماره ۱۷، صص ۳۵-۴۸.
- جهرمی، اکبرزاده و دیگران (۱۳۹۸)، نقش اینستاگرام در مدیریت بدن زنان؛ مطالعه موردی: زنان مناطق یک و بیست تهران، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۷-۷۹.
- حاج محمدی، فرشته و حاج محمدی، سمیرا (۱۳۹۶)، تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده، *اخلاق*، ۷(۲۸) (پیاپی ۵۰)، صص. ۲۰۹-۲۲۴.
- حراملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت.
- خدامرادی، طاهره؛ سعادت، فرحناز، خدامرادی، طیبه (۱۳۹۲)، بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)، *فصلنامه علمی فرهنگ ایلام*، ۱۵(۴۴ و ۴۵)، صص. ۱۵۵-۱۶۷.

رستمی، فهیمه و دیگران (۱۳۸۹)، فضای مجازی و تأثیرات آن بر خانواده، بهروز، شماره ۲۹.
رضوی زاده، سیدنورالدین (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی
روستایی، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳۱.
زمانی زارچی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۸)، خیانت زناشویی: کاوشی در دیدگاه‌ها،
عوامل و پیامدها، رویش روان‌شناسی، سال ۸، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۷.
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم:
مؤسسه معارف السلامیه.

طالبی دلیر، معصومه (۱۳۹۳)، رسانه و مصرف‌گرایی، رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم
انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳،
صص ۱۲۳-۱۵۰.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
مؤمنی جاوید، مهرآور و شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۰)، دیدگاه‌های نظری خیانت
زناشویی و بهبود روابط/ با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای. تهران: انتشارات
آوای نور.

نوری، حسن (بی‌تا)، مستدرک الوسائل، بی‌جا: بی‌نا

منابع خارجی

Brown, E. (2001), *Patterns of infidelity bad their treatment*, New York: Brunner Mazel.

سایت اینترنتی

www.saafi.com

اعتبار اسناد الکترونیک به عنوان ادله اثبات دعوا در دعاوی زوجین

زهرا رحیمی^۱

زهرا طاهری پور^۲

چکیده

قانون مدنی در مبحث دلایل اثبات دعوا در ماده ۲۵۸، اسناد کتبی را به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا برشمرده و همچنین در ماده ۱۲۸۴ این قانون، سند را محصور به «نوشته» کرده است. از سویی دیگر استفاده مداوم از این نوع ابزارها سبب شده است تا قانونگذار با وضع قانون تجارت الکترونیک ایران کام مهمی بر ایجاد مراودات و ارتباطات از طریق این دسته از ابزارها بردارد. لکن در بسیاری از موارد سکوت کرده است. یکی از خلأهای موجود، سکوت در حوزه خانواده است. در مطالعات پیشین به استفاده از ابزارهای مدرن در دعاوی کیفری و مدنی پرداخته شده است. محور اصلی این پژوهش به وضعیت استفاده از ابزارهای مدرن با نگاهی حقوقی به عنوان ادله اثبات در دعاوی زوجین می باشد، که به واسطه آن اعتبار و جاهت قانونی ابزارهای مدرن در مقابل اسناد سنتی در دادگاه های حقوقی را به اثبات رساندیم و به تبیین قابلیت استناد زوجین به این ابزارها (پیامک، پست الکترونیک، فیلم، صدای ضبط شده، نماگرفت و...) پرداختیم و دریافتیم که اسناد الکترونیک می توانند به مراتب عملکردی بهتر و کارآمدتری نسبت به اسناد سنتی داشته باشند. همچنین مواردی از آراء قضائی را ذکر نمودیم که قضات حوزه خانواده در دعاوی زوجین به این ابزارها به عنوان سند معتبر و دلیلی محکم استناد کرده اند.

واژگان کلیدی

اسناد جدید، الکترونیک و دیجیتال، دعاوی زوجین، ادله اثبات دعوا، علم قاضی.

Rahro.daily@gmail.com

taheripour@refah.ac.ir

۱- کارشناس ارشد رشته حقوق خانواده (نویسنده مسئول)

۲- عضو هیئت علمی دانشکده رفاه، تهران، ایران

۱- مقدمه

امروزه مسئله استفاده از ابزارهای الکترونیک جایگاه ویژه‌ای در زندگی روزمره انسان‌ها دارد. بهره‌گیری از فضای مجازی به‌طور مداوم سبک جدیدی از ارتباطات را برای دسترسی آسان انسان‌ها با یکدیگر رقم زده است. بر اساس ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، دلایل اثبات دعوا از این قرار است: «۱- اقرار، ۲- اسناد کتبی، ۳- شهادت، ۴- امارات، ۵- قسم». در موارد اشاره‌شده ماده قانونی فوق کتبی بودن سند را مدنظر قرار داده است و در تعریف سند به‌صراحت از لفظ «نوشته» استفاده کرده است؛ اما مقایسه اسناد سنتی و اسناد الکترونیک این امر را روشن می‌سازد، هر آنچه را که بتوان به‌عنوان کارکرد اسناد سنتی در نظر گرفت، دقیقاً و یا حتی به‌شکلی بهتر از آن، اسناد الکترونیک تأمین می‌نمایند و همانند سایر دلایل از قابلیت استناد برخوردار بوده و حتی طرفین می‌توانند با ادعای جعل و یا انکار و تردید به اصالت این اسناد اعتراض نمایند. در این پژوهش به بررسی اینکه که اولاً آیا این نوع ادله در حقوق ایران به‌ویژه دادگاه خانواده صرفاً به‌عنوان اماره پذیرفته می‌شود یا اینکه به‌عنوان یک دلیل مستقل است؟ ثانیاً مطالب و داده‌ها اعم از ثبت تصویر مانند نماگرفت (اسکرین‌شات) یا استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند واتساپ، تلگرام، آیا می‌توانند به‌تنهایی به‌عنوان ادله الکترونیک به حساب آیند یا خیر؟

پدیده فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و اینترنت آن‌چنان با جنبه‌های مختلف زندگی بشری درآمیخته که دیگر تصور دنیای بدون آن امری مشکل است. دراین‌میان قواعد دادرسی نیز از آثار اینترنت بی‌نصیب نبوده است. با عنایت به اینکه داده‌های مندرج در اینترنت و دنیای مجازی می‌تواند در صورتی که صحت انتساب آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی اثبات شود، به‌عنوان ادله در دعاوی مطرح گردد، اهمیت و ضرورت بررسی جامع اسناد الکترونیک مشخص می‌گردد. قانون ایران تعریفی از سند رسمی الکترونیکی نکرده است و جهت تعریف آن باید به تفسیر مقررات سنتی ناظر به اسناد کاغذی مراجعه کرد. برخلاف قانون‌گذار کشورمان، قانون‌گذار اتحادیه اروپایی سند رسمی را تعریف نموده

است و حقوق‌دانان و قانون‌گذاران این کشورها هوشمندانه با مبنا قرار دادن زمینه الکترونیکی، استفاده از سند را محدود به اسناد تجاری نموده‌اند (منصوری، ۱۳۹۷، ص ۷). با مطالعه و مذاقه در آراء قضائی موجود، اعتبار این نوع اسناد و به‌کارگیری آن‌ها در دادگاه‌ها توسط قضات را به اثبات رساندیم، اما به‌نظر می‌رسد با توجه به سکوت قانون‌گذار در حوزه اسناد الکترونیک به‌عنوان ادله اثبات دعوا خصوصاً دعاوی زوجین، زمینه‌های مناسبی جهت قانون‌گذاری و تسهیل روند شکایات زوجین از این طریق در دادگاه‌ها صورت پذیرد.

۲- ماهیت اسناد الکترونیک

سند الکترونیکی عبارت از داده پیامی است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. قانون‌گذار ایران با تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲ و قابل پذیرش اعلام نمودن «داده پیام» به‌عنوان «دلیل» در مفهوم عام آن و نیز در حکم «نوشته» دانستن داده پیام و همچنین با تسری دادن مزایای اسناد رسمی به «داده پیام‌های مطمئن»، تحول بزرگی در کمک به گسترش تجارت الکترونیک و انقلابی در بحث آیین دادرسی را رقم زد. تردیدی نیست که با افزایش استفاده از وسایل الکترونیک در معاملات و معاملات فیما بین اشخاص، احتمال بروز اختلاف بین آنها و در نتیجه اهمیت داده پیام‌های ردوبدل شده در اثبات ادعاهای آنها افزایش می‌یابد. قانون‌گذار علی‌رغم اعلام قابلیت پذیرش داده پیام در محاکم، اساساً تعریفی از سند الکترونیک ارائه نکرده است (ادیب، ۱۳۹۴، صص ۸۱-۹۱).

اسناد الکترونیک اسنادی است که از طریق واسطه‌های الکترونیکی ایجاد می‌شوند. بند هفت از ماده ۲ قانون یکنواخت مبادلات الکترونیکی ایالات متحده آمریکا، سند الکترونیکی را «سند تولید، ارسال، مبادله و یا ذخیره‌شده از طریق وسایل الکترونیک دانسته است»، با استفاده از این تعریف و تعریف ارائه‌شده در قانون مدنی ایران، می‌توان سند الکترونیک را این‌گونه تعریف کرد: «سند الکترونیکی عبارت است از نوشته‌ای که از طریق وسایل الکترونیکی تولید، ارسال، دریافت و ذخیره‌شده و در مقام دعوی با دفاع قابل استناد باشد». همچنین در مقالات علمی دیگر چنین آورده‌اند که مجموعه‌ای از اطلاعات نامگذاری‌شده که به‌عنوان یک واحد بر روی یک رسانه ذخیره‌سازی جانبی مانند دیسک

ذخیره شده باشند و فایل‌ها شامل داده و برنامه هستند که دسترسی به آنها به صورت مستقیم و از راه دور امکان‌پذیر است و به بیانی دیگر اسناد دیجیتال به اشیا‌یی که از ابتدا به کمک رایانه ایجاد شده‌اند یا در یک مرحله از چرخه عمر خود به نوع دیجیتال درآمده‌اند اطلاق می‌شود. با توجه به تعاریف ارائه شده چنین استنباط می‌شود که اسناد الکترونیکی همانند اسناد سنتی می‌باشند با این تفاوت که اسناد الکترونیکی تنها در قالب الکترونیکی بر روی لوح فشرده یا از طریق وب تولید یا منتقل می‌شود. در واقع می‌توان گفت اسناد الکترونیکی فرایندی است که از طریق شبکه‌های الکترونیکی تولید، منتشر و توزیع می‌شوند و در مجموع می‌توان اسناد الکترونیکی را مدارکی خواند که اغلب ویژگی‌های اسناد سنتی را حفظ کردند و با عنوانی مشخص و منظم به صورت الکترونیکی تولید، نگهداری و توزیع می‌شوند و علاوه بر آن قابلیت‌های جستجو، بازیابی، چاپ، ذخیره‌سازی اطلاعات را به شکلی صحیح و سریع به دست کاربران متعدد می‌دهند و همواره به روز می‌باشند (عسگریان و علیپور اقدم و بشیری، ۱۳۹۷، ص ۴).

۳- اسناد الکترونیک به عنوان ادله در دادگاه‌های بین‌المللی

اصول حقوقی حاکم بر اسناد الکترونیکی در قوانین کشورهای مختلف غالباً یکسان هستند، تفاوت‌های موجود عمدتاً در زمینه قواعد آمره و مقررات راجع به حاکمیت کشورهاست. قوانین آنسیترال تأثیر بسیاری در این هماهنگی داشته است. قانون‌گذار در تدوین قانون تجارت الکترونیکی ایران از قانون نمونه تجارت الکترونیکی ۱۹۹۶، قانون نمونه امضای الکترونیکی ۲۰۰۱ و دستورالعمل‌های شورای اروپا بهره برده است؛ اما در نهایت این قانون تا حدی بومی‌سازی شده و همچنین مجموعه‌ای از قوانین غیرتجاری را در خود جای داده، لذا نامگذاری قانون تجارت الکترونیکی ایران صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در این قانون مجموعه‌ای از قوانین مختلف وجود دارد و می‌توان این‌طور استنباط کرد که قانون‌گذار ایران عمداً در ماده ۱ قلمرو شمول قوانین مانند ماده ۱ قانون نمونه تجارت الکترونیکی به جای اصطلاح معامله، مبادله را به کار برده است، لذا قانون‌گذار ایرانی خواسته است که تنها قانون الکترونیکی کشور موارد غیرتجاری را نیز

دربگیرد؛ اما باید اشاره کرد که قانون تجارت الکترونیک که گاهی اصول حاکم بر اسناد الکترونیکی را به طور نسبی مورد پذیرش قرار داده و از این جهت بیشتر به رویه دستورات عمل‌های شورای اروپا نزدیک است؛ زیرا چنین رویه‌ای در قانون نمونه آنسیترال دیده نمی‌شود و این نوع روش برای کشوری که مراحل اولیه تجارت الکترونیک را طی می‌کند، می‌تواند مانع از پیشرفت تجارت الکترونیک شود (پورمحمد گلزاری نوبر و مکرمی، ۱۳۹۳، صص ۶۷-۱۹).

در ایالات متحده آمریکا، دادگاه فدرال این کشور به ایجاد دادگاه الکترونیکی اقدام کرده است. دادگاه الکترونیکی شبکه‌ای ایجاد شده، مبتنی بر وب است که دادگاه فدرال از آن به عنوان یک جلسه واقعی دادرسی به صورت برخط استفاده می‌کند. در استرالیا، دادگاه فدرال کشور به تأسیس دادگاه الکترونیکی اقدام کرده است که مشابه است با آنچه که در ایالات متحده آمریکا ایجاد شده است. ایجاد این شعبه‌ها به منظور مدیریت مسائل مرتبط به پیش از دادرسی است، به طوری که تحقق دستورها و خواسته‌های طرفین را به صورت برخط اجاره می‌دهد. این دادگاه‌ها می‌تواند دادخواست، لوایح، ادله و دیگر درخواست‌های طرفین را همسان با دادگاه‌های معمولی دریافت دارند.^۱ همچنین کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۵ با برپا داشتن همایش‌هایی طرح امکان پذیرش ادله الکترونیک در دادگاه را^۲ بررسی کرده‌اند. هدف از برپایی این همایش‌ها، روشن شدن تکلیف دادگاه هنگام روبرو شدن با موضوع ارائه ادله الکترونیک، معرفی شده است. از مطالب پیشین دانستیم مقررات حاکم بر ادله الکترونیک تا حدود بسیاری همان اصول و قواعد حاکم بر ادله سنتی است؛ اما به دلیل شرایط ویژه این‌گونه دلیل، بررسی و وضعیت و کیفیت ارائه آنها به عنوان معادل و یا جایگزینی برای ادله سنتی مهم به نظر می‌رسد.

همان‌طور که گفتیم یکی از ادله که می‌تواند در قالب داده پیام تحقق یابد یا به شکل الکترونیک ارائه گردد، دلیل نوشتاری (سند) می‌باشد. لزوم ارائه نوع الکترونیکی سند در

1. The Official Website of Federal Court of Australia
2. The admissibility of electronic evidence in court (A.E.E.C) project

جایی بارز خواهد بود که این شکل از دلیل حاوی اطلاعاتی باشد که صنعت چاپی از آن نتواند دربرگیرنده همه آنها باشد و یا اینکه اصلاً اطلاعات الکتریکی نتواند بر روی کاغذ چاپ شود. بر همین اساس در پرونده ریچمن علیه انتشارات لایف تورنتو به سال ۱۹۸۸، باوجود اینکه خوانده صورت اطلاعات استنادی خویش را ارائه داده بود؛ خواهان بر کپی الکترونیکی از سند اصرار می‌ورزید؛ زیرا اصل سند یا کپی الکترونیکی آن جزئیات بیشتری نسبت به کپی کاغذی دربرداشت. دادرس این پرونده نیز به خاطر اینکه حافظه رایانه تعریف گسترده‌تری نسبت به سند کاغذی دارد؛ صرف ارائه صورت اطلاعات را کافی ندانست (Gahtan, 2000, p1).

بخش دوم ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک فیلیپینی نیز از قابلیت ارائه و پذیرش سند الکترونیکی صحبت می‌کند و می‌گوید: «سند الکترونیک به‌عنوان دلیل در صورتی قابل ارائه و پذیرش در دادگاه را دارد که مطابق با مقررات مرتبط با قابلیت پذیرش دلیل مقرر در قانون آیین دادرسی کشور تنظیم شده باشد».

۴- اسناد الکترونیک به‌عنوان ادله در دادگاه‌های ایران

در ایران نیز به‌منظور به‌رسمیت شناختن تسهیلات جدید ارتباطی در امر تجارت و یا به‌عبارت‌بهرتر در خصوص مبادلات تجاری ملی و بین‌المللی قانونی تحت عنوان قانون تجارت الکترونیک به تصویب رسیده است که در آن قراردادهای منعقد شده از طریق واسطه‌های الکترونیکی، اسناد و ادله الکترونیکی، امضای الکترونیک به‌رسمیت شناخته شده است. در حقوق ایران، درخصوص ادله الکترونیک مقررات چندانی نمی‌توان یافت و به‌جز مقررات تازه تصویب‌شده قانون جرائم رایانه‌ای و به‌ویژه در مورد دعاوی مدنی و تجاری، هرچه هست، همان‌هایی است که در قانون تجارت الکترونیکی آمده است. مطلب مهمی که در همین‌جا باید بدان پرداخته شود این است که برخی بر این باورند که قانون تجارت الکترونیک ایران بر منع یا امکان بازسازی عملیات قضائی در محیط الکترونیکی

تصریحی ندارد. تنها مستفاد از مواد ۶ و ۷ این قانون که نوشته و امضای الکترونیکی را معادل نوشته و امضای دستی دانسته است می‌توان گفت: هرکجا اجرای تشریفات قانونی با مکتوب یا امضاء شدن متنی ملازمه داشته باشد، تأمین این تشریفات در محیط الکترونیکی نیز امکان‌پذیر است و هرکجا ضوابط قانونی بر لزوم مواجهه حضوری اصحاب دعوا با دادرسی و امثال آن دلالت داشته باشد؛ مانند برگزاری جلسات رسیدگی، استماع شهادت، ادای سوگند و... به دلیل سکوت قانون تجارت و عدم تخصیص مقررات دادرسی، امکان معادل‌سازی تشریفات قانونی در محیط الکترونیک وجود ندارد؛ ولی، در پاسخ باید گفت استدلال به کار گرفته شده با ماده ۱۲ قانون مزبور هماهنگ نیست؛ زیرا حکم مقرر در این ماده به صراحت همه نوع دلیل الکترونیک، از سند گرفته تا سوگند را دربرمی‌گیرد و به لحاظ اذن برای ارائه آن نیز به دادگاه می‌باشد. از طرف دیگر، اینکه مثلاً برخی از دلایل آن هم در برخی اشکال آنها، امکان تحقق فعلی و یا ارائه در دادگاه‌ها را ندارند؛ به دلیل وضع کنونی تجهیزات موجود در این مکان‌هاست نه از جهت عدم امکان تحقق و معادل‌سازی تشریفات. به دیگر سخن، عدم امکان ارائه برخی از دلایل به خاطر نبود تجهیزاتی برای ارائه آنها به دادگاه می‌باشد نه ممکن‌نشدن پیدایش ماهیت حقوقی آنها از لحاظ قانونی. هنگامی که تجهیزاتی برای ارائه شهادت الکترونیک در دادگاه موجود نیست چطور می‌توان انتظار داشت این دلیل چه در قالب ابزارهای نگهدارنده اطلاعات الکترونیک و چه به صورت برخط به دادگاه ارائه شود؟

جدای از همه این‌ها، قانون تجارت الکترونیک ایران با همه بضاعت خویش گنجایش طرح همه مباحث پیچیده مربوط به دنیای الکترونیک را ندارد. بر همین اساس است که مثلاً در خصوص ادله الکترونیک مقرراتی خاص در این زمینه وضع شده است. به هر حال چنانچه یکی از دو سوی دعوا بخواهند دلیل الکترونیک به دادگاه ارائه دهند، چاره‌ای جز استناد به اصول کلی سنتی که در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی تجسم یافته‌اند؛ باقی نمی‌ماند. ما نیز با همین اصول و قواعد به بررسی موضوع ارائه ادله الکترونیک و مسائل مرتبط با آن می‌پردازیم.

البته در ایران اخیراً با ایجاد سیستم مدیریت پرونده گام‌های نخستین برای ایجاد

دادگاه‌های الکترونیک و تحقق دادرسی الکترونیک برداشته شده است. این سیستم امکان ارائه دادخواست و اصلاح آن، ارائه لایحه و پیگیری شکایت، ابلاغ وقت دادرسی و ابلاغ رأی را فراهم کرده است (محمدی و میری، ۱۳۸۱، صص ۱۶۲-۱۶۴).

۵- کارکردهای اساسی سند الکترونیک در مقایسه با سند سنتی (کاغذی)

۵-۱- قابلیت خوانده شدن

اسناد الکترونیک نیز از طریق واسط‌ها و نرم‌افزارهای خاص خود قابلیت خوانده شدن دارند. همان‌طور که گفتیم، قابلیت خوانده شدن یکی از کارکردهای نوشته می‌باشد. اسناد الکترونیک نیز دقیقاً از همین قابلیت؛ اما به صورت متفاوت از اسناد سنتی برخوردارند.

۵-۲- قابلیت ارائه

اسناد سنتی به راحتی قابل ارائه هستند و به سهولت قابل واگذاری به افراد دیگر و طرف‌های دعوا می‌باشند. اسناد الکترونیک نیز همین‌گونه هستند و شاید حتی بتوان ادعا کرد که جابه‌جایی و قابلیت ارائه اسناد الکترونیکی متنوع‌تر بوده و از نظر نوع حامل روی کاغذ، فلاپی، دیسک، لوح فشرده، حافظه فلش و ... و از نظر نوع رابط مخابراتی از طریق نمابر^۱، پیامک^۲، پیامک چندرسانه‌ای^۳، ان‌اف‌سی^۴، بلوتوث^۵، مادون قرمز^۶، رایانامه^۷ و ... به دیگری قابل انتقال یا ارائه است. داده پیام‌ها را می‌توان از طریق نمابر یا رایانامه با سرعت و سهولت بسیار زیاد به هر نقطه از دنیا و به تعداد دلخواه انتقال داده و در آنجا به راحتی از آن نسخه چاپی^۸ تهیه کرد (ادیب، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

1. Fax
2. SMS (Short Message Service)
3. MMS (Multi Media Short Message)
4. NFC (Near Field Communication)
5. Bluetooth
6. Infrared
7. Email
8. Print

۳-۵- قابلیت دوام

شاید بتوان ادعا کرد که قابلیت دوام اسناد الکترونیک حتی از نوشته‌های سنتی بیشتر است؛ چرا که نوشته سنتی ممکن است تنها یک یا چند نسخه بوده و نحوه نگهداری و ذخیره آن یک روش بیشتر نیست؛ ولی اسناد الکترونیک را به راحتی می‌توان در تعداد بسیار زیاد تکثیر کرده و در حامل‌های متنوع (فلپی دیسک، لوح فشرده، حافظه فلش و...) نگهداری یا در پایگاه‌های داده^۱ جهانی بسیار مطمئن ذخیره و الی‌الابد نگهداری کرد.

۴-۵- قابلیت انتساب

در اسناد سنتی می‌توان نویسنده را از طریق امضاء و اثر انگشت و یا از طریق کارشناسی خط، شناسایی نمود. در اسناد الکترونیک نیز می‌توان از طریق دفاتر گواهی امضاء الکترونیک انتساب سند الکترونیک به شخص اصل‌ساز را احراز نمود.

۵-۵- قابلیت عدم تغییر

نوشته باید به گونه‌ای باشد که طرفین، یا شخص ثالث نتوانند در آن تغییری ایجاد نمایند. در اسناد سنتی تغییر در متن به راحتی قابل تشخیص است. امروزه در خصوص حفاظت از اسناد الکترونیک در برابر دستکاری و جعل نیز روش‌های امنی به وجود آمده است از جمله اینکه می‌توان یک فایل را «فقط قابل خواندن»^۲ تعریف و تعیین کرد تا اجازه دستکاری را محدود نماید.

از مجموع مطالب گفته شده چنین می‌توان نتیجه گرفت که اسناد الکترونیک تمام کارکردهایی را که انتظار می‌رود سند سنتی برآورده نماید داراست و از این حسن تنها چیزی کم از مستند سنتی ندارد، بلکه شاید بتوان ادعا نمود از قابلیت‌هایی به مراتب بهتر از صنعت سنتی برخوردار بوده و تنها وجه تمایز آن در این است که شیوه نگارش را

1. Database
2. Read-Only

به شکل مطلوبی تغییر داده و بهبود بخشیده است.

۶- امکان تعرض نسبت به اسناد الکترونیک

در این قسمت به تعرضاتی که ممکن است به یک سند الکترونیک بشود اعم از ادعای جعل و ادعای انکار و تردید اشاره خواهیم کرد.

۶-۱- ادعای جعل

معنای لغوی جعل یا تزویر این طور بیان شده است: «دگرگون کردن، منقلب نمودن، ساختن، ایجاد کردن و...» (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳). قانون مجازات اسلامی آن را به دو دسته جعل مادی و جعل مفادی (معنوی) تقسیم نموده است.

مطابق ماده ۱۵ (ق.ت.ا.ا.) نسبت به داده پیام، امضاء و سوابق الکترونیک مطمئن تنها ادعای جعل می توان داشت. هر یک از طرفین که سندی رسمی یا عادی علیه او ابراز شده (خواه سند منتسب به او یا دیگری باشد) و بخواهد نسبت به اصالت آن تعرض نماید می تواند این امر را به صورت ادعای جعل مطرح کند؛ زیرا دعای جعل هم نسبت به اسناد رسمی و هم نسبت به اسناد عادی شنیده می شود (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

۶-۲- جعل مادی

ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی جعل مادی را چنین بیان می دارد: «جعل مادی عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن، یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب».

آنچه حائز اهمیت است این است که در محیط الکترونیکی واژه هایی همچون خدشه، تراشیدگی و قلم خوردگی بی معناست و مدعی جعل باید جعل را متناسب با فضای الکترونیک اثبات کند. ادعای جعل، هم در مورد دلایل الکترونیکی عادی و هم در مورد دلایل الکترونیکی مطمئن می تواند مطرح شود. تفاوت ادعای جعل با اظهار انکار و تردید

آن است که در ادعای جعل خوانده می‌پذیرد که امضاء و خط سند شبیه و حتی منطبق با خط و امضای اوست؛ اما ادعا می‌کند که شبیه خط و امضای او را ساخته‌اند یا عبارتی از متن را افزوده و یا کاسته و یا تغییر داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۳۲۵).

۶-۳- جعل مفادی

در ماده ۵۳۴ (ق.م.ا.) چنین آمده است: «هر یک از کارکنان ادارات دولتی... مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند...». آن چنان که از مفاد ماده به دست می‌آید قانون‌گذار برخلاف ماده ۵۲۳ در این ماده به شرح جعل مفادی می‌پردازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۵۶۶).

بنابراین طرفی که سند سنتی علیه او ابراز شده ادعا می‌نماید که یکی از اعمال مذکور که جعل شمرده می‌شود در سند صورت گرفته است؛ اما در اسناد الکترونیک به لحاظ ساختار ویژه آن در قیاس با اسناد سنتی، تحقق جعل مبتنی بر برخی از موارد فوق چندان موضوعیت ندارد. درمقابل برخی موارد جعل تنها در مورد اسناد رایانه‌ای قابلیت ارتکاب دارد، باید مورد اشاره قرار گیرد؛ به عنوان مثال خراشیدن یا تراشیدن نسبت به داده پیام‌هایی که به روی صفحات کاغذی منتقل نشده‌اند محقق نمی‌گردد، درحالی‌که برخی موارد نظیر توقف داده پیام مختص اسناد رایانه‌ای می‌باشد که در ماده مذکور تعیین نشده است. بدین لحاظ قانون‌گذار در ق.ت.ا.ا به ارائه تعریف جدیدی از جعل که ویژه اسناد رایانه می‌باشد، پرداخته است.

۶-۴- ادعای انکار و تردید

انکار در لغت به معنای حاشا کردن و اظهار ناآشنایی آمده است. چنانچه کسی که سند علیه او ارائه می‌شود امضا ذیل سند و یا اثر انگشت و یا مهر منتسب به او را قبول نکند و حاشا نماید عمل او را انکار سند و یا تکذیب سند گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۲۳). در ماده ۲۱۶ (ق.آ.د.م) آمده است: «کسی که علیه او سند غیررسمی ابراز شود

می‌تواند خط یا مهر یا امضا و یا اثر انگشت منتسب به خود را انکار نماید و احکام مکرر او مترتب می‌گردد و اگر سند ابرازی منتسب به شخص او نباشد می‌تواند تردید کند». همان‌طور که از طریق ادعای جعل می‌توان به اصالت سند ارائه شده توسط طرف دعوا تعرض نمود مطابق ماده فوق می‌توان با ادعای انکار و تردید، سند عادی مثبت ادعای طرف را مورد حمله قرار داد.

تردید در لغت به معنای، رد کردن، بازگردانیدن و دودله بودن آمده است (عمید، ۱۳۰۸، ص ۶۱). هر یک از اصحاب دعوا ممکن است سندی را مورد استناد قرار دهند که منتسب به طرف مقابل اوست. منتسب‌الیه می‌تواند نسبت به سند مورد نظر انکار نماید تا بدین ترتیب سند مزبور را مورد تعرض قرار دهد. انکار به مفهوم اعلام منتسب‌الیه به رد تعلق خط یا مهر، امضا و یا اثر انگشت سند غیررسمی به خود می‌باشد (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲). ممکن است سند مورد استناد به شخص دیگری غیر از طرف دعوا منتسب باشد در این صورت شخصی که سند علیه او مورد استناد قرار گرفته است، می‌تواند نسبت به آن تردید نماید. تردید اعلام رد تعلق خط یا مهر امضا یا اثر انگشت سند غیررسمی به منتسب‌الیه توسط دیگری است. انکار و تردید در اسناد الکترونیکی نیز به صورت رد انتصاب امضای الکترونیکی ذیل سند تحقق می‌یابد.

به‌هرحال برخلاف جعل در اسناد رایانه‌ای، قانون‌گذار در قانون تجارت الکترونیک به‌طور مجزا به ارائه تعریف جدیدی از انکار و تردید نپرداخته است، لذا اسناد رایانه‌ای از حیث انکار و تردید تحت شمول مقررات راجع به اسناد سنتی می‌باشد. در پی انکار و تردید یا ادعای جعل نسبت به سند سنتی و صدور قرار رسیدگی به اصالت آن، رسیدگی دادگاه به‌سوی تشخیص اصالت سند هدایت می‌شود. در قانون جدید راه‌های رسیدگی به اصالت سند در مواد ۲۲۳-۲۲۴ و ۲۲۶ پیش‌بینی شده است و در این خصوص تفاوتی بین نوع تعرض وجود ندارد.

۷- امکان تعارض اسناد الکترونیک با سایر ادله‌ها

۷-۱- تعارض با اقرار

قانون‌گذار در ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی لفظ خاصی را که دلالت بر اقرار نماید، مشخص و معین ننموده است. همچنین قالب و شکل ویژه‌ای را جهت وقوع اقرار متذکر نشده است، آن‌چنان‌که حتی اشاره شخص لال را وفق ماده ۱۲۶۱ قانون مدنی دال بر اقرار می‌داند؛ بنابراین پُر واضح است که قالب برای تحقق اقرار موضوعیت ندارد و به‌هیچ‌وجه مدنظر قانون‌گذار نمی‌باشد. آنچه که حائز اهمیت است ماهیت اقرار است، در این صورت اخبار به ضرر مقر و به نفع دیگری اقرار است، اعم از اینکه شفاهی یا الکترونیک باشد. شهادت کتبی است؛ بنابراین اقرار الکترونیک را باید از عداد اقرارهای کتبی دانست که مشمول حکم ماده ۱۲۸۰ قانون مدنی است.

۷-۲- تعارض با شهادت

با عنایت به اینکه شهادت اخباری است که شاهد ادا می‌کند درحالی‌که به زیان خود او نیست و احتمال دارد که مفاد شهادت به سود یکی از طرفین دعوا و زیان دیگری باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۲). می‌توان در محیط مجازی از طریق نامه‌های الکترونیک با یک داده پیام، شهادت را محقق نمود چرا که شهادت الکترونیک نیز ماهیت شهادت سنتی را برآورده می‌سازد؛ بنابراین آثار شهادت را دارد.

۷-۳- تعارض با امارات

مطابق ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی اماره عبارت است از: «اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی، دلیل بر امری شناخته می‌شود». بدیهی است هرگاه پدیده‌ای بنابر ظاهر و سیر طبیعی نشانه وجود واقعی باشد، آن پدیده را در اصطلاح اماره وجود آن واقع می‌نامند. اسناد الکترونیک نیز همانند اسناد سنتی با تأکید بر اصالتشان به‌عنوان سند، از ادله اثبات دعوا می‌باشند و از قابلیت استناد در دعاوی برخوردارند؛ بنابراین ضرورتی ندارد تا برای اینکه قابل استناد باشند آنها در زمره امارات بگنجانیم.

به‌هرحال با عنایت به ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی که اوضاع و احوالی را که، از اقسام امارات برمی‌شمارد به‌نظر می‌رسد که داده پیام‌ها همچنین می‌توانند به‌صورت امارات مورد استناد قرار گیرند به‌ویژه داده پیام‌های فاقد امضاء و یا اسناد الکترونیک فاقد شرایط سندیت که از اقسام اسناد محسوب نمی‌شوند می‌توانند به‌عنوان اوضاع و احوالی که در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شوند، صرفاً از امارات قضایی باشند چرا که در این خصوص قانونی تصویب نشده است (رباطی، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

۷-۴- تعارض با سوگند

سوگند اعلام اراده تشریفاتی است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳) که مطابق ماده ۲۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی باید با لفظ جلاله یا نام خداوند متعال به سایر زبان‌ها ادا گردد، بدین ترتیب باید در محضر دادگاه صورت پذیرد. مؤید این مطلب ماده ۲۸۸ قانون مزبور است که مقرر می‌دارد: «اتیان سوگند باید در جلسه دادرسی رسیدگی‌کننده به دعاوی انجام شود...». بالاین وجود می‌توان بر این نظر بود که لفظ جلاله به‌صورت کتبی هم قابل اداست و اتیان الفاظ مزبور به‌صورت شفاهی در قانون مورد تصریح قرار نگرفته است. همچنین ممکن است تصور شود قانون مزبور در شرایطی که دادگاه‌های مجازی به‌وجود نیامده بودند، تصویب شده است؛ بنابراین با توجه به تأسیس شکل نوینی از محاکم به‌صورت الکترونیک، می‌توان چنین محاکمی را در حکم دادگاه‌های مصرّح در قانون دانسته و ادای سوگند از طریق ابزار الکترونیک را محقق دانست.

۷-۵- تعارض با دلایل سنتی

جهت رفع تعارض بین اسناد الکترونیک و دلایل سنتی، باید با توجه به اینکه اسناد الکترونیک چه در نظام حقوقی ایران و چه در سایر نظام‌های حقوقی، سنخ جدیدی از دلایل نیستند، بلکه شکل جدیدی از اقسام سند موضوع ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی هستند که با شیوه‌های نوین تولید شده‌اند؛ بنابراین تقابل اسناد الکترونیک با ادله دیگر به مانند تقابل اسناد سنتی با سایر ادله باید مورد لحاظ قرار گیرد؛ برای مثال اگر یک سند الکترونیک در تقابل با سند سنتی عادی قرار گیرد، همانند تقابل دو سند سنتی بررسی

خواهند شد و در صورت شناسایی هر دو به عنوان اسناد قابل استناد، مطابق قاعده «اذا تعارضوا تساقطوا»، هم سند الکترونیک و هم سند سنتی عادی ساقط خواهد شد.

۷-۶- تعارض با علم قاضی

قانون‌گذار در ماده ۲۱۱ ق.م.ا به بیان تعریف علم قاضی می‌پردازد و بیان می‌دارد: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود» و پس از بیان تعریف علم قاضی در این ماده به بیان وظیفه قاضی در صورتی که به علم قاضی عمل کرد می‌پردازد و بیان می‌کند: «در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند خود را به‌طور صریح در حکم قید کند».

قانون‌گذار در ماده ۲۱۲ ق.م.ا می‌فرماید: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود».

در خصوص قلمرو اعتبار علم قاضی در حقوق کیفری ایران آمده است: «حاکم شرع می‌تواند در حق‌الله و حق‌الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را نیز ذکر کند. اجرای حد در حق‌الله متوقف به درخواست کسی نیست».

اقتناع وجدان قاضی که در ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به‌صراحت به آن تصریح شده است، اگرچه در قرآن و روایات بر اعتبار آن به‌صراحت اشاره نشده است، ولی از مضمون بعضی از آیات از جمله آیه ۵۸ سوره نساء (اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل) چون حکم بین مردم شدید به عدالت حکم نمایید و نیز روایات بر اعتبار اقتناع وجدانی استناد کرد. چنانچه در قضاوت، به دنبال کشف حقیقت و در راستای آن برقراری عدالت قضائی هستیم، نه صرفاً فصل خصومت، شخص دادرس این اجازه را خواهد داشت که با استفاده از دو اصل اساسی در امر دادرسی، یعنی تحصیل آزادانه دلیل و ارزیابی دلیل، از حالت حصر ادله خارج شده و با توجه به طریقت داشتن ادله، به دلایل استناد شده در امر دادرسی بر اساس وجدان درونی بررسی لازم را

انجام داده، در صورت اقناع وجدانی خصوصاً در امر کیفی که با جان و عرض ناموس مردم در ارتباط است نسبت به صدور حکم اقدام نماید. قانون نمونه آنیسترال مصوبه ۱۹۹۶ در بند ۲ از ماده ۹ خود، بدون تفکیک بین امضای الکترونیکی ساده و مطمئن پیش‌بینی می‌کند که قدرت اثباتی داده‌های الکترونیکی با توجه به میزان اطمینان به روش ایجاد، نگهداری یا مبادله داده‌ها و همچنین با توجه به روش محافظت از تمامیت اطلاعات و نحوه شناسایی فرستنده پیام و سایر ملاحظات مرتبط سنجیده می‌شود. مقررات آنیسترال در واقع با مقررات فوق، تعیین ارزش دلایل الکترونیکی در مقایسه با سایر دلایل را به قاضی سپرده تا با در نظر گرفتن معیارهای فوق در این خصوص تصمیم‌گیری کند (زرکلام، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

در ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک، دست قاضی را در تشخیص ارزش دلایل الکترونیکی ساده در مقایسه با سایر دلایل بازگذاشته است؛ اما در خصوص دلایل الکترونیکی مطمئن قانون تجارت الکترونیک در ماده ۱۴ خود آن را در حکم اسناد معتبر و قابل استناد دانسته و در ماده ۱۵ انکار و تردید را نسبت به آن مسموع ندانسته است. به عبارت دیگر، مقنن از پیش ارزش این‌گونه دلایل را در مقایسه با برخی ادله سنتی اثبات دعوا، نظیر اسناد عادی تعیین کرده است؛ اما چنانچه ادله الکترونیکی مطمئن با اسناد کاغذی در تعارض قرار گیرد، با توجه به سکوت قانون تجارت الکترونیکی، حل این تعارض مسلماً با قاضی است. با توجه به اختیاری که در کشف حقیقت دارد و با عنایت به ماده ۱۳ قانون مذکور در این خصوص تصمیم‌گیری کنند.

از مجموع مطالب گفته شده چنین می‌توان نتیجه گرفت که ادله الکترونیکی دلیل جدید نبوده، بلکه شکل نوینی از ادله می‌باشد، اسناد الکترونیک در مفهوم اعم که شامل شهادت و امارات و اقرار الکترونیک می‌گردد و هم اسناد الکترونیک به مفهوم اخص سنخ جدیدی از ادله نیستند، بلکه هر یک از اقسام همان ادله سنتی می‌گنجد با این تفاوت که به شیوه جدیدی ارائه می‌شوند؛ بنابراین تقابل اسناد الکترونیکی با سایر ادله الکترونیک باید به مانند تقابل ادله سنتی با هم بحث شوند.

۸- جایگاه اسناد الکترونیک در دعاوی زوجین

در این بخش با ارائه دو رأی از آراء قضائی مربوط اسناد الکترونیک (دیجیتال) در اثبات دعاوی زوجین و (در ارتباط با حوزه خانواده) و همچنین تحلیل هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱) رابطه نامشروع از طریق مجازی

رأی دادگاه بدوی

در خصوص اتهام آقای ۱ م.س. فرزند م.، متولد ۱۳۵۸، با وکالت آقای ب.ص. ۲ خانم م.ک. فرزند ص.، متولد ۱۳۵۱، با وکالت آقای م.و. و خانم الف.الف. دایر بر ایجاد رابطه نامشروع دون زنا موضوع کیفرخواست تنظیمی مورخه ۹۱/۱۰/۱۲ داسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ تهران و شکایت اولیه آقای ع.س. فرزند ح.، تولد ۱۳۵۱ که طبق گواهی شماره ۶/۲۴۱۲۹۱۱۶ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۳۵۱ حوزه ثبتی تهران رضایتش را اعلام نموده، از این رو دادگاه با عنایت در محتویات پرونده و توجهاً به پرینت نامه‌های ارسالی طرفین (متهمان) از طریق فیسبوک و اینترنت در اوراق ۵۹ الی ۸۳ پرونده و توجهاً به اقرار ضمنی متهمان مبنی بر اینکه ابتدا در کشور ترکیه با هم آشنا شده‌اند و پس از آن از طریق ارسال نامه‌های الکترونیکی که پرینت آن‌ها ضمیمه پرونده است با هم در ارتباط بودند، بزه انتسابی به متهمان را محرز و ثابت تشخیص و مستنداً با ماده ۶۳۷ از قانون مجازات اسلامی حکم بر محکومیت هر یک از متهمان به تحمل پنجاه ضربه شلاق تعزیری صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض و رسیدگی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۱۵۸ دادگاه عمومی جزایی تهران جعفری

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

در این پرونده آقایان م.و. و الف.الف. وکلای محترم خانم م.ک. به طرفیت آقای م.س. و همچنین آقای ب.ص. وکیل محترم آقای م.س. به طرفیت خانم م.ک. از دادنامه ۹۱/۱۱/۹ -

۹۰۰۹۳۲ شعبه ۱۱۵۸ دادگاه عمومی جزایی تهران در مهلت مقرر قانونی تجدید نظرخواهی نموده است که به موجب دادنامه از جهت جرم رابطه نامشروع حسب ماده استنادی قانونی به مجازات مقرر محکوم گردیده‌اند. حال با توجه به مدارک موجود در صفحه ۵۹ الی ۸۳ بر احراز جرم رابطه نامشروع و تعیین مجازات حسب ماده استنادی قانونی ایرادی وارد نمی‌باشد و مجازات مقرر برای خانم م.ک. با استناد به ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به مدت دو سال تعلیق می‌گردد و در صورت ارتکاب جرایم موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی در مدت تعلیق با رعایت مقررات ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی حکم تعلیق لغو می‌گردد و به این ترتیب طبق بند الف از ماده ۲۵۷ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی تأیید می‌گردد و رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستشار دادگاه - راثی نصیری حیات مقدم

تحلیل رأی: در این پرونده دادگاه بدوی با عنایت به محتویات پرونده و توجه به پرینت نامه‌های ارسالی طرفین (متهمان) از طریق فیسبوک و اینترنت در اوراق پرونده و توجه به اقرارهای طرفین دعوا (متهمان) مبنی بر اینکه ابتدا در کشور ترکیه با هم آشنا شده‌اند و پس از آن از طریق ارسال نامه‌های الکترونیکی که پرینت آن‌ها با هم در ارتباط بودند، بزه انتسابی به متهمان را محرز و ثابت تشخیص و مستنداً با ماده ۶۳۷ از قانون مجازات اسلامی حکم بر محکومیت هر یک از متهمان به تحمل پنجاه ضربه شلاق تعزیری صادر و اعلام می‌نماید و جرم رابطه نامشروع از طریق فیسبوک و ارتباط مجازی نیز قابل تحقق است و در رأی دادگاه تجدیدنظر رابطه نامشروع محرز و رأی دادگاه بدوی را نسبت به مجازات تعیین‌شده تأیید می‌نماید. در این رأی شاهد این هستیم که از طریق سند الکترونیکی چون نامه الکترونیک مانند پست الکترونیک و استفاده از فضای اینترنتی چون فیسبوک، بزه انتسابی به طرفین ثابت می‌گردد و بار دیگر شاهد حضور پُررنگ این دسته از اسناد به عنوان ادله الکترونیک هستیم.

۲) مزاحمت تلفنی توسط زوج یا زوجه

رأی دادگاه بدوی

اتهام آقای ح.، آزاد با قید کفالت، دایر بر توهین، تهدید، مزاحمت تلفنی و ترک نفقه؛ با التفات به محتویات پرونده، شکایت خانم س.، شهادت شهود و پیامک‌های ارسالی و اقرار متهم به شرح کیفرخواست دادسرای تهران ارتکاب بزه محرز است. علی‌هذا دادگاه مستنداً به مواد ۳۷ - ۶۴۱ - ۶۶ - ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی و ۵۲ قانون حمایت خانواده نامبرده را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی به اتهام توهین و ۹۱ روز حبس به اتهام تهدید و ۹۱ روز حبس به اتهام مزاحمت تلفنی و ۴ ماه حبس به اتهام ترک نفقه محکوم می‌نماید. رأی حضوری، ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر است و فقط یکی از مجازات‌ها اجرا می‌گردد.

رئیس شعبه ۱۱۷۸ دادگاه عمومی جزایی تهران - جویباری

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

در این پرونده آقای ح. به طرفیت خانم س. از دادنامه ۱۰۰۰ مورخ ۹۳/۰۹/۲۵ شعبه ۱۱۷۸ دادگاه عمومی جزایی تهران در مهلت مقرر قانونی تجدیدنظرخواهی نموده است که به موجب دادنامه فوق‌الذکر تجدیدنظرخواه از جهت جرایم توهین و تهدید و مزاحمت تلفنی و ترک نفقه به مجازات‌های مقرر حسب مواد استنادی قانونی در دادنامه بدوی محکوم گردیده است. حال با توجه به پیامک‌ها و اظهارات تجدیدنظرخواه جرم توهین محرز و بر تعیین مجازات حسب ماده استنادی قانونی ایرادی وارد نیست. اما جرم مزاحمت تلفنی به این نوع از ارتباط که فی‌مابین طرفین زن و شوهر که با یکدیگر آشنایی و رابطه دارند و مسائل فی‌مابینشان ردوبدل می‌شود مزاحمت تلفنی صادق نبوده و طبق بند یک از قسمت ب از ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی نقض و طبق ماده ۱۷۷ قانون مذکور تبرئه می‌گردد. اما جرم تهدید با عنایت به اینکه بر عناوین مطروح شده صادق نبوده و طبق بند یک از قسمت ب از ماده ۲۵۷ قانون مذکور نقض و طبق ماده مذکور تبرئه می‌گردد. اما جرم ترک نفقه با توجه به

اینکه اقرار کرده که ممانعت از حضور در منزل نموده فی الجمله محرز است و بر تعیین مجازات حسب مواد استنادی قانونی ایرادی وارد نیست و با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد که چهار ماه حبس است قابلیت اجرا را دارد و با این وصف رأی راجع به توهین و ترک نفقه و با اختیار حاصل از تبصره از ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رأی تأیید می‌گردد و رأی قطعی است.

شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - رئیس و مستشار

عبدالعلی قنبری - حمیدرضا طایفی

تحلیل رأی: در این پرونده متهم مردی است که اتهام او توهین، تهدید، مزاحمت تلفنی و ترک نفقه است. دادگاه بدوی با استناد به شهود، پیامک‌های ارسالی و اقرار متهم رأی به ارتکاب بزه توسط متهم را صادر نموده است و حسب مواد ۶۰۸ و ۶۶۱ و ۶۴۱، ۳۷، ۳۸ قانون مجازات اسلامی و ۵۲ قانون حمایت خانواده نام برده را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی به اتهام توهین و ۹۱ روز حبس به اتهام تهدید و ۹۱ روز حبس مزاحمت تلفنی و ۴ ماه حبس به اتهام ترک نفقه محکوم نموده است. لکن رأی دادگاه تجدیدنظر استان بدین‌گونه است که با توجه به پیامک‌ها و اظهارات تجدیدنظرخواه، جرم توهین محرز و بر تعیین مجازات حسب ماده استنادی، ایرادی وارد نیست. بزه مزاحمت تلفنی بین زوج و زوجه محقق نمی‌گردد، بدین‌معنا جرم مزاحمت تلفنی به این نوع از ارتباط که فیما بین زن و شوهر است که با یکدیگر آشنایی و رابطه دارند و مسائلی بین یکدیگر ردوبدل می‌شود، مزاحمت تلفنی صادق نیست و طبق مواد آیین دادرسی رأی نقض می‌گردد؛ اما جرم ترک نفقه و توهین محرز می‌باشد و رأی در این موارد قطعی است. با عنایت به مستندات موجود در رأی؛ که یکی از آنها پیامک‌های ارسالی توسط متهم می‌باشد؛ اما اینکه پیامک‌های ارسالی متهم تا چه اندازه در صدور رأی دخیل بوده است و قاضی محترم آیا رأی صادره خود را با استناد به پیامک‌های ارسالی متهم لحاظ کرده است، به صورت شفاف و صریح مشخص نیست، ولی قطعاً وجود این پیامک‌ها در رأی صادره بی‌تأثیر نبوده است.

از تحلیل آراء قضائی نتیجه گرفته می‌شود قضات با توجه به آنچه که در رویه قضائی اتفاق می‌افتد به دنبال اثبات ادله هستند تا به دادرسی و رسیدگی پرونده‌ها به نحو مطلوب خاتمه دهند؛ اما آنچه که مهم است استفاده همه‌جانبه از اسناد است. حال چه اسناد کاغذی (اسناد سنتی) باشد و چه اسناد الکترونیک (جدید) باشد. با عنایت به اینکه قضات هر کدام با توجه به درجه اعتبار سند رأی نهایی را صادر می‌نمایند؛ اما همچنان در برآیند رأی‌ها شاهد آن بودیم در جایی که اسناد کاغذی متقن‌تر از دلیل الکترونیک باشد قاضی از سند کاغذی به عنوان دلیل مستقل استفاده می‌کند. در جایی دیگر بنابر قاضی دیگر سند کاغذی همان قدر اعتبار دارد که سند جدید معتبر است و در همه اینها به این تحلیل مورد نظر رسیده‌ایم که اقناع وجدان قاضی برای پذیرش سند الکترونیک به عنوان دلیلی متقن و جامع حائز اهمیت است. باید به این نکته نیز اشاره نمود که باید تفکیکی بین آراء حقوقی و کیفری قائل شویم، چرا که با مذاقه در آراء، به وضوح می‌بینیم که قضات نیز نسبت به پرونده‌های حقوقی و کیفری تفکیک قائل می‌شوند و باید گفت که در پرونده‌های حقوقی قضات بیشتر ادله الکترونیک را مورد توجه قرار می‌دهند تا کیفری، چرا که مواجهه قضات در پرونده‌های کیفری طبق قاعده درأ (ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی) و اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی) است؛ اما در پرونده‌های حقوقی مطابق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی امکان تحقیق و بررسی دلایل ابرازی طرفین توسط قاضی امکان‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

نظر به اینکه اسناد الکترونیک، شکل جدیدی از ادله موضوع ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی می‌باشد، قابلیت اسناد در محاکم را به عنوان ادله اثبات دعوا داراست و با عنایت به اینکه مطالب ذکر شده و پذیرفتن این مطلب که اسناد الکترونیک در زمره اسناد موضوع ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی قرار دارد، لذا این اسناد از کلیه ویژگی‌های اسناد سنتی از جمله تعرض نسبت به اصالت آنها دارا می‌باشد، لذا زوجین در تعاملات روزمره خود از وسایل و ابزارهای پیشرفته جدیدی مانند اینترنت، فکس، تلفن و همچنین ابزارهای

کاربردی تلفن همراه مانند پیام‌رسان‌ها، ضبط صدا، نماگرفت (اسکرین‌شات) و ... اقدام به احقاق حقوق خود می‌نمایند؛ اما در پاسخ به این سؤال که آیا اسناد الکترونیک را می‌شود به‌عنوان اماره پذیرفت یا دلیلی مستقل، در توضیح آن باید گفت: در پرونده‌هایی که علم قاضی مؤثر می‌باشد و پذیرفتن تأثیر فیلم و نماگرفت از چت در اثبات جرم بستگی به نظر قاضی دارد، شرایط و اوضاع و احوال توسط قاضی سنجیده می‌شود. همان‌طور که در فوق ذکر نمودیم ممکن است قاضی چنین مسئله‌ای را به‌عنوان یک اماره بپذیرد و ممکن است قبول نکند.

برخلاف تصورات برخی افراد، که متن گفتگو در شبکه‌های اجتماعی را جزو دلایل قابل استناد به‌شمار نمی‌آورند، قانون، «ادله الکترونیک» را به‌رسمیت شناخته است. اگر کسی در این شبکه‌ها از شما سوءاستفاده کند و جرمی واقع شود، باید بدانید تمام این محتواها در دادگاه به‌عنوان دلیلی از شما و علیه شخص تهدیدکننده پذیرفته خواهند شد. دادگاه، با سازوکار مشخصی که توسط کارشناسان حوزه فناوری اجرا خواهد شد، صحت مدارک را بررسی کرده و در صورت تأیید، ملاک و مبنای صدور حکم قرار خواهد گرفت؛ اما مهم‌ترین نکته در این مورد این است که پذیرش ادله الکترونیکی از سوی دادگاه با روش‌های قانونی و توسط کارشناسان خبره در حوزه فضای مجازی (تأیید کارشناسان پلیس فضای مجازی) مورد پذیرش قرار می‌گیرد، وگرنه ممکن است دادگاه آن دلایل را از فرد نپذیرد.

در چنین شرایطی غالب تعاملات روزمره افراد دیگر در قالب سند کاغذی نیست، بلکه سندی است غیرکاغذی (اسناد مدرن) که به کمک وسایل و ابزار الکترونیک تولید می‌شوند. اگرچه برخی از آنها قابلیت تبدیل به سند کاغذی را نیز داراست؛ بنابراین ابزارهای نوری و پیام‌رسان‌ها که ناشی از فناوری اطلاعات می‌باشند، دلیل الکترونیک محسوب می‌گردند، با این تعریف می‌توان یافت که «داده پیام» عنصر اصلی دلیل دیجیتال می‌باشد که پذیرش آن مشروط به اقناع وجدان قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا است.

منابع

قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۸.

منابع فارسی

پورمحمد گلزاری نوبر، مژده؛ مکرمی، علی محمد (۱۳۹۳)، اصول و ویژگی‌های حقوقی حاکم بر اسناد الکترونیکی، تحقیقات حقوقی آزاد، سال هفتم، شماره بیست و چهارم،

صفحه ۶۷ تا ۸۹.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، دوره ۵ جلدی، تهران: کتابخانه گنج دانش.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۱۲۱۱۵.

رباطی، زیبا (۱۳۹۰)، اعتبار اسناد الکترونیک به عنوان ادله اثبات دعوا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد مرکز، رشته حقوق خصوصی.

زرکلام، ستار (۱۳۸۲)، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا، نشریه مدرس، دوره هفتم، شماره ۲۸، صفحه ۳۳.

شمس، عبدالله (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی، بی‌جا: انتشارات دراک.

عسکریان، ناصر، علیپور اقدم، امیررضا، و بشیری، اکبر. (۱۳۹۷). جایگاه اسناد الکترونیکی در حقوق ایران و تجارت بین الملل. کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، اثبات و دلیل اثبات، تهران: میزان.

محمدی، سام؛ میری، حمید (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه؛ اشکال و اعتبار آن، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۰، شماره ۱۷ صفحات ۱۵۱-۱۷۷.

معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، تهران: بی‌نا، صفحه ۱۲۳.

منصوری، محمد (۱۳۹۷)، ارزش اثباتی اسناد الکترونیک در حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره: ۳، شماره: ۲۸، صفحات ۷-۵۹.

منابع انگلیسی

Gahtan, alan (2000), Electronic, EXPERt, Magazine, December/January.

مسئولیت‌های حقوقی در جرم‌زایی جرایم جنسی کودکان در فضای مجازی در نظام حقوقی ایران

محمدهادی رحیمی^۱

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی مسئولیت‌های حقوقی در جرم‌زایی جرایم جنسی کودکان در فضای مجازی در نظام حقوقی ایران می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی تلاش کرده است تا توصیف وضعیت فعلی قوانین و مقررات موجود بر علیه جرایم جنسی کودکان، با بررسی جرم‌انگاری‌های همه‌جانبه و توجه به لایه‌های جدید و نیز آسیب‌های مختلفی که از این زوایا متوجه کودکان می‌شود، به قوانینی جامع و پیشگیرانه در این زمینه دست یابد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دولت‌ها باید پورنوگرافی کودک را چه به صورت تصویری و چه غیرتصویری و چه از طرق پیشنهاد، تسهیل و تمهید و ترغیب جرم‌انگاری نمایند. با وجود این، متأسفانه همچنان شکاف قابل تأملی در قوانین داخلی کشورها با اشکال جدید اذیت و آزار و استعمار جنسی برخط کودکان وجود دارد و باید دولت‌ها اهتمام جدی داشته باشند تا جایی که اقدام افراد در بارگیری یا بارگذاری موارد اذیت و آزار یا در دسترس قرار دادن موارد مذکور نیز جرم‌انگاری و قابلیت تعقیب و پیگرد قانونی باشد. باتوجه به این پژوهش، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نکته قابل تأمل آن است که در نظام حقوقی ما قوانین جزایی متناسب برای پیشگیری از تمام مصادیق سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی وجود ندارد، هرچند که در لایحه حمایت از کودک و نوجوان تا حدودی به آن پرداخته شده است و درخصوص تفکیک دقیق موضوعات و مشخص کردن مجازات نسبت به هر عمل بر مبنای اهمیت جرم، ضعف قانونی در حمایت از بزه‌دیدگی کودک در فضای مجازی تا حدود زیادی مشهود است. لذا وظیفه نهادهای قانونی و نظارتی است تا با شناخت ابعاد و لایه‌های مختلف آسیب‌دیدگی و نیز تعاریف بین‌المللی و تجارب دیگر نظام‌های حقوقی، به جرایم جنسی علیه کودکان ورود کنند و با جرم‌انگاری ابعاد مختلف این پدیده، مشروعیت و ضرورت هزینه‌های اقدام علیه کودکان و حفاظت از آنها را در قوانین تبیین کنند و با روشنگری برای خانواده‌ها و نیز گروه‌های حمایتی از کودکان، زمینه پیشگیری از این جرایم را فراهم کنند.

کلمات کلیدی

مسئولیت حقوقی، جرم‌زایی، جرایم جنسی، فضای مجازی، پیشگیری.

مقدمه

پیشرفت فناوری در فضای مجازی، از جهات مختلف موجبات تسهیل تبادل اطلاعات و ارتباطات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خصوصاً در عرصه بین‌المللی شده است. با وجود این، بهره‌برداری سوء از این فناوری‌های جدید، زمینه‌ساز نقض کرامت و حقوق انسانی، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی می‌باشد؛ در این میان برخی گروه‌ها از جمله کودکان و نوجوانان به‌عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر، بیش از سایر افراد بشر در معرض نقض حقوق بنیادین و آسیب‌های جسمی و روانی قرار دارند. چنانچه رواج برخی پدیده‌های تأسف‌برانگیز مانند مدلینگ کودکان، پورنوگرافی و توریسم جنسی کودک با کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید تسهیل شده است. طی دو دهه اخیر مسئله حمایت از کودکان در فضای مجازی (حمایت برخط از کودکان) و مقابله و پیشگیری با اقسام استثمار و سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان دغدغه بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. به این ترتیب که از یک‌سو، جرم‌انگاری و احصای مسئولیت کیفری و مدنی برای ناقضین حقوق بشر کودکان مانند حق احترام به تمامیت جسمانی و روانی، حق سلامت، حق حریم خصوصی، منع خشونت و استثمار جنسی در فضای مجازی و با استفاده از اینترنت پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر ضرورت آموزش و ارتقای سطح آگاهی افراد خصوصاً کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه مورد تأکید قرار دارد.

این فضای جدید به‌گونه‌ای حقوق جزای سنتی را دستخوش تحولات بنیادی کرده که تعریف از جرایم در محیط‌های مجازی انطباق چندانی با تعاریف کلاسیک نداشته و در بسیاری موارد متفاوت است (حسن‌بیگی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵). همچنین جرایم سایبری به‌اقتضای ویژگی‌های منحصر به فرد خود همچون سهولت ارتکاب جرم، فرامرزی بودن جرم، کم‌سن بودن مجرمان، گستردگی خسارت و کثرت بزه‌دیدگان، ضرورت دقت در فرایند جرم‌انگاری را افزایش داده‌اند. به‌بیانی دیگر می‌توان ادعا کرد جرم‌انگاری از یک فعل یا ترک فعل در فضای سایبر، اقدامی خطیر است که توجه به ویژگی‌ها و عوامل مختلفی را

می‌طلبد، در غیراین صورت نه تنها اهداف جرم‌انگاری محقق نمی‌شود، بلکه اقتدار حقوق کیفری نیز دچار صدمات جبران‌ناپذیر خواهد شد.

جرم‌انگاری کارآمد و مؤثر یکی از دغدغه‌های جدی نظام قانون‌گذاری در هر کشوری است. در صورتی که جرم‌انگاری به صورت غیرکارشناسی و بدون رعایت اصول و قواعد صورت بگیرد، در عمل شاهد خواهیم بود که یا قوانین ناعادلانه فرصت‌ها را برای افراد جامعه محدود می‌کنند و یا قوانین باوجود آنکه پشتوانه کیفری دارند، اعتباری نزد افراد ملت ندارند و توسط افراد آنها اجرا نمی‌شوند و بدین ترتیب علاوه بر اینکه بر شمار قوانین متروک افزوده می‌شود، اقتدار و صلاحیت حقوق کیفری نیز در هم می‌شکند. اصول جرم‌انگاری برای جرایم سایبری را می‌توان به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد.

سؤال اصلی این پژوهش این است که جرم‌انگاری در حوزه جرایم کودکان چه مسئولیت‌های حقوقی را برای خانواده‌ها در فضای مجازی تعریف می‌کند و چه راهکارهای حمایتی - پیشگیرانه‌ای می‌توان برای جلوگیری از آسیب دیدن کودکان و خانواده‌ها در این حوزه ارائه داد؟

۱- جرم‌انگاری در قانون ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم، به تفصیل حقوق و آزادی‌های ملت را برشمرده است که به خوبی نشانگر موضع‌گیری قاطع نظام جمهوری اسلامی در برابر هرگونه خودکامگی قانون‌گذار در امر جرم‌انگاری است. جرم‌انگاری نیز به حکم بداهت و تعیین مجازات، تنها از طریق قانون موضوعه امکان‌پذیر می‌باشد. اصل ۳۶ قانون اساسی بر این مهم تأکید ورزیده است. مطابق این اصل، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالحه و به موجب قانون می‌باشد. سؤال بنیادی در مورد فرایند جرم‌انگاری این است که آیا قانون‌گذاران مجازند با اتکا به قدرت و سلطه رسمی بر افراد جامعه به طور مطلق یک رفتار را جرم محسوب کنند و برای مرتکب رفتار، مجازات در نظر گیرند؟ بی‌شک اگر این فرض پذیرفته شود نفس موقعیت و مقام قانون‌گذار به‌عنوان عامل مشروعیت‌بخش در امر جرم‌انگاری کفایت خواهد کرد. برخی دیدگاه‌های

پوزیتیویستی چنین شائبه‌ای را ایجاد می‌کنند، اما مشروعیت قانون‌گذار با مشروعیت جرم‌انگاری توسط قانون‌گذار دو مقوله مستقل است. شکی نیست که قانون‌گذار باید از طریق قانونی به قدرت رسیده باشد، با این حال رسمیت قانون‌گذار برای مشروعیت بخشی به جرم‌انگاری تنها شرطی لازم است ولی شرطی کافی نیست. اصل ۳۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالحه ثابت گردد؛ بنابراین در مقام جمع بین حقوق افراد و جامعه ابتدا باید در راستای اصول آزادی اباحه و برائت از جرم‌انگاری خودسرانه امتناع ورزید و در آخرین مرحله و در راستای صیانت از نظم و هنجارهای جامعه در برابر صدمه‌زندگان قابل سرزنش از شیوه قهرآمیز جرم‌انگاری و مجازات سود جست».

درواقع جرم‌انگاری اساساً امری خلاف اصل خلاف اصول اباحه و برائت بوده و تنها در موارد خاص یعنی در مواردی که یک رفتار به قدر کافی زیان‌بار و سرزنش‌آمیز باشد مشروعیت خواهد داشت. این امر قانون‌گذاران را از جرم‌انگاری گسترده رفتارها منع می‌کند و آنها را ملزم می‌سازد تا جرم‌انگاری را به مواردی که یک رفتار صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد محدود سازند؛ بنابراین پیش شرط جرم‌انگاری رعایت اصل صدمه و سرزنش است. اگر رفتاری که قانون‌گذار آن را جرم شناخته است به قدر کافی صدمه و سرزنش در پی نداشته باشد حقوق و آزادی‌های افراد جامعه مخدوش خواهد شد و مردم عملاً از دستور قانون‌گذار مبنی بر عدم ارتکاب چنین رفتاری سرپیچی خواهند کرد؛ برای مثال جرم‌انگاری قتل عمدی، کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت قابل توجیه‌اند و از مبنایی مشروعیت بخش بهره می‌برند. جرایم مذکور با هر دو اصل صدمه و سرزنش مطابقت دارند، زیرا از یک سو؛ به امنیت، جان یا مال افراد صدمه وارد می‌سازند و از سوی دیگر تقبیح و سرزنش اخلاقی و اجتماعی را برمی‌انگیزند.

هر چند مشروعیت جرم‌انگاری منوط به سرزنش‌آمیز بودن رفتار و زیان‌بار بودن آن است، اما وزن هر یک از اصول سرزنش و صدمه نزد حقوق‌دانان و مفسران قانون یکسان نیست. قطع نظر از ترجیح یکی از این اصول در فرایند جرم‌انگاری باید به این

مطلب یقین داشت که جرم‌انگاری و مجازات همچون هر نهاد دیگری تنها در جای خود می‌تواند رسالت خویش را ایفا کند و گسترده کردن حدود و ثغور آن موجب پیامدهای نامطلوب دیگری می‌شود. استفاده ابزاری از حقوق کیفری برای ارزش‌گذاری یک مهم در جامعه، نه تنها بی‌اثر است، بلکه موجب پایمال شدن ارزش مورد نظر و لوث‌شدن ابزارهای حقوق کیفری و در مجموع نقض غرض قانون‌گذار می‌شود.

۲- اصول عام جرم‌انگاری در فضای سایبر

۲-۱- اصل مشروعیت جرم‌انگاری

مطابق مبانی فقهی چون مجازات نوعی تصرف در مال جان عضو آزادی و حیثیت دیگری می‌باشد پس نوعی ولایت بر دیگری است و اصل اقتضای آن را دارد که کسی بر دیگری ولایت ندارد، مگر اینکه دلیل قطعی بر آن وجود داشته باشد. این امر قانون‌گذاران را از جرم‌انگاری دلبخواه و گسترده رفتارها منع و آنان را ملزم می‌کند تا جرم‌انگاری را به مواردی محدود سازند که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد. هر جرم‌انگاری نوعی مداخله و ایجاد محدودیت فراروی حقوق و آزادی‌های افراد است، لذا در حقوق کیفری کرامت‌محور که پاسداری از حرمت و کرامت افراد دل‌مشغولی سیاست‌گذاران کیفری است، در هر مورد از جرم‌انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد وجود داشته باشد که بر مفسده ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها چیرگی داشته باشد (شمس‌ناتری، ابوالمعالی و علیزاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۷۲). به عبارت دیگر جرم‌انگاری در مجموع باید مانع افزایش خودمختاری و باعث افزایش حرمت و حیثیت شهروندان گردد (نوبهار، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۳).

در محیط سایبر به اقتضای ویژگی‌های خاص و از جمله سهولت ارتکاب جرم و فرمانرانی آزادی در این فضا، امکان رخ دادن پدیده نامطلوب مجرمانه بیشتر می‌شود، چراکه یکی از ویژگی‌های به‌واقع متمایز و درعین‌حال ارزشمند فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی نسبت به دیگر فناوری‌ها مانند فناوری هسته‌ای زیستی و ریزفناوری، حداقل در برهه کنونی این است که اکثر افراد با حداقل مهارت فنی می‌توانند

از قابلیت‌های متنوع آن استفاده کنند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵). به تبع این امر ارتکاب جرم در محیط سایبر نیز بسیار راحت است. هرکس با داشتن یک رایانه که امکان اتصال به اینترنت را دارد و با اندک آشنایی به سواد رایانه‌ای می‌تواند مجرمی بالقوه باشد (فضلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). در واقع امکان ارتکاب جرم برای شهروندان اینترنت (نتیزن) بسیار بیشتر از شهروندان دنیای واقعی است. لکن زمانی باید به جرم‌انگاری از این پدیده نامطلوب پرداخته شود که آن فعل یا ترک فعل صدمه و سرزنش قابل توجهی را در پی داشته باشد. در واقع «شناسایی جامع مخاطرات محتمل از ناحیه جرایم سایبری در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی پیش‌شرط قانون‌گذاری خوب و اجرای موفق قانون در این زمینه است. برخی جرایم موجود در قانون جرایم رایانه‌ای فاقد قباحت ذاتی هستند و به این جهت وقوع آنها سرزنشی را در پی نخواهد داشت؛ برای مثال ماده ۲۴ قانون جرایم رایانه‌ای در خصوص استفاده بدون مجوز از پهنای باند بین‌المللی، بدین صورت اقدام به جرم‌انگاری نموده است: «هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». این در حالی است که در اکثر کشورهای پیشرفته در عرصه داده‌پردازی استفاده از فضای سایبر با پهنای باند پرسرعت بین‌المللی و بهره‌گیری از این‌گونه ارتباطات به عنوان یک حق شهروندی پذیرفته شده است (اللهی‌منش و سدره‌نشین، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۹)؛ بنابراین پیش‌شرط جرم‌انگاری، رعایت اصل صدمه و اصل سرزنش است. اگر رفتاری که قانون‌گذار آن را جرم شناخته است به قدر کافی صدمه و سرزنش در پی نداشته باشد، حقوق و آزادی‌های افراد جامعه مخدوش خواهد شد و مردم عملاً از دستور قانون‌گذار مبنی بر عدم ارتکاب چنین رفتاری سرپیچی خواهند کرد؛ کما اینکه در مورد استفاده از فیلترشکن‌ها این سرپیچی نمودار شده است.

۲-۲- اصل ضرورت

مهمترین بایسته در زمینه جرم‌انگاری از یک عمل ضرورت و ناگزیر بودن جرم شمردن آن عمل است، لذا برای جرم‌انگاری از یک عمل پس از آنکه ثابت شد که رفتار براساس

یک سلسله اصول نظری راجع به جرم‌انگاری (مثلاً اصل منع صدمه) در حیطه صلاحیت قضائی جامعه یا اقتدار دولتی قرار دارد؛ به عبارت دیگر باید اثبات شود که دولت به مداخله در حوزه حقوق و آزادی‌های شهروندان از طریق ممنوعیت یا ایجاد محدودیت کیفری مجاز می‌باشد. باید دید که آیا راه‌های موفقیت‌آمیز دیگری وجود دارد که وقوع عمل را بدون به‌کارگیری ماشین نظام عدالت کیفری تقلیل دهد یا نه؟ (زینالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۶-۳۰۷). به بیانی دیگر جرم شمردن یک فعل یا ترک فعل باید آخرین حربه برای نیل به خواسته مقنن باشد، لذا باید گفت استفاده از ضمانت اجراهای کیفری برای حمایت از ارزش‌ها و ایدئال‌ها آنگاه مجاز است که نتوان از سایر ضمانت اجراها بهره جست. اتکای اصل ضرورت هم بر ادله حقوقی و هم بر مبانی فقهی است تا آنجا که می‌توان ادعا کرد مقررات جزایی اسلام، کیفر را برای نفس مجازات مقرر نداشته بلکه آن را به‌عنوان آخرین اقدام در جهت تأدیب و تربیت افراد، اصلاح جامعه و ازبین‌بردن تباهی‌ها مدنظر قرار داده است (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۲۷). از منظر حقوقی قطع‌نظر از نظریه‌هایی چون «تسامح صفر» و «پدرسالاری قانونی» مطابق با اغلب نظریه‌هایی همچون «پالایش»، «اصل منع صدمه»، «اصل ضرر» و ...، که درخصوص اصول جرم‌انگاری ابراز شده، می‌توان گفت در هر جامعه‌ای که برای آزادی‌اش ارزش قائل است، باید از حقوق جزا تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل برای کنترل اجتماعی استمداد شود. استفاده ابزاری از حقوق کیفری و ضمانت اجرای مجازات علاوه بر آنکه اقتدار حقوق کیفری را درهم می‌شکند، تأثیر چندانی هم در القای ارزش‌های مدنظر قانون‌گذار به جامعه ندارد.

احترام به حریم خصوصی و رعایت موازین حقوق بشری جرم‌انگاری و مجازات اگرچه مطلوب یک جامعه نیستند، اما اهدافی آرمانی را دنبال می‌کنند که اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه در مقابل بزه و تحقق عدالت بخشی از آنهاست. به‌دلیل والا بودن این اهداف باید جرم‌انگاری، مجازات و برخورد با بزهکار به‌گونه‌ای باشد که موجبات نقض غرض را فراهم نکند. از این حیث رعایت حریم خصوصی، کرامت انسانی و موازین بین‌المللی حقوق بشر حائز اهمیت ویژه‌ای هستند. کنوانسیون جرایم سایبری در ماده ۱۵ خود با عنوان شروط و تضمین‌ها، دولت‌های عضو را موظف کرده به‌هنگام وضع قوانین

و مقررات مطابق این کنوانسیون، حقوق و آزادی‌های فردی از جمله حریم خصوصی افراد را مطابق قوانین و مقررات بین‌المللی دقیقاً رعایت کنند. در بخشی از این ماده آمده است: «اعضا باید اطمینان دهند که حمایت شایسته‌ای از حقوق و آزادی‌های بشری به عمل می‌آورند که شامل حقوق برخاسته از تعهداتی است که آنها در کنوانسیون شورای اروپا راجع به حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر (۱۹۵۰) و سایر اسناد لازم‌الاجرای حقوق بشری پذیرفته‌اند (جلالی‌فرهانی، ۱۳۸۳، ص. ۵۸)؛ همچنین سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۸۰ یک رشته راهبردهای حریم خصوصی را به‌کار گرفت و آنها را ارائه کرد. این راهبردها به‌طور خاص طراحی شده بودند تا به مشکلات روزافزون جریان فرامرزی داده‌ها و حرکت اطلاعات شخصی از کشوری که داده‌های شخصی در آن به‌شدت تحت حفاظت قرار دارند به کشوری دیگر که داده‌های شخصی در آن از حفاظت کمتری برخوردارند، بپردازند. راهبردهای این سازمان در مورد حفاظت از حریم خصوصی و جریان فرامرزی داده‌ها از هشت اصل تشکیل شده است. با توجه به آنچه گفته شد ملاحظه می‌شود که چه در کنوانسیون جرایم سایبری و چه در راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا، به‌نحو بارزی بر رعایت حریم خصوصی تأکید شده است، لذا با توجه به اینکه علاوه بر بخش اعظم ارتباطات الکترونیکی در فضای سایبر شامل صحبت در محیط‌های گپ و همایش‌های شبکه‌ای و پست‌های الکترونیکی، شکل‌های دیگری از ارتباطات سایبری وجود دارد که می‌توان هر یک از این محیط‌ها را مصداق حریم خصوصی دانست، لازم است از هرگونه تفتیش، شنود و دستیابی غیرمجاز مصون باشند (بیزدانی زنور، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۶).

۳- حمایت کیفری در مقابل سوءاستفاده جنسی مستقیم برخط از کودک

وقتی صحبت از فضای مجازی به‌میان می‌آید با یک موضوع متفاوت مواجه‌ایم، قوانین باید آن‌طوری که موردنیاز است، وضع شوند و بدون تردید، کاملاً متفاوت از دنیای واقعی فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی جدید، از جمله عوامل افزایش ارتکاب برخی خواهند بود. کودکان از جمله افرادی هستند که جرایم از جمله هرزه‌نگاری کودکان عنوان شده

است (کردعلیوند و میرزایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۵). بیشترین آشنایی را با فناوری‌های جدید دارند و از این ابزار برای تسهیل زندگی اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و ابزار هویت خود استفاده می‌کنند (Bird, 2014, p.8). در این رابطه نقش اینترنت در تسریع برقراری ارتباط بسیار قابل تأمل است که خصوصاً از طریق تلفن همراه مورد استفاده قرار می‌گیرد. با رشد فناوری تلفن همراه، بسیاری از کودکان به این ابزار دسترسی دارند و البته از منظر کاربرد فناوری‌های الکترونیک، مانند اینترنت، خطراتی متوجه کودکان خواهد بود که تمامیت جسمی، جنسی و روحی کودکان را تهدید می‌کند. نکته قابل تأمل، فعالیت و مشارکت کودکان در ارتباطات برخط و تبادل اطلاعات متنی و تصویری خصوصاً در مراحل اولیه است که گاهی زمینه‌ساز استثمار جنسی و ارتکاب اذیت و آزار برخط علیه کودکان خواهد شد؛ و البته اولین گام برای مقابله با این پدیده، شناخت اهمیت و کارکرد اینترنت و فناوری‌های ارتباطاتی جدید و نیز مصادیق و انواع اذیت و آزار برخط علیه کودکان است. همچنین نکته‌ای که از سوی محققین مورد تأکید ویژه قرار دارد، امکان اختفای این نوع جرایم است که به دلیل عدم افشاگری کودکان به والدین یا معلمان مورد توجه است و لذا دولت در این رابطه باید پیش‌ازپیش اقدامات مقتضی برای پیشگیری از ارتکاب جرم و نیز در رابطه با تعقیب و مجازات مرتکبین تدبیر نماید (Mishna & et.al., 2009, p.110).

اما برای سوءاستفاده جنسی برخط، کودک و ادار و یا متقاعد می‌شود که اعمالی نظیر، ارسال عکس‌های برهنه یا جنسی از خود، برقراری رابطه شنیداری و دیداری جنسی از طریق وبکم یا گوشی‌های هوشمند، گفتگوی جنسی از طریق ارسال پیام و ... را انجام دهد. قانون‌گذار ایران درخصوص این نوع از سوءاستفاده جنسی تفاوتی بین کودک و بزرگسال قائل نیست و صرفاً با تعریف محتویات و آثار «مستهجن» آن‌هم به‌طور مبهم و ناشفاف، به‌شمردن عناوین و مصادیق مجرمانه که به‌واسطه رایانه و در این حوزه صورت می‌گیرد، بسنده کرده است. طبق تبصره ۱ و ۴ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه و صور قبیحه باشد. محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل

جنسی انسان است.^۱ با این حال به نظر می‌رسد مواردی که مقررات ویژه‌ای برای کودک و نوجوان تمهید نشده باشد، تابع قوانین و مقررات عمومی آن قانون خواهد بود.^۲ البته به عقیده برخی حقوق‌دانان با توجه به معنای عرفی زن و مرد در تعریف مذکور، قدری دشوار است که نمایش برهنگی کودک را نیز به دلیل مغایرت با اصل تفسیر مضیق نصوص کیفری ذیل آن بشماریم و این در حالی است که کودکان به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر، نیازمند حمایت بیشتر هستند (حبیب‌زاده و رحمانیان، ۱۳۹۳، ص. ۹).

حمایت قانون‌گذار در قبال سوءاستفاده از کودک به‌طور خاص در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ به چشم می‌خورد که شدیدترین مجازات مربوط به ماده ۳ این قانون می‌باشد که تصریح دارد: «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به‌جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد»، ولی از طرفی در بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مقرر شده است که: «چنانچه افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود». بنابراین با استناد به ماده ۸ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان باید مجازات اخیرالذکر

۱. تبصره ۵ قسمت الف ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند نیز چنین آورده است که: آثار سمعی و بصری «مستهجن» به آثاری گفته می‌شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد. تبصره ۱ قسمت ب همین ماده نیز بیان می‌دارد که: آثار سمعی و بصری «مبتذل» به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند.

۲. نمونه چنین پیش‌بینی‌ای را در ماده ۵۶۸ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان یافت که اذعان می‌دارد، مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرایم اطفال و نوجوانان و نیروهای مسلح مقرر نگردیده تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.

اعمال شود.^۱

در خصوص انطباق مفاد این ماده با موضوع مورد بحث به نظر می‌رسد که کلمه «انحراف جنسی» و افعال «تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد» را بتوان بر مصداق سوءاستفاده مستقیم جنسی برخط تطبیق داد و به نوعی این ماده قانونی را در راستای حمایت کیفری از کودکان نیز دانست چون عموماً این افعال در کودکان بیشتر از افراد بزرگسال، نمود پیدا می‌کند؛ اما باید توجه داشت که بسیاری از کودکان به واسطه عدم رشد کافی متوجه نمی‌شوند که اغفال شده‌اند یا حرکتی که انجام شده سوءاستفاده است؛ بنابراین بازهم به نظر می‌رسد باید قوانین حمایتی شدیدتری برای این گروه در نظر گرفته شود. در بند ۹ ماده ۱۰ لایحه حمایت از کودک و نوجوان این‌گونه پیش‌بینی شده است که فرد ۱۱ با «برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه ۶» محکوم می‌شود که این لایحه در صورت تصویب در مجلس و تبدیل به قانون نسبت به ماده فوق شدیدتر و دقیق‌تر خواهد بود.

در سطح اروپا، دو سند منطقه‌ای به تعریف اذیت و آزار و استثمار جنسی کودک پرداخته‌اند. نخست، کنوانسیون جرایم سایبری^۲ است که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید و در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد و اولین سند بین‌المللی می‌باشد که معیارهای هماهنگ و یکنواختی برای جنبه‌های متعدد جرایم اینترنتی پیش‌بینی نموده و در ماده ۹ آن به تعریف و موارد متعددی از اذیت و آزار و هرزه‌نگاری کودکان پرداخته است. بنابر تعریف مقرر در این سند، هرزه‌نگاری کودکان شامل مواردی با مضمون انجام عمل جنسی کودک است؛ و همچنین کنوانسیون اروپایی حمایت از کودکان در مقابل سوءاستفاده و بدرفتاری جنسی^۳ مصوب ۲۰۰۷، در ماده ۲۰ هرزه‌نگاری را به معنای نمایش اندام تناسلی کودک و

۱. اگر جرایم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگین‌تری برای آنها مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد.

2. EU Convention on Cybercrime

3. Council of Europe Convention on Protection of Children against Sexual Exploitation and Sexual Abuse.

هر نوع محتوایی ناظر بر انجام عمل جنسی توسط کودک تعریف نموده است (تی‌پور و زریه، ۱۳۸۱، ص. ۶۴).

نکته قابل تأمل آن است که برخی گروه‌های کودکان و نوجوانان به‌عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر بیش از سایر کودکان در معرض اذیت و آزار جنسی برخط قرار دارند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودکان معلول خصوصاً معلول جسمی و دارای اختلالات یادگیری بیش از دیگر کودکان در معرض این نوع اذیت و آزار قرار دارند و باید با مرتکبین این نوع جرایم برخط علیه کودکان معلول با کیفیات مشدده برخورد گردد (Wells & et.al., 2009, p.20).

۴- حمایت کیفری درمقابل سوءاستفاده جنسی غیرمستقیم برخط از کودک

فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی جدید موردتأکید نهادهای بین‌المللی قرار دارند و این امر حتی در کشورهای اروپایی که از جهت اسناد منطقه‌ای از سطح بالاتری از حمایت از کودکان درمقابل اذیت و آزار و استثمار برخط برخوردارند نیز همچنان به‌عنوان دغدغه‌ای جدی مطرح است، مبنی بر اینکه قوانین داخلی متناسب با استانداردهای بین‌المللی متضمن حمایت مقتضی از کودکان در مقابل استثمار برخط نمی‌باشد^۱. بنابراین شواهد و قرائن، کودکان در سنین پایین درحال مشارکت روزافزون در فعالیت‌های برخط هستند. تعداد زیادی از کودکان کودک فاقد تجربه و آگاهی لازم درزمینه مدیریت اطلاعات مرتبط با خود می‌باشند (Jasmontaite and Hert, 2015, p.20).
درموردی به‌صورت غیرمستقیم موردسوءاستفاده قرار می‌گیرد و گاهی فیلم یا تصاویر وی با اهداف جنسی بر روی صفحات اینترنتی در دسترس همگان قرار می‌گیرد و این مسئله امروزه با عنوان هرزه‌نگاری کودکان به‌صورت جدی مطرح است و طریق دیگری از سوءاستفاده و استثمار جنسی از کودک در فضای مجازی می‌باشد که بسیار مهم می‌باشد.

بند ج ماده ۲ پروتکل کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان، پورنوگرافی یا هرزه‌نگاری را چنین تعریف می‌کند: به‌معنای هر نوع

1. The International Telecommunication Union (ITU)

نمایش با هر ابزاری که در ارتباط با کودک و برای بهره‌برداری فعالیت‌های جنسی واقعی یا مشابه‌سازی یا هر نوع نمایش اندام تناسلی کودک به‌منظور اهداف جنسی می‌باشد (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۶، ص. ۳۲۹). تعریف مذکور، تعریف موسعی است که شامل موارد غیرتصویری مانند صوت یا متن نیز می‌شود. البته برخی اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی در مورد حمایت از کودکان در مقابل استثمار جنسی و اذیت و آزار جنسی (بند ۲ ماده ۲۰) و پیش‌نویس کنوانسیون آفریقای در مورد چارچوب حقوقی برای امنیت سایبری در آفریقا (ماده ۳)، پورنوگرافی را محدود به موارد تصویری خصوصاً عکس می‌شمارند. البته در چارچوب همین اسناد نیز اخیراً اشاره زیادی به «پورنوگرافی مجازی کودک» می‌شود. با وجود این، تعداد اندکی از دولت‌ها، مصادیق غیرتصویری «پورنوگرافی کودک» را در تعریف آن گنجانده‌اند. در نتیجه این اقدامات، آسیب جدی جسمی، جنسی و روحی متوجه کودکان می‌شود و به‌همین دلیل گزارشگر ویژه ملل متحد، جرم‌انگاری هرگونه مداخله و مشارکت در تولید محصولات پورنوگرافی را اقدامی ضروری شمرده است. در کشورهایی که ممنوعیت عمومی در مورد پورنوگرافی وجود دارد، صرف‌نظر از اینکه افراد مرتبط بالغ یا کودکان باشند، اقدامات مزبور جرم‌انگاری شده و این در حالی است که قانون خاص برای پورنوگرافی کودکان منظور نداشته‌اند و البته بعضی اوقات به‌عنوان یکی از کیفیات مشدده در قوانین ملی، مجازات افراد مرتکب جرایم پورنوگرافی علیه کودکان را افزایش می‌دهد.

در ادبیات تقنینی ایران، اصطلاح «پورنوگرافی» یا «هرزه‌نگاری» به‌کار نرفته است، اما در چند متن قانونی مورد حکم قرار گرفته و با عباراتی چون «منافی عفت عمومی»، «جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی»، «مبتذل» یا «مستهجن» به این مفهوم اشاره شده است و البته دو واژه «مبتذل» و «مستهجن»، توسط قانون‌گذار، تأکید و تعریف شده است، اشاره داشتیم (حبیب‌زاده و رحمانیان، ۱۳۹۰، ص. ۳۶). رفتار فیزیکی مقرر در ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) از چند فعل تشکیل شده است که عبارت است از: «انتشار»، «توزیع»، «معامله کردن»، «تولید»، «ذخیره» و «نگهداری» محتویات مستهجن. از بین این افعال صرف انتشار، توزیع و معامله این محتویات جرم و مشمول این ماده خواهد شد،

ولیکن رفتارهای تولید، ذخیره و نگهداری داده‌های مستهجن در صورتی که به قصد تجارت یا افساد باشد، جرم محسوب می‌شود، در غیراین صورت جرم تلقی نمی‌گردد (عزیزی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۷).

رکن روانی از ارکان اصلی جرم به‌شمار می‌رود، در غیراین صورت جرم تلقی نمی‌گردد. گاهی اوقات سوءنیت عام به معنای اراده و آگاهی در مورد رفتار مجرمانه کافی نیست و گاهی قانون‌گذار، تحقق رفتار مجرمانه را منوط به وجود سوءنیت خاص دانسته است. برخی معتقدند که سوءنیت خاص همان قصد نتیجه است، لذا وجود سوءنیت خاص صرفاً در جرایم مقید به نتیجه قابل تصور است، اما واقعیت این است که نمی‌توان به استناد مطلق بودن جرم، وجود سوءنیت خاص را در آن منتفی دانست؛ زیرا این دو مقوله از یکدیگر مجزاً هستند. نتیجه به رکن مادی جرم مربوط می‌شود و سوءنیت خاص بخشی از رکن روانی جرم است. باید توجه داشت که این رفتارها باید در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل داده صورت بگیرد. ملاحظه دیگر مربوط به شرایط و اوضاع و احوال تحقق جرم این است که اولاً، مربوط به انسان باشد؛ و ثانیاً، به‌گونه‌ای باشد که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند و تحریک‌زا باشد؛ مثلاً نمایش اندام یک نوزاد یا نمایش بیماری اندام تناسلی یک زن و مرد و یا حتی حیوان جرم نیست، چون اصولاً تحریک‌کننده نیست. نکته قابل اهمیت دیگر این است که این ماده، جرم علیه اشخاص موضوع محتوای مستهجن نیست و علیه عفت و اخلاق عمومی می‌باشد. هرزه‌نگاری و جرایم مرتبط با آن در زمره جرایم بدون بزه‌دیده قرار می‌گیرد؛ به این بیان که نمی‌توان شخص خاصی را به عنوان بزه‌دیده جرم معرفی کرد؛ بنابراین بزه‌دیده جرم، تمامیت اخلاقی جامعه است، با این حال قانون‌گذار در برخی موارد بزه‌دیدگان خاصی را به صورت ویژه مورد توجه قرار داده است.

از دیگر قوانین داخلی که جنبه حمایتی از کودک در خصوص هرزه‌نگاری را می‌تواند داشته باشد، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند (۱۳۸۶)، می‌باشد. این قانون با حفظ رویکرد ممنوعیت مطلق رفتارهای مشمول هرزه‌نگاری در تمامی حوزه‌های مربوطه، ضمانت اجراهای شدیدتری نیز در نظر گرفته و تعریفی نیز از تولیدات «مستهجن» ارائه نموده که قدری با تعریف مقرر در

قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، متفاوت است و البته تفاوت تعریف دو متن قانونی مذکور از مفهوم «مستهجن»، محل تأمل جدی حقوق‌دانان قرار دارد و بنا به نظر برخی تعریف مندرج در قانون مؤخر (قانون جرایم رایانه‌ای)، کاشف از اراده جدید قانون‌گذار است و برای تشخیص تمام موارد هرزه‌نگاری (اعم از رایانه‌ای و غیررایانه‌ای) باید مورد توجه قرار گیرد. در هر دو قانون هیچ افتراقی بین کودک و بزرگسال در نظر گرفته نشده است. حتی در قانون اخیر با استناد به بند الف ماده ۳ و تبصره ۱^۱ ممکن است یک دختر ۱۰ ساله به واسطه شرکت در تولید فیلم مستهجن به عنوان بازیگر نقش اصلی به مجازات مفسد فی الارض محکوم شود.

مطابق ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید، برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد، مستوجب حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور خواهد بود». بدین ترتیب در این قانون نیز تفاوتی بین کودک و بزرگسال دیده نمی‌شود.

تنها موردی که در حال حاضر چنین تفکیکی را بین کودک و بزرگسال قائل شده است

۱. بند الف ماده ۳ و تبصره ۱ آن مقرر می‌کند: عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند:

(۱) تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه؛

(۲) تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران؛

(۳) عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن.

تبصره ۱؛ عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از: تهیه‌کننده (سرمایه‌گذار)، کارگردان، فیلمبردار، بازیگران نقش‌های اصلی.

ماده ۱۰ لایحه حمایت از کودک و نوجوان اصلاحی ۱۳۹۶ می‌باشد. بندهای ۵، ۷ و ۸ مربوط به سوءاستفاده جنسی و هرزه‌نگاری از کودک، به شرح زیر می‌باشند:

۵- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر نمودن برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی به مجازات حبس درجه پنج؛

۷- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط؛

۸- واردات، صادرات، حمل، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آنها به یکی از مجازات‌های درجه شش.

اما باز هم به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع می‌توانست مجازات شدیدتری را در نظر بگیرد.

نتیجه‌گیری

برای مقابله با استثمار جنسی کودکان با کاربرد فناوری‌های مدرن، اولین گام ضروری تصویب قوانین و مقررات مقتضی است. به این ترتیب دولت‌ها باید تعهدات خود در چارچوب اسناد بین‌المللی خصوصاً پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و پورنوگرافی کودک را در قوانین داخلی خود گنجانده و موارد نقض را جرم‌انگاری نمایند. به این ترتیب که دولت‌ها باید پورنوگرافی کودک را چه به صورت تصویری و چه غیرتصویری و چه از طرق پیشنهاد، تسهیل و تمهید و ترغیب جرم‌انگاری نمایند. با وجود این، متأسفانه همچنان شکاف قابل تأملی در قوانین داخلی کشورها با اشکال جدید اذیت و آزار و استثمار جنسی برخط کودکان وجود دارد و باید دولت‌ها اهتمام جدی داشته باشند تا جایی که اقدام افراد در بارگیری و بارگذاری موارد اذیت و آزار یا در دسترس قرار دادن موارد مذکور نیز جرم‌انگاری و قابلیت تعقیب و پیگرد قانونی باشد. البته بدیهی است که انطباق قوانین داخلی با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

در زمینه تغییر و تحول نظام‌های حقوقی متناسب با فضای مجازی و کاربرد حمایت کیفری با رویکرد مجازات مجرمان راهکار قطعی و انحصاری برای جلوگیری از جرم نمی‌باشد و اهمیت آموزش و ارتقای آگاهی در سطح عموم جامعه انکارناپذیر است، اما فقدان قوانین کیفری حمایتی و پاسخ کیفری مناسب دیگر، به نفع سوءاستفاده‌گران و مجرمان است و بحث بازدارندگی از جرم را به طور کل منتفی می‌کند، با توجه به این پژوهش، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نکته قابل تأمل آن است که در نظام حقوقی ما قوانین جزایی متناسب برای پیشگیری از تمام مصادیق سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی وجود ندارد، هرچند که در لایحه حمایت از کودک و نوجوان تا حدودی به آن پرداخته شده است و در خصوص تفکیک دقیق موضوعات و مشخص کردن مجازات نسبت به هر عمل بر مبنای اهمیت جرم، ضعف قانونی در حمایت از بزه‌دیدگی کودک در فضای مجازی تا حدود زیادی مشهود است. لذا وظیفه نهادهای قانونی و نظارتی است تا با شناخت ابعاد و لایه‌های مختلف آسیب‌دیدگی و نیز تعاریف بین‌المللی و تجارب دیگر نظام‌های حقوقی، به جرایم جنسی علیه کودکان ورود کنند و با جرم‌انگاری ابعاد مختلف این پدیده، مشروعیت و ضرورت هزینه‌های اقدام علیه کودکان و حفاظت از آنها را در قوانین تبیین کنند و با روشنگری برای خانواده‌ها و نیز گروه‌های حمایتی از کودکان، زمینه پیشگیری از این جرایم را فراهم کنند.

منابع

منابع فارسی

- الهی منش، محمدرضا و سدره نشین، ابوالفضل (۱۳۹۱)، محشای قانون جرایم رایانه‌ای، تهران: انتشارات مجد.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات نور.
- تقی‌پور، علیرضا و زرینه، مرتضی (۱۳۸۸)، پاسخ کیفری در قبال هرزه‌نگاری سایبری در اسناد بین‌المللی و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۹۹.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۳)، پیشگیری از جرایم رایانه‌ای، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۷.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و رحمانیان، حامد (۱۳۹۳)، هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۶.
- حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۴)، *حقوق و امنیت در فضای سایبر*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حسینی اکبرنژاد، هاله و حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۳۹۶)، *حقوق کودک: قوانین داخلی، آموزه‌های اسلامی و اسناد بین‌المللی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷)، ارزیابی گستره مداخلات قانونگذار کیفری ایران در حوزه آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۵۷.
- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ ابوالمعالی، مجید و علیزاده، زهراسادات (۱۳۹۰)، ویژگی‌های جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر، *فصلنامه راهبر،* شماره ۲۰، شماره ۵۸.
- عزیزی، امیرمهدی (۱۳۹۴)، *حقوق کیفری جرایم رایانه‌ای*، تهران: انتشارات مجد.
- فضلی، مهدی (۱۳۸۹)، *مسئولیت کیفری در فضای سایبر*، تهران: انتشارات خرسندی.
- کردعلیوند، روح‌الدین و میرزائی، محمد (۱۳۹۷)، گونه‌شناسی جرایم سایبری با نگاهی به

قانون جرایم رایانه‌ای و آمار پلیس فتا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۲، صص. ۲۰۷-۱۹۱.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، تهران: انتشارات جنگل.

یزدانی زنور، هرمز (۱۳۸۸)، *حریم خصوصی در فضای سایبر، مجموعه مقالات حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات*، بی‌جا: بی‌نا.

منابع انگلیسی

- Bird, Amanda (2014), *Children's Rights in the Digital Age*, Sydney: Young and Well Cooperative Research Centre.
- Jasmontaite, Lina and Hert, Paul (2015), "The EU, Children under 13 Years, and Parental Consent: A Human Rights Analysis of a New, Age-Based Bright-Line for the Protection of Children on the Internet," *International Data Privacy Law* 5(1): 20.
- Mishna, Faye and et.al. (2009), "Real-World Dangers in an Online Reality: A Qualitative Study Examining Online Relationships and Cyber Abuse," *Social Work Research* 33(2) (2009): 107-118.
- The International Telecommunication Union (ITU) (2017), *Regional Review of National Activities on Child Online Protection in Europe*, Geneva, 9-11.
- Wells, Melissa and et.al. (2009), "Peer Harassment among Youths with Different Disabilities: Impact of Harassment Online, in Person, and in Mixed Online and In-Person Incidents," *Children & Schools* 41(1).

حقوق زن و رسانه

علیرضا عزیزی^۱

چکیده

زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع نقش مهمی در جریان فرهنگ‌سازی و توسعه جوامع داشته و دارند. تحولات اخیر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، به خصوص بروز پدیده شهرنشینی که نه تنها بر عادات و شیوه‌های رفتاری، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس مردمان اثر گذاشته است. همچنین تحول در نظام خانواده در جهان صنعتی امروز و نقش عظیم رسانه در تغییرات فرهنگی جوامع، تلاش در شناخت اهمیت نقش زنان در جامعه و احقاق حقوق حقه ایشان به عنوان یک انسان آزاد را الزامی کرده است. امروزه یکی از شاخص‌های مهم جهان برای سنجش مردم‌سالاری و آزادی، مسئله برابری زنان و آگاهی آنها از حقوقشان است. در کشور ما نیز این مسئله اهمیت خاصی پیدا کرده و زنان روزبه‌روز نسبت به حقوقشان حساسیت بیشتری پیدا می‌کنند. رسانه و اجتماع دارای ارتباط دو سویه می‌باشند و دارای تأثیر بر روی یکدیگر و تأثر از همدیگر می‌باشند. این رابطه دو سویه، اهمیت موضوع رسانه را دوچندان می‌کند. حضور زن به عنوان نیمی از اجتماع، در رسانه غیرقابل اجتناب می‌باشد. در این پژوهش نه تنها حضور زن در رسانه به عنوان یک حق اجتماعی پذیرفته و اثبات شده، بلکه با توجه به تهاجم فرهنگی موجود در کشور، حضور زن در رسانه به عنوان جبهه اصلی این نبرد، ضروری انگاشته شده است. این ضرورت همانند هر فعل ضروری دیگر، منافاتی با وجود ضوابط و شرایط برای اشتغال و حضور زن در رسانه نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی

حقوق، زن، رسانه، نظام خانواده.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
Ali.mirarabi1377@gmail.com

مقدمه

رسانه ملی در مناسبت‌های مختلف حضور اجتماعی زنان را به تصویر می‌کشد. براساس آموزه‌های ناب اسلام، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی محترم است و جزو حقوق زنان برشمرده شده است، اما نکات اخلاقی و آداب فراوانی در مورد نحوه حضور و زمینه‌های مناسب برای حضور زنان وجود دارد. برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی - در علم اخلاق آمده است. هدف این پژوهش، علاوه بر تبیین مبانی اخلاقی حضور اجتماعی زنان، تبیین شیوه صحیح بازنمایی رسانه‌ای این موضوع براساس قواعد اخلاقی است. در این تحقیق از دو منبع اسناد کتابخانه‌ای (برای دستیابی به الزام‌های اخلاقی اسلام) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (برای دستیابی به نحوه بازنمایی رسانه‌ای حضور اجتماعی زنان) استفاده شده است. در مرحله آخر با تجزیه و تحلیل موضوع‌های به‌دست‌آمده بین موضوع‌های خلاصه‌شده، گزارش نهایی در تحقیق ارائه می‌شود. رعایت عفت جنسی و زیورهای پوششی در عرصه اجتماعی، اولویت دادن به نقش زن در خانواده، توجه به عرصه‌های اجتماعی متناسب با شخصیت زنان و... ضروری است. در زمینه مشاغل خانگی، رسانه ملی زنان را به انجام این نوع مشاغل تشویق و ترغیب می‌کنند و با برجسته ساختن شایستگی‌های آنان (مانند وحدت محل کار و خانه)، الگو قرار می‌دهند. مشاغل سخت و غیرضروری باید به‌گونه‌ای بازنمایی شوند که در ذهن مخاطب، پرداختن به این مشاغل ضروری باشد. در حوزه مشاغل اداری زنان و مدیریت‌های کلان، تأثیر منفی مشاغل سنگین و تمام‌وقت بر خانواده باید در فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی برجسته شود (دبیاجی، ۱۳۹۴، ص. ۴۵).

قوانین، مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی است که برای برقراری نظم و برقراری عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حاکم است و اجرای آن توسط دولت تضمین می‌شود. شکی نیست که هر جامعه‌ای نیازمند نظام حقوقی است و هیچ نظام حقوقی قادر به برقراری و اجرای کامل عدالت نیست. تغییرات شتاب فرهنگی-اجتماعی، توسعه زندگی شهری و گسترش فناوری‌های نوین در عرصه ارتباطات جمعی از یک‌سو فرصت‌های

جدیدی را برای مشارکت اجتماعی و سیاسی برای زنان گشوده است و ازسوی دیگر با چالش‌ها و خواسته‌های زیادی روبرو بوده‌اند. درک کامل خواسته‌های زنان می‌تواند افق جدیدی برای عینیت بخشیدن به آنها ایجاد کند. امروزه توجه به مطالبات زنان با توجه به رشد و آگاهی زنان و افزایش توقعات آنان از نظام اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. امروزه رسانه‌های جمعی نقش مهمی در ارتباط و انتقال اطلاعات و اخبار دارند. خبرگزاری‌های جهانی با ابزارهای پیشرفته اخبار را از سراسر جهان به نقاط مختلف جهان ارسال می‌کنند. با وسایلی مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت می‌توانید اطلاعات متنوعی در مورد مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از داخل خانه یا محل کار خود به دست آورید. در عصر انفجار اطلاعات، رسانه‌ها به گونه‌ای عمل کرده‌اند که با توجه به تعدد و تنوع رسانه‌ها، حق انتخاب و اختیار انتخاب اطلاعات و برنامه‌های رسانه‌ای را به مخاطبان خود واگذار کرده‌اند و این نشان‌دهنده اهمیت و دشواری نقش رسانه‌ها در تأثیرگذاری بر مخاطبان یکی از حوزه‌هایی که رسانه‌ها می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند، نگرش و باور مردم نسبت به موضوع‌های مختلف است. زنان به عنوان گروهی که بیشتر در معرض تغییرات هستند، می‌توانند تا حد زیادی تحت تأثیر رسانه‌ها در این زمینه قرار بگیرند و در باورها و نگرش‌های خود نسبت به مسائل مختلف تجدیدنظر کنند. یکی از این موضوعها، نگرش به مسائل حقوقی زنان است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه رسانه‌های اجتماعی و نگرش حقوقی زنان انجام شده است (عطارزاده، ۱۳۸۷، ص. ۷۴).

۱- مبانی نظری

آنتونی گیدنز مدلی از متغیرهای تأثیرگذار بر اجتماعی شدن ارائه داده و معتقد است بعد از سازگاری‌های نخستین با محیط و فراگیری‌های اولیه (حدود دو سال اول زندگی) و پس از طی دوره جامعه‌پذیری، کودک کمی زودتر یا کمی دیرتر با برقراری کنش متقابل با اطرافیان به تدریج اجتماعی می‌شود. اجتماعی شدن از نظر گیدنز فرایندی است که توسط آن کودک ناآگاه به تدریج به انسانی آگاه و ماهر در شیوه‌های رفتار در فرهنگ و

محیط که قرار دارد، تبدیل می‌گردد. عوامل اجتماعی شدن از نظر گیدنز عبارت‌اند از: خانواده یا والدین، روابط همالان، مدارس، رسانه‌های همگانی، کار و محیط‌های کاری، گروه‌های محلی، انجمن‌های داوطلبانه. گیدنز نتیجه می‌گیرد اجتماعی شدن در سراسر دوران زندگی ادامه می‌یابد و مهمتر اینکه اجتماعی شدن انسان‌ها را در قالب‌های از پیش ساخته قرار نمی‌دهد و در جریان اجتماعی شدن هریک از ما به یک حس هویت شخصی و توانایی اندیشه و عمل مستقیم دست پیدا می‌کنیم.

فرضیه شکاف آگاهی، نخستین بار توسط تیکنور، دونوهو و اولین در سال ۱۹۷۰ در مقاله‌ای با عنوان «جریان رسانه‌های جمعی و رشد تفکیکی در آگاهی» مطرح شد. مؤلفان، فرضیه شکاف آگاهی را به این طریق بیان کردند: وقتی ریزش اطلاعات رسانه‌های جمعی به نظام اجتماعی افزایش می‌یابد، بخش‌هایی از جمعیت با پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر سریع‌تر از بخش‌هایی با پایگاه پایین‌تر این اطلاعات را کسب می‌کنند، به طوری که شکاف در آگاهی میان این بخش‌ها به جای اینکه کاهش یابد، افزایش پیدا می‌کند. این فرضیه پیش‌بینی می‌کند که به خاطر اطلاعات اضافه، افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین و افراد دارای پایگاه بالا هر دو آگاهی به دست می‌آورند، اما ایراد دارای پایگاه بالا اطلاعات بیشتری به دست می‌آورند. این بدین معنی خواهد بود که شکاف نسبی در آگاهی میان افراد مرفه و افرادی که رفاه کمتری دارند، افزایش خواهد یافت. شرایط ویژه‌ای که طبق نظر تیکنور و همکاران وی و براساس تحقیقی دیگر با عنوان رسانه‌های جمعی و شکاف آگاهی، درباره آگاهی و متغیرهای دیگر ممکن است به شکاف آگاهی منجر شود به این شرح است: ۱- اگر در موضوعی محل تعارض وجود داشته باشد احتمال دارد شکاف آگاهی کاهش یابد. ۲- گسترش شکاف آگاهی در اجتماعات متکثر که در آنها منابع اطلاعات متعدد است، بیشتر است تا در اجتماعات همگون با منابع اطلاعاتی محدود. ۳- اگر موضوعی، اثر محلی فوری و قوی داشته باشد، احتمال دارد شکاف آگاهی کاهش یابد.

نظریه فمینیستی می‌گوید انسان‌ها واقعیت را از دیدگاه موقعیت‌های ساختاریشان درک می‌کنند و بر وفق همین موقعیت درمقابل آن واکنش نشان می‌دهند. فمینیسم درمقابل

دیدگاه‌های کنش متقابل که بر الگویی از انسان‌های هدف‌دار در کنش متقابل با فرض برابری موقعیت بقیه کنشگران با خود تأکید دارند، قرار دارد. فمینیسم معتقد است: اولاً. زنان تحت تأثیر الگوی جنسیتی در مراقبت پایین دستی از مردان قرار دارند؛ ثانیاً. فرهنگ پدرسالارانه است که زنان را وامی‌دارد تا خود را کمتر و فروپایه‌تر از مردان در نظر گیرند؛ ثالثاً. زنان قدرت و آزادی عمل در ورود و خروج از هم‌گروهی‌هایی مثل هم‌گروهی‌هایی زنانه که بیشترین امکان ساخت معنی مشترک در آن فراهم کنند.

صداوسیما نیز مانند سایر رسانه‌ها از دو جهت کارکردهای اقتصادی خانواده را تضعیف می‌کند. در نوع اول حجم زیادی از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به تبلیغات بازرگانی اختصاص دارد. پیام مستقیم این تبلیغات تأکید بر افزایش مصرف و تنوع است، اما در نوع دوم، آثار غیرمستقیم مصرف‌گرایی در برنامه‌های رسانه‌ای به‌ویژه برنامه‌های تلویزیونی مشهود است. ارائه الگوهایی که در آن میزان لذت و مصرف خانواده بالاتر از سطح لذت و مصرف جامعه باشد، طمع مصرف و ارزش آن را تشدید می‌کند. علاوه بر دو مورد ذکر شده، تغییر دیگری در الگوهای اقتصادی خانواده رخ داده است که در این میان نقش رسانه قابل توجه است. در کنار مصرف خانواده‌ها، الگوی مصرف نیز تغییر کرده و به سمت زنانه‌شدن گرایش پیدا کرده است. زنانه‌شدن مصرف همزمان دو تعبیر دارد. در تعبیر اول می‌توان گفت که حجم زیادی از درآمد خانواده توسط زنان خرج می‌شود و این هزینه‌ها لزوماً صرف خانواده نمی‌شود، اما در گذشته زنان بیش از آنکه عامل مصرف در خانواده باشند، عامل پس‌انداز و تولید در خانواده محسوب می‌شدند. البته بخشی از هزینه‌هایی که امروزه توسط زنان در خانواده‌ها انجام می‌شود، کاهش و تسهیل خدماتی است که در گذشته به خانواده ارائه می‌کردند (اسحاقی، ۱۳۹۱، ص. ۷۱).

در تعبیر دوم از زنانه‌شدن مصرف، چنین بیان می‌شود که گرایش‌ها، سلیقه‌ها و انتخاب‌های زنانه، به معیارهایی عام برای مصرف و حتی ارزشمندی در جوامع جدید، تبدیل شده است. این امر در بسیاری از امور مهم خانواده‌ها نظیر انتخاب مسکن، همسر، اتومبیل، شغل و ... دیده می‌شود. تغییر نوع گویش، پوشش، آرایش و رفتار، حتی در میان مردان به سمت سازگاری بیشتر با سلايق و هنجارهای زنانه پیش می‌رود.

در کشور ما رسانه‌ها و البته تلویزیون نقش مهمی در تغییر و تضعیف کارکردهای اقتصادی دارند و زنانه شدن مصرف را پیش می‌برند. علی‌رغم محدودیت‌هایی که در تبلیغات بازرگانی رسانه ملی در استفاده ابزاری از زنان وجود دارد، مخاطب اغلب تبلیغات تجاری زنان و کودکان است، اما نکته مهم در زنانه شدن مصرف در خانواده‌ها توجه به اثرات غیرمستقیم پیام‌های رسانه‌ای در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی است. در این مقاله پیامدهای زنانه شدن مصرف در خانواده‌ها و کاهش کارکردهای اقتصادی خانواده قابل بررسی نیست، اما در این زمینه بررسی علل تغییر الگوهای برنامه‌سازی صداوسیما قابل توجه است. گام مهم و اولیه، بررسی مطالعات مبانی فرهنگی - مذهبی درباره هنجارها، گرایش‌ها و سلايق رفتاری است و گام بعدی، بررسی تطبیقی الگوهای قبلی برنامه‌سازی در رسانه‌ها - به‌ویژه در دوران دفاع مقدس - و الگوهای موجود در برنامه‌نویسی در کشورهای دیگر با الگوی برنامه‌نویسی در رسانه ملی موجود است. این موضوع در سریال‌های خانوادگی اهمیت بیشتری دارد.

۲- تأثیر رسانه بر تضعیف تمایز جنسیتی در خانواده

یکی از وظایف مهم خانواده حفظ تمایز جنسیتی است. تمایز جنسیتی در خانواده از دیرباز محل انتقاد و چالش، دیدگاه‌های فمینیستی بوده است. خانواده به دو صورت تمایزات جنسیتی را تداوم می‌بخشد: تقسیم کار جنسیتی بین زن و شوهر، انتقال نقش‌های جنسیتی به فرزندان از طریق اجتماعی شدن است. اگرچه در رابطه با تقسیم کار جنسیتی تعابیر متفاوتی وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد تقسیم دوگانه رفتار، موقعیت و نقش بین دو جنس باعث بقا و استحکام خانواده می‌شود و در گام بعدی خانواده این تقسیم دوگانه را ادامه می‌دهد. در این حوزه، تقسیم نقش‌های جنسیتی محل بحث نیست و می‌توان پذیرفت که تداوم بسیاری از تمایزات جنسیتی که ناشی از فرهنگ‌ها و الگوهای رفتاری خاص است، کمکی به تحکیم و تحکیم نهاد خانواده نمی‌کند. در نفی مطلق تمایزات جنسیتی نمی‌توان از دیدگاه فمینیستی دفاع کرد (معصومی، ۱۳۹۲، ص. ۴۱).

صداوسیما به دلیل عدم وجود الگوهای مشخص و همچنین سیاست‌های منسجم در

رابطه با زنان و خانواده درخصوص تمایزات جنسیتی در خانواده و جامعه، رفتارهای دوگانه از خود نشان می‌دهد. بخش مهمی از تولیدات رسانه‌ای کشورمان به برنامه‌هایی اختصاص دارد که هدف آن تقویت جایگاه نهاد خانواده است و به‌همین دلیل در این برنامه‌ها تلاش می‌شود از اصل تمایزات جنسیتی در خانواده و جامعه دفاع شود و همچنین خرده‌فرهنگ‌های هنجاری و رفتاری، با رویکردی معتدل برای به چالش کشیدن تمایزات جنسیتی غیرقابل دفاع است؛ اما ازسوی دیگر در بسیاری از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به دلیل رسوب ارزش‌ها و اندیشه‌های مدرن، الگوهای رفتاری در بین اعضای خانواده به نمایش گذاشته می‌شود که نتیجه آن تقویت دیدگاه‌های فمینیستی در نفی مطلق تمایزات جنسیتی در خانواده است. حجم زیادی از مجموعه‌ها و فیلم‌های تلویزیونی خریداری شده از کشورهای دیگر که به‌نظر می‌رسد بیشترین تأثیر فرهنگی را بر جوانان ما داشته باشد، تصویری ناسازگار با ویژگی‌های خانواده‌های ایرانی ارائه می‌دهد. بخشی از رفتار صداوسیما ارائه چهره زنان در قالب مشاغل مدرن است. حضور زنان در نقش پلیس یا در مشاغل سخت و زیان‌آور با ارائه الگوهای رفتاری و ویژگی‌های ظاهری غیرزنانه در برنامه‌های تلویزیونی تولید داخل روزبه‌روز در حال افزایش است (مهدوی‌زادگان؛ داعی‌نژاد و طاهری، ۱۳۹۳، ص. ۲۱).

امروزه در بسیاری از مشاغلی که درگذشته شغل مردانه محسوب می‌شد، نیازمند حضور جدی زنان هستیم، اما برخی الگوپردازی از رسانه‌ها برای حضور زنان در این مشاغل، فراتر از حد ضرورت اجتماعی است و نوعی کلیشه جنسیتی مدرن ایجاد می‌کند؛ مثلاً در بحث و گفتگو، ضرورت حضور زنان در نقش زندانبانی زنان، بازرسی بدنی زنان و سایر موارد ضروری مطرح می‌شود، اما در مجموعه تلویزیونی، زنان در نقش کارآگاه، نفوذی در باندهای جنایی و یا در نقش‌های خطرناک و جسورانه ظاهر می‌شوند. بخش مهمی از انتقادهایی که می‌توان به صداوسیما در حوزه رسانه و جنسیت وارد کرد، مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در خانواده است. در فرهنگ ایرانی-اسلامی و در ساختار حقوقی کشور ما هنجارهای زیادی در مورد تمایزات جنسیتی وجود دارد که براساس قانون اساسی بر عهده همگان از جمله صداوسیما است. پذیرش مدیریت و جایگاه مرد

در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده و مدیریت بحران‌ها و تأمین اقتصادی خانواده از جمله مواردی است که در بسیاری از موارد تفاوت‌های جنسیتی از سوی صداوسیما نادیده گرفته می‌شود. ارائه انواع زنان موفق که در تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی، در عین حال آینده‌نگر و خویشتن‌دار هستند، برخلاف مردانی که در تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی در حاشیه هستند و یا در فرایند تصمیم‌گیری دخالت می‌کنند، معمولاً اشتباهات فاحشی دارند، از مصادیق بی‌توجهی صداوسیما گرفته تا موضوع رعایت الگوی دینی تبعیض جنسیتی (معصومی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

۳- تصویر زن در رسانه

مخالفت زنان در فعالیتهای اجتماعی، به‌ویژه رسانه‌ها، یکی دیگر از مشکلاتی است که همواره برای دغدغه‌مندان ارزش‌های اسلامی و انقلابی وجود داشته است. گروهی از اساس مخالف چهره زن در سینما و تلویزیون هستند و استفاده از زنان را مفسده می‌دانند، اما برای پیروان خط رهبری چنین مسائلی اصلاً نباید مطرح باشد. البته در این مسیر نباید افراط کرد. مهم‌ترین نکته این است که شاخص‌ها و مؤلفه‌های اسلامی به‌ویژه برای نقش زن مانند عفاف، حیا، حجاب و... باید با موازین شرعی رعایت شود.

رهبر معظم انقلاب دو اشکال اساسی را برای صداوسیما قبل از انقلاب بیان می‌دارند: اول. ارزش حجاب از بین رفته بود. دوم. نقش‌های پست و بی‌ارزش به زنان داده می‌شد (برگرفته از دیدار: اعضای شورای سیاست‌گذاری صداوسیما، ۱۳۶۹/۱۲/۱۴). به نظر می‌آید همان دو مشکلی قبلی با نقاب و ظاهری جدید هنوز در فعالیتهای رسانه‌ای مشهود است.

دلیل اصلی از بین رفتن ارزش حجاب و معضل بدپوششی در سینما و تلویزیون ایران، عدم اعتقاد واقعی به این موضوع است و متأسفانه همچنان شاهد نقش‌های کم‌ارزش و بی‌ارزش هستیم. زنان شاد با لباس و ویژگی‌های مدرن در غرب ارائه می‌شود که البته تحقیقات جداگانه‌ای در این زمینه صورت گرفته است. جدای از آن، حتی ظاهر چادری و پوشش اسلامی نیز گاهی به دلایل زیادی درست نشان داده نمی‌شود. بیشتر خانم‌های سینما و تلویزیون چادر را مثل شل می‌کشند. همیشه چادر بر سر بازیگران اضافه می‌آید و ما بیشتر از زنی مذهبی که چادر اسلامی دارد به یاد زورو

می‌افتیم. اگر خانمی با چادر در مدیوم تلویزیون و سینما، در مجلات و روزنامه‌ها ظاهر شود، سایت‌های اینترنتی پر است از عکس‌های مدل‌های فحاشی که کاملاً با چادر و پوشش‌های مذهبی در تضاد است (دیباچی، ۱۳۹۴، ص. ۳۳).

اولین ویژگی یک هنرمند این است که به حرفی که می‌زند معتقد و باورمند باشد. نباید از جماعتی که دل به ارزش‌های غربی سپرده‌اند توقع داشت، مبلغ ارزش‌های اسلامی و انقلابی ایران باشند، چرا که اصلاً به ارزش‌های اسلامی معتقد نیستند. حال اگر عرصه از افراد معتقد و متدین خالی باشد، بدون شک افرادی در فضای رسانه‌ای ایران وجود دارند که نه‌تنها قدمی در راستای تبیین درست ارزش‌های الهی گام برنخواهند داشت، بلکه بالعکس نیز عمل خواهند کرد. لذا ضرورت دارد حتی زنان متدین و مؤمنه نیز در این عرصه ورود پیدا کنند. البته نباید ورود زنان به عرصه فعالیت‌های رسانه‌ای، اجتماعی و سیاسی بدون ملاحظات و بی‌مهابا انجام شود، بلکه نقش زن در جامعه یک‌سری شرایطی را دارا می‌باشد. مقام معظم رهبری ورود زنان بر عرصه‌های مختلف اشتغال را امری لازم و ضروری می‌دانند، اما شرایطی را نیز برای آن قائل هستند:

۱. تحت شعال قرار نگرفتن وظایف اصلی زن از قبیل همسر داری، نقش مادری و...

۲. جدی گرفتن مسئله محرم و نامحرم (برگرفته از بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

این دو شاخصه را نه‌تنها برای زنانی که خواهان فعالیت و مشارکت‌های بیشتر اجتماعی هستند، بلکه برای زنانی که در شخصیت‌های نمایشی قرار می‌گیرند نیز لحاظ شود. نکته مهم‌تر این است که این دو وظیفه زن باید بسیار جدی قلمداد شود.

همواره در بین دو موج افراط و تفریط بوده‌ایم. موج اول به‌طور مطلق مخالف حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی هستند و موج دوم بدون در نظر گرفتن نقش‌ها و وظایف زن در خانواده، اصل را بر حضور زن در اجتماع گرفته‌اند. به‌نظر نگارنده بعد از انقلاب نیز بیشتر غلبه بر موج دوم بوده است. ورود بی‌رویه و بی‌ضابطه زنان به فضای اشتغال خود معایب و مشکلاتی را دارد که این مقاله در مقام پاسخ بدان نیست.

۴- حقوق زنان در رسانه

نگرش زنان از منظر خودشان و جامعه در ایران با توجه به جایگاه تمدنی، فرهنگ، عقاید دینی با سایر نقاط جهان و نگاه نظم نوین جهانی متفاوت است و طبیعتاً نمی‌شود در یک قالب و فرم قرار بگیرند، اما عده‌ای در داخل و خارج کشور صدها سال تلاش کرده‌اند ایران و زن ایرانی را شبیه ساختار جهانی کنند. تا حدودی هم موفق شده‌اند، اما این تعارض‌ها و تناقض‌های مفهومی بین ایران و جهان سبب شده در همه اعصار با چالش و بحران مواجه شود، مخصوصاً اینکه معیار دین و اعتقادات آئینی چالش این جریان را داغ‌تر می‌کند. نمونه این ماجرا بحث چندموسری و قیاس ایران با کشورهای عربی آفریقایی‌ست، که در تمدن، فرهنگ، مبانی اعتقادی، مفهوم نژادی و عرف؛ ایران با این کشورها متفاوت است و هرچقدر بخواهیم این تفاوت هم‌راستا شود، نمی‌شود. مسئله نگاه مدرنیته غربی به زن و تفاوت این نگاه در تاریخ و فرهنگ ایران به شدت زیاد است و مکرراً این تفاوت و تعارض نمود عینی اجتماعی داشته و در مباحث فرهنگی و سیاسی مطرح شده، اما همچنان در حوزه رسانه با قوت و قدرت با بحران و چالش شدید مواجه است که تشعشعاتش به سایر حوزه‌ها نیز نفوذ کرده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۵).

موضوع زن و حقوق آنها در طول تاریخ و دوران معاصر آنقدر مطرح شده است که شاید در حال تبدیل شدن به یک کلیشه باشد، اما به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن، این موضوع و بحث‌های پیرامون آن هرگز پایانی ندارد و هرگز به نتیجه نمی‌رسد. در نتیجه جایگاه زنان به جای اینکه در رسانه‌ها تعریف درستی داشته باشد، در حاشیه قرار گرفته و به فرصتی برای منافع نظام سرمایه‌داری تبدیل شده است. در این میان در فهم رسانه‌ای و اجتماعی کشور و تضاد منافع حاکمیتی و مردمی و ازسوی دیگر فشارهای خارجی، این موضوع را پیچیده‌تر کرده است؛ چرا که در جوامع غربی دولت و مردم به راحتی با هر تغییری ساختاری و یا فازی که منافع شخصی و نظام سلطه را تأمین می‌کند، همراه می‌شوند، اما در ایران از مردم گرفته تا حکومت واکنش‌های زیادی خواهد داشت و خواهد بود. موضوع اصلی شخصیت‌پردازی تمام‌عیار زنان در جامعه و روابط اجتماعی و مدنی است، اما در پشت‌پرده داستان، هدف نگاه و استفاده از این موقعیت به عنوان یک

ابزار تجاری است. رسانه‌ها این را بهترین زمینه بهره‌برداری، توجیهی و سهمیه می‌دانند. در دنیای پست‌مدرن، زنان پایه و اساس و آلوده به منافع قدرت و تجارت و آمیخته با سطحی‌ترین نگاه به هویت و طبیعت هستند. در ایران، بسیاری از جنبش‌ها، اغلب با حمایت مخفیانه خارجی، چنان به فعالیت‌های مبهم برای حقوق زنان می‌پردازند که حتی اگر برخی واقعی و منصفانه باشند، در تمرکز مدل دیکته‌شده خارجی محو می‌شوند (امامی، ۱۳۹۴، ص. ۴۰).

این روزها موفقیت‌های زیادی از سوی بانوان ورزشکار در حال وقوع است، آن‌هم خانم‌هایی با حجاب کامل و پایبندی به اصول کلی جمهوری اسلامی و قواعد آن، یعنی در واقع زنان و دختران ایرانی با قائل بودن به حجاب اسلامی و حتی برخی در کسوت و جایگاه همسری و مادری، با داشتن فرزندی نوزاد و حتی با بودن فرزند در محل برگزاری مسابقات به توفیق‌هایی دست پیدا کرده و می‌کنند، مواردی که توسط جنبش‌های وابسته به غرب و فرهنگ استعماری ادعا به مانع‌شدنی برای توفیق‌های زن در عرصه‌های جهانی است.

نتیجه‌گیری

شرایط امروز ایجاب می‌کند که زنان به‌عنوان نهادی مؤثر در جامعه در عرصه رسانه حضور داشته باشند، اما این ضرورت اجتماعی مانند بسیاری از ضروریات دیگر باید چارچوب‌های قانونی، اجتماعی و اخلاقی خاص خود را داشته باشد. در نتیجه با افزایش استفاده از این رسانه‌ها، عدم پذیرش قوانین حقوقی در مورد زنان نیز افزایش می‌یابد و در واقع نگرش زنان نسبت به این قوانین حقوقی منفی‌تر می‌شود. امروزه زنان از نگاه سنتی گذشته نسبت به خود که زن را موجودی ضعیف و وابسته می‌دانستند، فاصله‌گرفته و به سمت نگاه مدرن که زن را موجودی مستقل، قوی و توانا می‌داند، پیش می‌روند. بی‌شک رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های مدرن در تغییر این نگرش و حرکت به سمت نگاه مدرن تأثیری بی‌چون و چرا و فراوان داشته‌اند. نتیجه این آثار عدم پذیرش قوانین حقوقی در مورد زنان است که زنان آن را ناعادلانه و متعلق به گذشته سنتی زنان می‌دانند که باید تغییر کند.

منابع

- اسحاقی، محمد(۱۳۹۸)، مطالبات حقوقی زنان از دیدگاه نخبگان، نشریه حقوقی زنان، شماره ۷۰، صص ۱-۶۷.
- امامی، اسدالله(۱۳۹۴)، حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران.
- خامنه‌ای، سیدعلی(۱۳۹۰)، بیانات در در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی(۱۳۶۹)، بیانات در دیدار با اعضای شورای سیاست‌گذاری صداوسیما، مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۱۴.
- دیباچی، فاطمه(۱۳۹۴)، نقش تلویزیون در چگونگی شکل‌گیری شخصیت اجتماعی زن (مجموعه مقالات زن در رسانه‌ها)، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله(۱۳۹۲)، مختصر حقوق خانواده. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- عطارزاده، مجتبی(۱۳۸۷)، رسانه‌ها و بازتاب هویت زن در عرصه عمومی، مجله پژوهشی تحقیقات زنان، شماره ۱، صص ۱۲-۲۳.
- معصومی، سیدمسعود(۱۳۹۲)، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- مهدوی‌زادگان، داود؛ داعی‌نژاد، سیدمحمدعلی و طاهری، معصومه(۱۳۹۳)، حقوق زنان: نقد و بررسی کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- نیک‌پی، امیر و رضوان، پویا(۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی تحول خانواده در ایران (بررسی ابعاد اجتماعی و حقوقی لایحه حمایت خانواده)، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۲-۴۰.

جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در حقوق کیفری ایران

علی اصغر میرعربی^۱

چکیده

یکی از پدیده‌های متفاوت و شگفت‌انگیز قرن بیست‌ویک، ظهور فضای سایبری است که پیامدهای مخرب سوءاستفاده‌های از آن، قانون‌گذاران کیفری را به جرم‌انگاری برخی رفتارها در این فضا واداشته است. یکی از اهداف این نوع جرایم را می‌توان خانواده دانست که به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه همواره از حمایت‌های قانون برخوردار بوده است، اما جرایم علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در فضای رسانه‌ای سایبری که از مباحث مهم و مبتلابه در جامعه امروز است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو در پژوهش حاضر با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به بررسی و شناخت جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده و کیان آن پرداخته‌ایم. نتایج تحقیق حاکی از این است که حقوق کیفری ایران رفتارهایی همچون هرزه‌نگاری، نشر اکاذیب رایانه‌ای و افشای اسرار خانوادگی را جرم‌انگاری کرده است. اما از آنجایی که به نهاد خانواده به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل نمی‌نگرد، پاسخ‌های کیفری پیش‌بینی‌شده صرفاً در راستای حمایت از اشخاص بوده و این تدابیر کیفری با توجه به پیامدهای زیان‌بار این جرایم علیه نهاد خانواده از تکافوی لازم برخوردار نیست.

واژه‌های کلیدی

خانواده، جرایم سایبری، حیثیت معنوی، حقوق کیفری ایران.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
Ali.mirarabi1377@gmail.com

مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های نوین و ورود آنها به زندگی بشر، دریچه‌ای جدید به روی انسان معاصر گشوده و منجر به شتاب فرایند تکامل فکری وی شده است. این پدیده نوظهور منجر به تغییر در برخی از مظاهر ارتباط انسان با دنیای پیرامونش شده است و انجام بسیاری از امور را برای او تسهیل کرده و به‌جزئی از زندگی انسان‌ها تبدیل شده است. به موازات افزایش وابستگی بشر به فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، امکان سوءاستفاده بزهکاران از این ابزارها نیز بیشتر شده و عرصه‌ای نوین را برای آنها به‌وجود آورده و قانون‌گذاران کیفری را به جرم‌انگاری برخی رفتارها در این فضا واداشته است (فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷).

این‌گونه جرایم در فضای سایبری در حوزه‌های مختلف اجتماعی صورت می‌گیرد که موجب بروز آسیب‌ها و خسارت‌های متعددی می‌گردد که نهاد خانواده هم یکی از اهداف این‌گونه جرایم می‌باشد. از مهمترین آسیب‌های وارد بر خانواده از بین بردن مبانی و اصول اخلاقی و نظام اجتماعی بوده که خسارت‌های زیادی به نظام‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه وارد می‌آورد. این دسته از جرایم به‌نوعی علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در فضای سایبری صورت می‌گیرد و عموماً علیه عفت و اخلاق عمومی با جرایم هتک ناموس بوده که مخالف اخلاق حسنه و اخلاق عمومی شناخته شده‌اند (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۹). مهمترین ویژگی جرایم علیه خانواده در فضای سایبری این است که علیه حیثیت و سلامت خانواده است. ازجمله جرایم این مجموعه می‌توان به هرزه‌نگاری، نشر اکاذیب و افشای اسرار خانوادگی اشاره نمود که این اقدامات با توجه به چالش‌های فضای سایبری مانند گستره و سرعت انتشار در آن، حیثیت معنوی خانواده را گاهی بیش از جرایم در فضای حقیقی دچار خدشه می‌کند و نتایج به‌شدت زیان‌باری همچون فروپاشی خانواده و بعضاً قتل‌های ناموسی^۱ را به‌دنبال خود دارد.

۱. فیلم سینمایی «شنای پروانه» این مسئله در سطح جامعه را به تصویر کشیده است. در این فیلم سینمایی، فیلمی از پروانه که داخل استخر زنانه است توسط شخصی ضبط و توسط دیگری منتشر می‌شود و

خانواده یکی از حوزه‌هایی است که در بسیاری از کشورها مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است. نقش مهمی که خانواده در سعادت فرد و اجتماع ایفا می‌کند، باعث شده تا چاره‌اندیشی درباره نفوذ آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی به این نهاد بنیادین ضرورت پیدا کند. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و درعین‌حال هسته اصلی جامعه، کانون مقدسی است که بر عالی‌ترین عواطف بنا شده است. این نهاد اجتماعی مانند سایر بخش‌های جامعه همواره با تهدیدهایی مواجه بوده است. از این رو، قرار گرفتن در سایه حمایت‌های شایسته و سنجیده قانونی، ضرورتی غیرقابل انکار است. نقش بسیار مهمی که این نهاد در روابط اجتماعی اشخاص، تعلیم و تربیت فرزندان و پیشرفت و آبادانی کشور ایفا می‌کند، موجب شده تا نظام‌های حقوقی با وضع مقررات و پیش‌بینی ضمانت‌اجراه‌های مدنی و کیفری به حمایت از خانواده و ارزش‌های آن بپردازند. نهاد خانواده در ایران هم همواره از حمایت قانون‌گذار برخوردار بوده است، علاوه بر مواد قانونی که در قوانین متعدد به حمایت از کیان خانواده پرداخته‌اند، قوانین خاصی همچون قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ در این راستا وضع شده‌اند، اما در مورد جرایم سایبری که علیه حیثیت معنوی خانواده ارتکاب می‌یابند حقوق کیفری ایران وضعیت روشنی ندارد.

پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه صورت گرفته‌اند صرفاً در مورد جرایم رایانه‌ای بوده و به ارتکاب این جرایم علیه حقوق خانواده و حیثیت معنوی آن نپرداخته‌اند. از این رو در پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این سؤال‌ها هستیم که آیا پاسخ‌های کیفری موجود تا چه میزان با نتایج این‌گونه جرایم علیه نهاد خانواده تناسب دارد؟ و جایگاه خانواده را چگونه می‌توان در تدوین قوانین کیفری و در رویه قضائی در برخورد با این‌گونه رفتارها در نظر گرفت؟ از این رو در پی پاسخ به این سؤال‌ها ابتدا به گونه‌شناسی پاسخ‌های موجود در قوانین جرایم رایانه‌ای پرداخته‌ایم. سپس مداخله کیفری، با توجه به مبانی شاخص جرم‌انگاری و کیفرگزینی در رویه قضائی را در حوزه جرایم علیه حیثیت معنوی خانواده را مدنظر قرار داده و در پایان به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته‌ایم.

۱- مفاهیم

۱-۱- خانواده

در کشور ما اگرچه تعاریف بسیاری از خانواده شده است؛ اما تعریف حقوقی واضحی از نهاد خانواده ارائه نشده است و تنها برخی از حقوق‌دانان به این تعریف اکتفا کرده‌اند: «خانواده یک واحد حقوقی است که لااقل از یک زن و یک مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده است ناشی می‌شود». براین اساس، وجود زن و مرد در ابتدا شرط خانواده است؛ ولی شرط بقای آن نیست؛ مانند خانواده‌های که از یک مادر و یک فرزند تشکیل شده و پدر خانواده فوت کرده باشد (حائری‌زاده رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۲۶).

قانون‌گذار ایران، هیچگاه از خانواده تعریفی ارائه ننموده و حدود و ثغور خانواده را مشخص نکرده است؛ بلکه همواره سعی در حمایت از خانواده داشته و بر این مهم اهتمام ورزیده است. به طوری که قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۱۴ در باب اشخاص، بدون ارائه تعریفی از خانواده، به روابط حقوقی بین زوجین، فرزندان و اقارب پرداخته است. قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۲ و قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز هیچ‌گونه تعریفی از خانواده ارائه نکرده‌اند. اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بدون تعیین حدود و ثغوری برای خانواده، خانواده را به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی کرده است. ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده، صرفاً دائمی بودن نکاح را به عنوان مبنای تشکیل خانواده و ملاک حمایت قانونی از آن تعیین کرده است؛ بنابراین از آنجاکه تعریفی جامع و مانع از خانواده در حقوق موضوعه ارائه نشده است، این نوشتار بیشتر بر ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده شکل گرفته است (حائری‌زاده رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

۱-۲- جرایم سایبری

واژه سایبر از نظر لغوی به معنای مجازی و غیرملموس و مترادف لغت «Cybernetes» است. سایبر از لغت یونانی Virtual انگلیسی معادل مفهوم سکاندار یا راهنما مشتق شده

است (شهرآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲). واژه فضای سایبر^۱ نخستین بار توسط ویلیام گیبسون^۲ در سال ۱۹۸۴ در رمان تخیلی او با عنوان نورومنسر (به معنی ساحر و غیبگو) استفاده شد. وی در این دنیا فضایی را به تصویر می‌کشد که تمام ماشین‌ها و انسان‌ها به یکدیگر متصل شده و در ارتباط هستند (فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۵، ص. ۲۵). حال با وجود گذشت چندین دهه از ورود فضای سایبر به زندگی بشر و تهدیدهای فراوان ناشی از سوءاستفاده از این فضا، هنوز اجماعی بر ارائه تعریف یکسانی از جرایم سایبری وجود ندارد. اما برخی جرم سایبری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «هر رفتاری که بر ضد رایانه یا اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) با استفاده از شبکه‌های ارتباط از راه دور ارتکاب یابد که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم سایبری محسوب می‌شود» (کوره‌پز، ۱۳۹۳، ص. ۳۳). مطابق این تعریف، رایانه در جرایم سایبری هم می‌تواند هدف ارتکاب جرم باشد هم ابزار ارتکاب جرم.

۲- گونه‌شناسی پاسخ‌های موجود در قوانین جرایم رایانه‌ای

۲-۱. افشای اسرار خانوادگی

مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات رایانه‌ای «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». بر این اساس هتک حیثیت افراد وارد شدن ضرر به آن‌ها از نظر عرف، شرط جرم‌انگاری در ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای است. در صورتی که از ارتکاب عمل و فعل مادی توضیح داده شده در ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای، ضرر و زیانی به شاکی وارد نشود و یا به نظر عرف هتک حیثیتی انجام نشده باشد، این عمل جرم نیست. همچنین از آنجایی که این ماده به صراحت بیان می‌دارد «به نحوی که منجر به

1. Cyberspace
2. William Gibson

ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود»، می‌توان گفت تأکید قانون‌گذار بر فرد بزه‌دیده است. در صورتی‌که اگر در این رهگذر خانواده‌ای دچار آسیب شود و فرجام ناخوشایند حاصل از این عمل مجرمانه گریبان آن را بگیرد، سکوت قانونی داریم. درحالی‌که با استناد به قاعده تسبیب شخص مجرم چه با غرض و قصد قبلی و چه بدون قصد قبلی، عاملیت این فعل یعنی تباهی خانواده را داشته باید مسئولیت کیفری عمل خود در کلیه خسارات مادی و معنوی به خانواده را بپذیرد (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۲). علاوه‌براین عدالت اقتضا می‌کند که مکافات و سزای عمل متناسب با خود عمل باشد (یزیدیان جعفری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۰)، امری که به نظر در این ماده قانونی مورد توجه قرار نگرفته است.

۲-۲- هرزه‌نگاری

ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای بیان می‌دارد: «هرکس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهار میلیون (۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد». با وجود ابراز قانون و تقسیم‌بندی مناسب صورت‌گرفته برای تعداد در جریان قرارگرفتنگان پیام‌های مستهجن (کمتر از ده نفر و بالای ده نفر) ولی لطمه دیدن خانواده به‌عنوان محور جامعه (طبق اصل دهم قانون اساسی) توجهی نشده است و بحثی به‌میان نیامده است. درحالی‌که لازم است با توجه به رکن خانواده جهت جلوگیری از تزلزل ستون خانواده بازدارندگی‌های قانونی اندیشیده شود. همچنین بر اساس اصل تناسب جرم و مجازات تاوان ازهم‌گسیختگی خانواده که خود مقدمه اضمحلال جامعه می‌باشد هیچ‌گونه تناسبی با مجازات پیش‌بینی‌شده در این قانون وجود ندارد؛ زیرا مجازات متناسب با جرم، مجازاتی است که به‌تصریح درجات عدم تأیید اجتماعی رفتار مجرمانه پرداخته و مقدار قبح عمل را به‌زعم جامعه معلوم سازد (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۳). سزادهی در طول تاریخ با خوانش‌های مختلفی بیان شده است؛ توجیهاتی

مثل جبران دین، الغای جرم، تهذیب مجرم، اصلاح امتیاز ناعادلانه، ارضاء احساسات و ... اگر مجازات را عاملی برای جبران و ادای دین مجرم به جامعه بدانیم، از آنجاکه جرم شدیدتر بدهی سنگین‌تری ایجاد می‌کند پس جبران آن نیز باید به همان نسبت سنگین‌تر باشد؛ چنانچه مجازات کردن مجرم را باعث الغاء و محو جرم بدانیم، بدهی است مقدار آسیبی که برای الغای جرم وارد می‌شود باید متناسب با مقدار آسیبی باشد که از جرم حاصل آمده تا بتواند آن را محو کند. همچنین در راستای توجیه مجازات مبتنی بر تهذیب معنوی مجرم، می‌توان گفت اگر مجازات راهی برای فلاح و رستگاری مجرم است، مقدار مجازاتی که برای تطهیر معنوی و روحانی مجرم لازم است باید متناسب با اثر سوئی باشد که جرم بر روحیه مجرم بر جای گذاشته است؛ در صورتی‌که با مبنای فایده‌گرایانه، مجازات متناسب، مجازاتی است که بتواند مجرم را از ارتکاب جرم باز دارد، او را ناتوان سازد یا اصلاح کند (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۴).

۳-۲- نشر اکاذیب رایانه‌ای

در قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، نشر اکاذیب رایانه‌ای و هتک حیثیت افراد از این طریق پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۱۸ قانون مذکور «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به‌وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل‌قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به‌طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به‌نحوی از انحاء، ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان) به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». همچنین مطابق ماده ۱۶ این قانون «هرکس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به‌نحوی‌که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال

تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». تبصره این ماده نیز بیان می‌دارد چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. همان‌طور که در خصوص مواد قبل بیان شد، در این دو مقرر قانونی هم به آثار و پیامدهای این نوع جرایم که ممکن است آسیب‌ها و خسارات زیادی را به نهاد خانواده وارد کند، توجهی نشده است. از این جهت نیاز است که دستگاه قانون‌گذاری در راستای حمایت از خانواده و کیان آن با توجه به مبانی که در جرم‌انگاری مطرح است به وضع قوانینی که از خانواده در برخورد با این‌گونه جرایم پاسداری کنند، اقدام کند. همچنین دستگاه قضائی نیز با استفاده از ابزار کیفرگزینی به برخوردی متناسب و مناسب به این‌گونه جرایم بپردازد. از این‌رو، در ادامه به بررسی این مبانی و امکان به‌کارگیری آنان، در برخورد با جرایم علیه حیثیت معنوی خانواده می‌پردازیم.

۳- مداخله کیفری در پرتو مبانی شاخص جرم‌انگاری و کیفرگزینی در رویه قضائی در حوزه جرایم سایبری علیه خانواده و کیان آن

۳-۱- مداخله کیفری

مداخله در لغت به معنی «داخل شدن در امری یا در کار کسی» آمده است. با قرار گرفتن این واژه در کنار کیفر، می‌توان گفت مداخله کیفری، دخالت بر برخی امور با ضمانت اجرای کیفری می‌باشد. در اصطلاح حقوق کیفری، مداخله کیفری به معنی بازداشتن قهری افراد جامعه از آنچه دوست دارند انجام دهند و وادار کردن قهری آن‌ها به انجام آنچه دوست ندارند است. استفاده از کیفر در این نوع از مداخله موجب شده است تا مداخله کیفری در مقایسه با سایر مداخله‌های دولتی، پیامدهای شدیدتری داشته باشد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۸). این مداخله کیفری که منجر به خارج کردن یک رفتار از حیطه انتخاب افراد و محدود کردن آزادی آن‌ها از طریق جرم‌انگاری می‌گردد، نیازمند رعایت اصول پذیرفته شده برای محدود کردن آزادی افراد است. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن، دولت رفتاری را ممنوع یا انجام آن را ضروری می‌سازد و در قبال نقض آن به واکنش‌های کیفری و در رأس آن‌ها به مجازات متوسل می‌شود. جرم‌انگاری شدیدترین

مداخله در قلمرو آزادی‌های شخصی محسوب می‌شود و متضمن محدودیت‌ها، گرفتاری-ها و هزینه‌هایی بیش از سایر مداخله‌های حکومتی است (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۹). حال یک نظام کیفری اگر بدون چارچوب مقبول و تنها براساس تمایل، به مداخله کیفری اقدام کند با انتقادهای فراوانی روبرو خواهد شد. از این رو قانون‌گذاران، مداخلات کیفری را در چارچوب مبانی جرم‌انگاری توجیه می‌کنند. نظام‌های مختلف حقوقی از اصول جرم‌انگاری واحدی پیروی نمی‌کنند، اما تحلیل قوانین کیفری که متأثر از فلسفه‌های سیاسی و حقوقی است، نشان می‌دهد که قانون‌گذاران بر پایه اصول چهارگانه آسیب^۱، پدرسالاری قانونی^۲، اخلاق‌گرایی قانونی^۳ و کمال‌گرایی^۴ جرم‌انگاری می‌کنند (قماش، ص. ۳۹)؛ بنابراین با توجه به اینکه کاهش و حذف رفتارهای تهدیدکننده خانواده نیازمند حمایت شایسته و کافی از رهگذر جرم‌انگاری است، این اصول را مورد توجه قرار داده و به امکان مداخله کیفری در حوزه جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده می‌پردازیم.

۱-۱-۳- اصل آسیب

بی‌شک اصل آسیب یا زیان را می‌توان بانفوذترین اصل در الگوی جرم‌انگاری لیبرالیسم دانست که در تبیین و توجیه مداخله دولت در حریم آزادی‌های شهروندان به‌منزله مهم-ترین معیار تحدید آزادی آن‌ها به‌شمار می‌آید. اصل مزبور با وجود رویارویی با چالش-های فراوانی که توسط سایر اصول جرم‌انگاری تاکنون مطرح شده است، تا به امروز پویاتر از سایر اصول جرم‌انگاری به حیات خود ادامه داده است (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ص. ۵۷). این اصل با تکیه بر عقاید فردگرایانه بر این باور است که اعمال انسان تحدیدپذیر نیست و هیچ فردی را نمی‌توان به‌علت رفتاری که انجام می‌دهد سرزنش کرد، مشروط بر اینکه آن رفتار به منافع دیگران زیان نرساند. به‌عبارت‌دیگر، تنها دلیل موجه برای مداخله در آزادی‌های شهروندان و توسل به قوای قهریه در قبال اعمال افراد آناست که چنین رفتارهایی اسباب آسیب و ضرر به دیگران را فراهم آورد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷،

1. The Principal of Harm
2. Legal Paternalism
3. Legal Morality
4. Perfectionism

ص. ۱۵۵). از این رو، آنچه از اصل زیان توسط قانون‌گذار جهت جرم‌انگاری در حوزه جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده قابلیت بهره‌برداری دارد، این است که امکان جرم‌انگاری رفتارهایی را که به‌طور خاص به حیثیت معنوی خانواده آسیب وارد می‌کنند، فراهم می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت از آنجایی که مهم‌ترین مسئله در برخورد با این‌گونه جرایم علیه خانواده وجود دارد، زیان و خسارتی است که به حیثیت معنوی و کیان خانواده وارد می‌شود، از این جهت اصل آسیب، زمینه جرم‌انگاری رفتارهای علیه حیثیت معنوی خانواده در فضای سایبر را بیشتر و بهتر از سایر حوزه‌ها فراهم می‌کند.

۳-۱-۲- پدرسالاری قانونی

از دیگر اصول تجویزکننده تحدید آزادی افراد در الگوی جرم‌انگاری لیبرالیسم، پدرسالاری^۱ است. پدرسالاری از کلمه لاتین (پدر یا پدر روحانی)^۲ به معنای مثل یک پدر رفتار کردن است؛ بنابراین پدرسالاری عمل کردن به خیر و صلاح دیگران، بدون رضایت ایشان است، آن‌گونه که پدر برای فرزند خویش می‌کند (یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴، ص. ۶۸). پدرسالاری در معنای مصطلح سیاسی را می‌توان جلوگیری حکومت از آسیب رساندن افراد به خود، دانست. در این مفهوم دولت می‌تواند به‌منزله پدر جامعه، مردم را نه تنها از انجام اموری که زیان‌بار به حال دیگران است به اجبار منع کند، بلکه این رفتار اگر به ضرر خود فرد نیز باشد از انجامش بازداشته می‌شود (یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴، ص. ۶۹). از این رو می‌توان گفت که دولت برای جلوگیری از ضرر رساندن افراد به خودشان، به یک رفتار وصف مجرمانه داده و مردم را در برابر خودشان مورد حمایت و حفاظت قرار می‌دهد و از این طریق نمی‌گذارد افراد با انتخاب‌هایشان به خود آسیب برسانند. در چنین مواردی، دولت با تکیه بر نگرش پدرسالارانه می‌تواند رفتارهایی را مجازات کند که در محدوده فردیت قرار دارد، هرچند آسیبی به دیگران نمی‌رساند. تدقیق در مطالب تبیین‌کننده مفهوم اصل پدرسالاری و تکلیف دولت به حمایت از خانواده و اعضای آن در باب لطامات وارد شده به خویش از جانب خودشان، امکان دخالت هرچه

1. Paternalists
2. pater

بیشتر دولت در حوزه خانواده با دغدغه حمایت و کاهش لطمات وارده را نتیجه می‌دهد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۱). کاربرد این اصل را شاید بتوان صرفاً در مواردی همچون عدم ثبت نکاح یا ازدواج بدون اذن پدر مشاهده کرد؛ اما در مورد جرایم سایبری که علیه حیثیت معنوی اتفاق می‌افتند این اصل در راستای جرم‌انگاری رفتارهای مورد بحث کاربردی نخواهد داشت. هرچند در مورد ممنوعیت هرزه‌نگاری، می‌توان مطابق پدرسالاری اخلاقی که یکی از انواع پدرسالاری‌ها می‌باشد و افراد را از آسیب رساندن به اخلاق خودشان بازمی‌دارد، جرم‌انگاری این عمل را توجیه کرد (یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴، ص. ۷۱)، اما در مورد سایر جرایم این حوزه فاقد کاربرد می‌باشد.

۳-۱-۳. اخلاق‌گرایی

بر اساس این اصل، صرف غیراخلاقی بودن عمل و ایجاد صدمه در آرامش عمومی، در نقض قواعد اخلاقی و عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند مبنای دخالت کيفری باشد (خوئینی؛ افراسیابی و مجتهدسلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰). این اصل منافع جامعه را بر منافع فردی برتری می‌دهد و در موارد ضروری قائل به نادیده گرفتن حقوق و آزادی فردی در برابر جامعه می‌باشد. از نظر این دیدگاه، رعایت اخلاق، الزامی است و اگر کسی اخلاق اجتماعی را رعایت نکند، باید آن‌را بر او تحمیل کرد و حتی می‌توان قانون و درپی آن کيفر را وسیله الزام قرار داد. درواقع این همان اخلاق‌گرایی قانونی است که حمایت از اخلاق را هدف قرار می‌دهد و امکان بهره‌گیری از کيفر را برای حفظ ارزش‌های جامعه و مجازات کردن اعمال ناقض اخلاق اجتماعی تجویز می‌کند (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۳).

پاتریک دولین^۱ یکی از نظریه‌پردازان و حقوق‌دانانی است که اخلاق‌گرایی قانونی را مورد تبیین قرار داده است، وی در سال ۱۹۵۸ به این تفکر لیبرالیستی که «یک حریم خصوصی و اخلاقی و غیراخلاقی وجود دارد که مربوط به قانون نیست» انتقاد گرفت و آن‌را رد کرد. به عقیده وی «هیچ محدودیت نظری برای حقوق علیه امور اخلاقی وجود ندارد» (خوئینی؛ افراسیابی و مجتهدسلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰). هدف اصلی دولین از مطرح نمودن اخلاق‌گرایی قانونی،

1. Patrick Delvin

استدلال او بر حق همیشگی جامعه در وضع حکم اخلاقی برای شهروندان و حق استفاده از حقوق کیفری برای اجرای این حکم بود (خوئینی؛ افراسیابی و مجتهدسلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲). براین اساس می‌توان گفت مطابق این اصل، جامعه قابلیت این را دارد که در مورد هر یک از فعالیت‌های عمومی یا خصوصی شهروندان داوری کند. در نتیجه، رفتارهای ارتكابی مورد بحث که علیه حیثیت معنوی خانواده صورت می‌گیرند را از این منظر که می‌توانند نقض‌کننده ارزش‌های اخلاقی جامعه باشند مورد جرم‌انگاری قرار داد؛ چراکه از جمله مواردی که با پشتوانه اخلاق‌گرایی حمایت از خویش را توجیه می‌کند، حمایت از صیانت خانواده را نیز شامل می‌شود. زیرا خانواده نقش اساسی در شکل‌دهی ارزش‌های اجتماعی داشته و خانواده نیز محیطی است که در آن آموزه‌های اخلاقی اهمیت فراوانی دارند.

۳-۱-۴- کمال‌گرایی قانونی

جمع‌گرایان که به گسترش محدودیت آزادی افراد معتقد هستند، افزایش گستره جرم‌انگاری به جهت اخلاق‌گرایی را برای رسیدن به جامعه مطلوب کافی ندانسته و با اعمال محدودیت بیش‌ازپیش بر آزادی افراد، رفتارهایی که مانع انسان برای کسب فضیلت می‌شوند را نیز قابل جرم‌انگاری می‌دانند. از نظر طرفداران جماعت‌گرایی دولت پدر شهروندان است و باید نقش اخلاقی خود را همانند یک پدر دلسوز ایفا کرده و ضوابط اخلاقی را برای آن‌ها به تصویر بکشد. آنان مخالف بی‌تفاوتی دولت در برابر گزینش‌های ضداخلاقی شهروندان هستند و بر این باورند که دولت وظیفه دارد برای پاسداری از سنت‌های جامعه علاوه بر واداشتن افراد به پایبندی به ارزش‌های جمعی که همان اخلاق‌گرایی قانونی است، باید آنان را به انجام اعمالی که موجب خیر و صلاح و فضیلت‌شان می‌شود را نیز اجبار کرد. این اجبار به کسب فضیلت همان معنای کمال‌گرایی را تشکیل می‌دهد و هرگاه دولت برای تحقق چنین مطلوبی از کیفر و جرم‌انگاری استفاده‌کند، معنای کمال‌گرایی قانونی شکل می‌گیرد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۶). با توجه به تعریف بیان‌شده، هرچند که امکان استفاده از این اصل در مورد جرم‌انگاری رفتارهای درون خانواده علیه دیگر اعضا وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد این اصل معیار مناسبی برای جرم‌انگاری رفتارهایی که در فضای سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده واقع می‌شوند، نمی‌باشد.

۳-۲- کیفرگزینی در رویه قضائی

کیفرگزینی مهم‌ترین و شاخص‌ترین قسمت رویه قضائی در مواجهه با پدیده‌های مجرمانه است. در واقع رویه قضائی در امور کیفری بیشتر از هر چیزی پیرو کیفرگزینی است. دلیل این امر این است که قانون‌گذار در راستای واقعی و فردی کردن پرونده‌های کیفری، اختیارات متعددی به قضات می‌دهد تا لزوماً به دنبال کیفر قانونی نباشند و با توجه به این اختیارات، کیفری را تعیین کنند که نه تنها به اهداف حقوق کیفری توجه داشته باشد، بلکه متناسب با جرم ارتكابی و البته مرتکب آن باشد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹). کیفرگزینی در مواجهه با جرایم سایبری در پرتوی سه رویکرد قابل توجه است. رویکرد اول بر مبنای مجرم‌محوری به رویکرد سهل‌گیرانه می‌پردازد که بر مبنای سه عامل عمومیت‌گرایی، فردمحوری و فرعییت استدلال می‌کند. در این رویکرد، قاضی پرونده در رویارویی با جرایم سایبری اصولاً نگاهی تعدیل‌مدار و تخفیف‌یافته به تعیین کیفر دارد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). در رویکرد دوم بر مبنای جرم‌محوری به رویکرد سخت‌گیرانه پرداخته می‌شود که بر پایه سه عامل رفتارگرایی، پیامدگرایی و بازدارندگی استوار است. در این رویکرد قاضی در مقام تعیین کیفر بیش از ویژگی‌های مجرم، بر نوع و شدت جرم ارتكابی توجه کرده و بر همین مبنای، کیفر تعیین می‌کند (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸، ص. ۶۰). از این رو، اصل اولیه و قدیمی تناسب جرم و مجازات، مبنای عملکرد این رویکرد است. در رویکرد سوم براساس یک رویکرد فنی و بسترمحور به رویکرد افتراقی پرداخته می‌شود که بر پایه سه معیار بسترمحور، موضوع‌محور و چندگانگی عاملیت در جرم استوار است و به قاضی این امکان را می‌دهد که بر اساس یک منظر افتراقی و نه رویکردی سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه در مواجهه با جرایم سایبری بپردازد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹). با توجه به مواردی که در صفحات قبل بیان شد به این نتیجه رهنمون شدیم جرایم سایبری که علیه حیثیت معنوی خانواده ارتكاب می‌یابند از شدت و آسیب‌های فراوانی برخوردار هستند. از این جهت در ادامه به رویکرد دوم یا همان رویکرد جرم‌محور خواهیم پرداخت تا امکان این نوع از کیفرگزینی در این‌گونه جرایم را بررسی نماییم.

۳-۲-۱- رویکرد سخت‌گیرانه در کیفرگزینی

رویکرد سخت‌گیرانه به جرایم سایبری، قرائت غالب در اکثر نظام‌های حقوقی کشورها و از جمله ایران است. این‌گونه جرایم خطرناک تلقی می‌شوند، چون رفتار آن‌ها در همان حال که به راحتی محقق می‌شوند، نتایج و آثار گسترده‌ای به همراه دارند که سبب زیان‌های گسترده می‌شوند. از این جهت قاضی باید برای مجرم‌ان سایبری، نگاه منفی و سخت‌گیرانه‌ای داشته باشد؛ بنابراین بر مبنای سه نگاه زیر، رویکرد سخت‌گیرانه توجیه می‌شود.

۱. رفتارگرایی: رفتار این‌گونه جرایم با زمان اندک و با سرعت ولی در مکان‌های گسترده‌ای روی می‌دهد. چنین موقعیتی، رفتار جرم سایبری را شبیه یک بیماری مسری می‌کند که در زمان کوتاه در مکان‌های زیادی گسترش پیدا می‌کند. علاوه بر این انجام‌دهنده این رفتار ناشناخته است و شناسایی این افراد امری پرهزینه و پیچیده است (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۴۸). در نتیجه به هر اندازه که رفتار جرم آسان‌تر و سریع‌تر محقق شود، به همان اندازه نیز باید در تعیین کیفر سخت‌گیری شود.

۲. پیامدگرایی: آثار و پیامدهای جرایم سایبری از رفتار این جرایم مهم‌تر است. چراکه همراه با تهدیدهای عدیده بر ضد حریم خصوصی و حیثیت یا شهرت اشخاص حقیقی و حقوقی است که جز رویکرد سخت‌گیرانه در کیفر را اقتضا نمی‌کند. درحقیقت اگر رفتارگرایی بیشتر به عملکرد بزه‌کار نظر دارد، پیامدگرایی بیشتر به لحاظ موقعیت بزه‌دیده توجه دارد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۴۹). بر این اساس آنچه از حقوق حمایتی بزه‌دیده و همچنین اصول تضمین حقوق بزه‌دیده در مرحله فرایند صدور حکم حاصل می‌شود شامل مستدل بودن حکم، تسریع در صدور حکم، صدور حکم ضرر و زیان در ضمن حکم کیفری تقاضای اعسار و معافیت موقت از پرداخت هزینه دادرسی در شکایت کیفری و در دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم، تشدید حکم مجازات بدوی در مرحله تجدیدنظرخواهی می‌باشد.

۳. بازدارندگی: کیفر برای جرایم سایبری به همان اندازه که می‌تواند مبتنی به سزاگرایی باشد می‌تواند از منظر بازدارندگی توجیه شود. به ویژه بازدارندگی برای جرایم سایبری که به مراتب بیشتر از جرایم دیگر قابل توجه است چرا که فرض اساسی این

نظریه این است که موجود انسانی، عاقل و اندیشمند است و در نتیجه به بررسی هزینه و فایده اعمال و اقدامات خود می‌پردازد (غلامی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۷). از این جهت چنانچه افرادی که از درونی بودن و مخفیانه بودن این محیط برای ارتکاب جرم انگیزه می‌گیرند، با توجه به پیامدهایی که ارتکاب این دست از اعمال در فضای سایبری برای آن‌ها خواهد داشت، دست از ارتکاب این‌گونه جرایم می‌کشند. در نتیجه محکوم نمودن این افراد به حداکثر مجازات از این منظر قابل توجیه به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی در مسئله مطرح شده، نشان داد که در حوزه اجتماعی نتایج بسیار روشنی از تأثیر فضای سایبری بر خانواده چه از جنبه ارتباطات درونی و چه از نظر خطرات بیرونی وجود دارد؛ اما از نظر قانونی آنچنان که می‌بایست اقدامات لازم برای حفظ کیان خانواده و مدیریت فرصت‌ها و تهدیدات این نهاد مبنایی در فضای سایبری علی‌رغم محوریت این نهاد در اصل دهم قانون اساسی و تأکید بر حفظ این نهاد اجتماعی انجام نگرفته است. البته این بدان معنا نیست که هیچ‌گونه قانونی در این زمینه وضع نشده باشد. چنان‌که در قوانین جرایم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ به این مهم پرداخته شده است؛ اما آنچه به عنوان نقد به این قانون به صورت کلی وارد است این است که کیان خانواده به عنوان یک عنصر محوری لحاظ نشده است. در حالی که بنا به قاعده تناسب جرم و مجازات و اصل تسبیب باید مجرم تاوان ضرر به خانواده و ارکان آن را نیز بدهد؛ اما با توجه به قوانین موجود اگر محتوای مجرمانه‌ای علیه حیثیت معنوی در فضای سایبری منتشر شود و در این راستا خانواده‌ای دچار آسیب شود امکان اعاده حیثیت و جبران خسارت معنوی که به خانواده وارد شده، به طور کامل وجود ندارد و مجازات‌های موجود در قانون با پیامدهای این‌گونه جرایم تناسب ندارد. در نتیجه با توجه به جایگاه خانواده در اجتماع و حساسیت موجود نسبت به این نهاد، این ضرورت احساس می‌شود که به منظور جلوگیری از آسیب‌های وارده به خانواده در فضای سایبری و مجازات‌های نامتناسب با ویژگی‌های آثار این جرایم علیه خانواده، شخصیت حقوقی مستقلی را برای

خانواده در نظر گرفت. تا از این طریق از ضمانت اجراهای متناسب بهره جست و صدمات وارده بر کیان و اعضای خانواده به حداقل رساند. در این راستا بررسی مبانی جرم‌انگاری ما را با این نتیجه می‌رساند که امکان مداخله کیفری در حوزه جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده، از رهگذر مبانی چهارگانه وجود دارد. اصل آسیب و پدرسالاری قانونی، که فردگرایان آزادی طلب حامی آن هستند، با محور قرار دادن بازدارندگی از ایراد آسیب به دیگران و خود، نقش فعالی را برای دولت در جهت حمایت از خانواده در این راستا، قائل هستند. همچنین اخلاق‌گرایان و کمال‌گرایان نیز با گسترش اختیار دولت در تحدید رفتارهای خلاف اخلاق و فضیلت‌سوز افراد، موجب پررنگ‌تر شدن این نقش شده‌اند. شایسته است که قانون‌گذار ایرانی با تمسک به این اصول و مبانی، اقدام به روزآمد و کارآمد کردن قانون «جرایم رایانه‌ای» کرده و با تشدید مجازات این جرایم که علیه حیثیت معنوی خانواده صورت می‌گیرند، هزینه ارتکاب جرم را برای علاقه‌مندان احتمالی به این بزه را بیشتر از فایده آن کنند. در پایان می‌توان از طریق رویه‌ی قضائی با کمک معیارهای معقول و پذیرفته شده، بین جرایم و مجازات‌ها دسته‌بندی‌هایی را به‌لحاظ شدت و ضعف ترتیب داد و سپس بین آن‌ها ارتباط برقرار نمود و از این طریق به تعیین حداکثر مجازات قانونی برای رفتار ارتكابی رهنمون شد.

منابع

- توحیدی نافع، جلال و امیرلی، حسین (۱۳۹۵)، *بایسته‌های کیفرگزینی در رویارویی با جرایم سایبری با تأکید بر رویه قضائی*، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۲، شماره ۱۰۱، صص ۶۰-۳۷
- حائری زاده رحیمی، محمدرضا (۱۳۹۷)، *سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم مربوط به کیان خانواده از منظر فقه امامیه و اسناد بین‌المللی*، دانشگاه فردوسی مشهد، خوئینی، غفور؛ افراسیابی، صابر و مجتهدسلیمانی، ابوالحسن (۱۳۹۷)، *مبانی اخلاقی و قانونی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۶-۱.
- شهرآبادی، مرجان (۱۳۹۹)، *سیاست جنایی ایران در خصوص جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی با تأکید بر رویه قضائی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، غلامی، حسین (۱۳۹۹)، *کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)*، تهران: میزان، فرهادی آلاشتی، زهرا (۱۳۹۵)، *پیشگیری وضعی از جرایم سایبری/ راهکارها و چالش‌ها*، تهران: میزان
- قماش، سعید (۱۳۹۱)، *کرامت انسانی مانع گسترش جرم‌انگاری، فصلنامه حقوق کیفری*، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۳۸.
- کوره‌پز، حسین محمد (۱۳۹۳)، *نیمرخ جنایی بزهکاران سایبری*، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- گرگین، بتول (۱۳۹۷)، *جرایم علیه حقوق خانواده در فضای مجازی*، دانشگاه تهران، پردیس البرز.
- محسنی، فرید، رحیمیان، رضا (۱۳۹۸)، *از کیفرگذاری تقنینی تا کیفرگزینی قضایی مدل‌ها و معیارها (با تأکید بر رویه قضائی ایران)*، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۳، شماره ۱۰۷، صص ۷۸-۵۷.

محمودی‌جانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز(۱۳۹۲)، توجیه مداخله کیفری، اصول و ضرورت‌ها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۶-۳۵.

مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد(۱۳۹۷)، مداخله کیفری در حوزه حقوق خانواده در پرتوی مبانی شاخص جرم‌انگاری، نشریه فقه و حقوق(ندای صادق)، دوره ۲۳، شماره ۶۹، صص ۱۷۲-۱۴۵.

یزدیان جعفری، جعفر(۱۳۸۷)، اصل تناسب جرم و مجازات، چرایی و چگونگی آن، مجله نامه حقوقی، سال ۱۴، شماره ۱۴، صص ۱۵۶-۱۳۹.

یزدیان جعفری، جعفر و خیرمند، الهه(۱۳۹۴)، پدرسالاری کیفری: مفهوم، انواع، مشروعیت و مصادیق آن در حقوق کیفری، حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۶۷-۱۰۶.

Cybercrimes against moral dignity and family unity in criminal law of Iran

Ali Asgher Mirarabi¹

Abstract

One of the different and surprising phenomena of the 21st century is the emergence of the cyberspace. The destructive consequences of its have made the criminal legislators to criminalize certain behaviors in this space. One of the targets of this type of crime is family, which as the smallest and most important social institution of the society has always protected by law. However, crimes against the spiritual dignity and integrity of the family in the cyber media space, which is one of the most important and affected topics in today's society, is less considered. This research is a descriptive-analytical by using available library method. This research identified cyber crimes against the spiritual dignity of the family and its context. The results of the research indicate that criminal laws of Iran have criminalized behaviors such as pornography, publishing computer lies, and revealing family secrets. However, since the family is not considered as an independent legal entity, the criminal responses provided are only in line with the protection of individuals, and these criminal measures, considering the harmful consequences of these crimes against the family.

Keywords: Family, Cybercrimes, Moral dignity, Criminal Law of Iran.

1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Urmia University, Urmia

Ali.mirarabi1377@gmail.com

Women's rights and the media

Alireza Azizi¹

Abstract

Women as major population have played an important role in the culture and development of societies. Recent developments in economic and social structures, especially the emergence of the phenomenon of urbanization, which has affected not only the habits and behavioral methods, but also the thought and feeling patterns of the people. Also, the evolution of the family system in today's industrial world and the huge role of the media in the cultural changes of societies have made it necessary to recognize the importance of the role of women in the society and to assert their rights as a free human being. Today, one of the world's most important indicators for measuring democracy and freedom is the issue of women's equality and their awareness of their rights. Media and society have two-way communication which influence each other. This two-way relationship significant the importance of the media issue. The presence of women in the media is unavoidable. In this research, not only accept the presence of women in the media as a social right, but also by considering the cultural invasion in the country, the presence of women in the media has been deemed necessary as the main front of this battle. This necessity, like any other necessary action, does not contradict with the existence of rules and conditions for the employment and presence of women in the media.

Keywords: Rights, Women, Media, Family System.

1- Assisstant Professor, Department of Criminal Law and Criminology,
Alireza.azizi.isu@gmail.com

Legal responsibilities in the criminalization of children's sexual crimes in cyberspace in Iran's legal system

Mohammad Hadi Rahimi¹

Abstract

The purpose of this research is to examine the legal responsibilities in the criminalization of children's sexual crimes in cyberspace in Iran's legal system. This study describe the current state of existing laws and regulations against children's sexual crimes by examining the criminalization. The results of the research show that the governments should criminalize child pornography, whether in pictorial or non-pictorial form, or by suggesting, facilitating, arranging and encouraging. Despite this, unfortunately, there is still a considerable gap in the internal laws of the countries with new forms of harassment and abuse and online sexual exploitation of children. The governments should pay serious attention to the extent that people's actions in uploading or downloading cases of harassment and abuse are available. this research shows that in the laws of the Islamic Republic of Iran there are no appropriate penal laws to prevent all instances of abuse of children in cyberspace. Although in the Child and Adolescent Protection Bill, to some extent It has been discussed this issue and regarding the precise separation of issues and determining the punishment for each act based on the importance of the crime, the legal weakness in protecting the victimization of children in cyber space is evident. Therefore, it is the duty of the legal and regulatory institutions to considered sexual crimes against children by recognizing the different dimensions and layers of injury as well as the international definitions and experiences of other legal systems. By criminalizing the various dimensions of this phenomenon, the legitimacy and necessity of spending the actions against children should considered and they should attempt for prevention of these crimes by enlightening families as well as child support groups.

Keywords: Legal responsibilities, riminalization, sexual crimes, cyberspace, prevent.

1- MA in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University,

en.rahimi1990@gmail.com

Validity of electronic documents as evidence to prove in couples' claims

Zahra Rahimi¹
Zahra Taheripour²

Abstract

The civil law in Article 1258, has listed written documents as one of evidence in substantiation of claims and also in Article 1284, the document has been limited to "writing". On the other hand, the continuous use of these types of tools has caused the legislator to take an important step in creating relations and communication through this category of tools by emerging the Iran Electronic Commerce Law. But in many cases, this law has remained silent. One of the existing gaps is silence in the family domain. In previous studies, the use of modern tools in criminal and civil lawsuits has been discussed. The main focus of this research is on the status of using modern tools from a legal point of view as evidence in claims substantiation of the couples' claims. This study presented that the validity and legal validity of modern tools compared to traditional documents in legal courts and explained the ability to cite to them (message, email, video, recorded voice, screenshot, etc.). This study concluded that electronic documents can perform much better and more efficiently than traditional documents. The judicial decisions which are used by judge in family Case shows that they have cited these tools as valid documents and solid proofs in the couples' claim.

Keywords: modern documents, Electronic and digital, couples' claims, evidence to prove, The science of the judge.

1- Assistant Professor, Department of Law, Ayatollah Boroujerdi University,
Rahro.daily@gmail.com

2- MA in Private Law, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Lorestan, Iran
taheripour@refah.ac.ir

Thematic analysis of the rights of couples in using Cyberspace

Fateme Gorji¹
Safiyya Gorji²

Abstract

This study conduct thematic analysis to the rights of couples in using cyberspace. According to the purpose, this research is applicational study which is conducted qualitatively, and use thematic analysis methods; For this purpose, an interview was conducted with 17 experts in the field of jurisprudence, law, family and media communication experts using a theoretical sampling method with a semi-structured interview. Data analysis is done by MaxQDA 2018 software, and the results of thematic analysis led to the identification of these cases: the rights of the wife over the husband in the use of cyberspace including 3 categories such as: alimony, family security and family expansion; Regarding the rights of the husband over the wife in the use of cyberspace, the obtained categories included 5 categories, which include the non-financial rights of men, general obedience, special obedience, maintenance of husband's property, self-maintenance, man's management of the family; The extracted codes regarding the mutual rights of couples in the use of virtual space included 10 categories, which are: the necessity of the family for the society, the advantages and disadvantages of the virtual world, guiding the family towards perfection, good company, the right to loyalty, betrayal and crime, bad company, Keeping a secret, maintaining family dignity, maintaining privacy in life.

Keywords: Rights, Couples, Cyberspace.

1- MA in Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

fatemegorji@gmail.com

2- Associate Professor, Department of Law, Ferdowsi University of Mashhad,

sgorji1398@gmail.com

Analyzing the "Paternity (House)" movie and its cultural conflicts in the light of family law

Milad Jafari Jozani¹
Mina Rahimi²

Abstract

This article is focused on cultural conflicts stemming from ethnic and tribal customs on a culture of the “Paternity (House)” movie that cultivates secrecy as its main element and introduces with violence itself as the judge and executor of this view. This research, with a descriptive-analytical method and the use of library resources, examine methods of different cultures in the face of criminal and violent behavior committed by family members in honor killings in society and on the screen of the cinema. This study finds and causes public feelings and conscience to be wounded. This issue have been examined by defining, role and importance of this criminal behavior and providing cultural solutions and criminal psychology in the direction of mental security and social order.

Keywords: Paternity (House)”, cultural conflicts, honor killing, family rights, social order.

1-Associate Professor, Department of jurisprudence and Islamic law of Qom University
Milad.jozani@yahoo.com

2- student of jurisprudence and the basics of Islamic law, Qom University
hadyra94@gmail.com

Contents

- ❖ **Analyzing the " Paternity (House)" movie and its cultural conflicts in the light of family law.....7**
Milad Jafari Jozani/ Mina Rahimi

- ❖ **Thematic analysis of the rights of couples in using Cyberspace...21**
Fateme Gorji / Safiyya Gorji

- ❖ **Validity of electronic documents as evidence to prove in couples' claims.....51**
Zahra Rahimi / Zahra Taheripour

- ❖ **Legal responsibilities in the criminalization of children's sexual crimes in cyberspace in Iran's legal system75**
Mohammad Hadi Rahimi

- ❖ **Women's rights and the media95**
Alireza Azizi

- ❖ **Cybercrimes against moral dignity and family unity in criminal law of Iran107**
Ali Asgher Mirarabi

- ❖ **Abstract English.....7**

Jurisprudence and legal studies of media Journal

Vol.1/ Spring and Summer 2019 / No.1

Under the direction of the research vice president

Director-in-change: Refah University

Managing Director: Naser Bahonar (Ph.D.)

Editor-in-chief: Zahra Taheripour (Ph.D.)

Editorial Board:

Fatemeh Sadat Hosseini Ebrahimabadi (Ph.D.)

Professor Department of Law and Criminology, Shahid Beheshti University

Mahzad Saffarinia (Ph.D.)

Professor Department of Law, Shahid Beheshti University

Zahra Taheripour (Ph.D.)

Professor Department International Law, Shahid Beheshti University

Meysam Farokhi (Ph.D.)

Professor Department of Law, Tehran University

Zahra Lame (Ph.D.)

Professor Department of Law, Tehran University

Atiyeh Moghadam Far (Ph.D.)

Professor Department of Private Law, Shahid Beheshti University

Contributing Advisors:

Maryam Ahmadinejad (Ph.D.)

Baqer Ansari (Ph.D.)

Maheru Ghadiri (Ph.D.)

Hoda Ghaffari (Ph.D.)

Fateme Sadat Hosseini Ebrahim Abadi (Ph.D.)

Zahra Lame (Ph.D.)

Maryam Mohajeri (Ph.D.)

Maryam Rezaei (Ph.D.)

Mehzad Safarinia (Ph.D.)

Zahra Taheripour (Ph.D.)

Persian Editor: Dr. Fateme Sadat Hosseini Ebrahim Abadi

Executive Manager: Reza Diba

Email: jjlms@refah.ac.ir

Site: www.refah.ac.ir

IN THE NAME OF ALLAH

Jurisprudence and legal studies of media Journal

Refah University

VOL. 1 / Spring and Summer 2019 / NO. 1

Address: Tehran Province, Tehran, District 12, Nadaee Pour Alley,
MCQP+7C9, Iran

P.O.Box: 11575/138

Fax: +982133521776 **Tel:** +982135074230

Email: jjlms@refah.ac.ir

Site: www.journal.refah.ac.ir